

ایران توشه

- دانلود نمونه سوالات امتحانی

- دانلود گام به گام

- دانلود آزمون گاج و قلم چی و سنجش

- دانلود فیلم و مقاله انگلیزی

- کنکور و مشاوره



IranTooshe.ir



@irantooshe



IranTooshe



۱ در ابیات زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

- (الف) گر نبودی شرف ذات تو منظور قضا
(ب) در سنای تو سخن را نرسد غیر گداز
(ج) این قدر هست که کف بر لب جان می آرم
(د) تا بود حسن عمل رهبر عالم به بهشت

۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۲ در کدام بیت، غلط املائی وجود دارد؟

- ۱ زهی ستوده خصالی که بر تو می‌زیبد
۲ یکی شیر شرزه به چنگال تیز
۳ و گر به خواست وی آید همی گناه از ما
۴ گر ناچه را نه نالهٔ مجنون شدی حُدی

۳ کاربرد معنایی «یقین» در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
۲ عیان بین باش نه خودبین در این راه
۳ یقین جوی و یقین از دست مگذار
۴ اگر عین یقین اینجا نباشد

۴ معنی «ننگ» در کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱ فخری که از وسیلت دون همتی رسد
۲ جان بر کف دست آمده تا روی تو بیند
۳ امثال تو از صحبت ما ننگ ندارند
۴ گر تو را کامی بر آید دیر زود از وصل یار

۵ در کدام گزینه معنای یک یا چند واژه نادرست است؟

- ۱ مرشد: سالک / شبگرد: شبرو / صنم: بُت / عازم: راهی
۲ رضوان: بهشت / متفق: هم سو / مناسک: جاهای عبادت / بذله‌گو: لطیفه‌پرداز
۳ شاب: برنا / چابک: فرزند / وعظ: اندرز / نَمَط: نَمَط
۴ آماس: تورم / گیوه: پای‌افزار / محضر: محل حضور / تحفه: ارمغان

۶ در عبارت «نیک بندگی و پاک روشنی او در راه خدمت محقّقی آمد و به انواع کرامات بهره‌ور و محرم اسرار گشت تا به حدّی که دمنه را بر مقام تقدّم او رشک بیفزود اما اظهار کردن صلاح ندانست. تا که روزی کلیله را گفت: همّت بر فراغ شیر مقصور گردانیدم و در نصیب خویش غافل بودم بکوشم تا او را در گردانم که سستی را در مذهب همیت جایز نیبیم.» چند غلط املائی وجود دارد؟

۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار



۷) معنای چند واژه از میان واژه‌های زیر، درست است؟

(حکمت: دانا) - (تفرّج: پراکندگی) - (چنگ: نوعی ساز) - (حلاوت: شیرین) - (نگون بخت: تیره روزی) - (زنخدان: صورت) - (صورت: باطن) - (شوریده رنگ: خرسند) - (محراب: قبله)

۴) پنج

۳) چهار

۲) سه

۱) دو

۸) در کدام گزینه غلط املایی یافت می‌شود؟

- ۱) تویی آن کس که کشیده است بر اوراق فلک
- ۲) گوییا باور نمی‌دارند روز داوری
- ۳) وقت عزیز رفت بیا تا قضا کنیم
- ۴) واعظان کاین جلوه در مهرباب و منبر می‌کنند
- خطوات قلمت خط خطا بر احکام
- کاین همه قلب و دغل در کار داور می‌کنند
- عمری که بی‌حضور صراحی و جام رفت
- چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

۹) معنی چند واژه در کمانک مقابل آن درست ذکر شده است؟

افکار (زخمی) / چاشتگاه (شب‌گیر) / خیر خیر (بیهوده) / ضیعت (روشن) / سر سام (هذیان) / فراخ (آسودگی) / محبوب (دستور) / ندیم (همنشین) / شرع (خیابان)

۴) پنج

۳) چهار

۲) سه

۱) دو

۱۰) کدام بیت فاقد غلط املایی است؟

- ۱) دانش به از ضیا و به از جاه و ملک
- ۲) شاها اگر به عرش رسانم صریر فضل
- ۳) مسطور و مست هر دو چو از یک قبیله‌اند
- ۴) رایب شاهان را صورت شیر است و پلنگ
- این خاطر خطیر چنین گفت مر مرا
- مملوک این جنابم و مسکین این درم
- ما دل به عشوه که دهیم اختیار چیست؟
- بر سر رایب او سورت فتح و ظفر است

۱۱) در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«وزیر گفت: هر آنچه از اوامر و نواهی، فرمودی از سر تعمّلات درونی و فراست بود. و زبده کلمات با فصاحت و عمدۀ قواعد بلاغت فرمان پذیرم. امید است که این منشأ لعالی دولت تازه و سعادت نو باشد و از علامات قبض و بسط شاه صفاتی چند بر تو شمارم تا مراقب خطرات و مواظب اوقات باشی که از آن حذر باید کرد.»

۴) دو

۳) سه

۲) چهار

۱) یک

۱۲) در همه ابیات به جز بیت گزینۀ غلط املایی وجود دارد.

- ۱) معاشران همه بهر خدا ثواب کنید
- ۲) برخاست ز آب دیده ما هر طرف حباب
- ۳) از بهر مدح من به ثنایت در این محیط
- ۴) مده در عالم پر شور دامان رضا از کف
- حدیث نقض مرا زینت کتاب کنید
- زد خیمه در نواحی ما لشکر فراق
- هر جا سفینه‌ای است، کنون غرق گوهر است
- که ساحل می‌کند تسلیم این دریای حایل را

۱۳) در کدام گزینه غلط املایی دیده می‌شود؟

- ۱) نوری از پاهای او ساطع می‌شود. ماهی‌ها به دور پاهای علی طواف می‌کنند.
- ۲) کلوخی فراهم نهاد تا قلبه‌ای بکند. سگی بیامد سر در دیگ کرد و از سوزش دیگ به آهنگ خواست و دیگ را ببرد.
- ۳) چون عمر و بن لیث به در بلخ شکست خورد، هفتاد هزار سوار او پس از مصاف با سامانیان به هزیمت رفتند.
- ۴) به سابقۀ معرفتی که میان ما بود صورت حالش بگفتم تا لطف طبعش بدیدند و حسن تدبیرش بشنیدند و به کاری مختصرش نصب کردند.

۱۴) در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

- ۱) فکنده پهن بساطی به زیر پای نشاط
- ۲) چه غزا ما بی غزا خود کشته‌ایم
- ۳) او ز تو آهن همی خوابید به خشم
- ۴) دل تاب‌خانه‌ای است که هر ساعتی در او
- به عمر کوتاه و دور و دراز کرده عمل
- ما به تیغ فقر بی‌سر گشته‌ایم
- او همی جوید تو را با بیست چشم
- شمع خزانه ملکوت افکند ضیاع



۱۵ در عبارت «خیال می کردم عینک مثل تعلیمی و کراوات یک چیز فرنگی معایبی است که مردان متمدن برای قشنگی به چشم می گزارند، اطرافیان من مسحور بازی های او بودند امّا من درست نمی دیدم. اشباهی به چشمم می خورد ولی تشخیص نمی دادم، دیگران غفلت های مرا که ناشی از نابینایی بود، حمل بر محملی و ولنگاری ام می کردند» چند غلط املایی هست؟

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۱۶ معنای درست واژه های «زنخدان، عمل، دَغَل، صُنْع، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ گردن، آرزو، مکار، آفریدن ۲ چانه، کار، حيله گر، آفرینش ۳ گردن، آرزو، مکر، حرفه ۴ چانه، کار، دروغ، آفریننده

۱۷ در کدام گزینه معنی تمام واژه ها درست است؟

- ۱ (جیب: جبین)، (توقیع: امضا کردن فرمان)، (فروماندن: متحیر شدن) ۲ (خیر خیر: سریع)، (شوریده رنگ: آشفته حال)، (صنع: آفریده) ۳ (همّت: سعی)، (توفیق: سازگار گردانیدن)، (قرین: یاری) ۴ (دغل: مکر)، (سور: جشن)، (زایل شدن: افزایش یافتن)

۱۸ در همه گزینه ها به جز گزینه واژه «بار» معنای یکسانی دارد.

- ۱ احتمال نیش کردن واجب است از بهر نوش ۲ در حریم پاک بازان بویا را بار نیست ۳ نیست ره در محفلش مشتاق را کاین بارگاه ۴ با خیال روی او در پرده شرم و حیا
- ۱ حمل کوه بیستون بر یاد شیرین بار نیست ۲ فقر را با نقش بندان تعلق کار نیست ۳ بارگاه شه بود اینجا گدا را بار نیست ۴ خلوتی دارم که بوی پیرهن را بار نیست

۱۹ کاربرد واژه «محبوب» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱ نرگس که سرافکنده به پیش، آفت دل هاست ۲ بر سر خوان وصالش دل محبوب مرا ۳ حسن او پیداست ما محبوب هستی خودیم ۴ گاهی نظر تو با من محبوب می کنی
- ۱ کی دل برد آن دیده که محبوب نباشد ۲ تنگ دستی است که یارای سؤالش نبود ۳ شد حجاب روی جانان پرده پندار ما ۴ گم می کنی نگاه ولی خوب می کنی

۲۰ در میان واژه های زیر، چند واژه درست معنا شده اند؟

- (خنیده = مشهور)، (تلییس = دروغ، نیرنگ سازی)، (تازی = ترک)، (مشعشع = تابان)، (مذلت = گناه)، (پرورده = سالم)، (کوشک = قصر)، (رأفت = مهربانی)
- ۱ چهار ۲ پنج ۳ شش ۴ هفت

۲۱ معنی واژه های «سیماب، تازی، پایاب، افسر» در کدام گزینه تماماً درست است؟

- ۱ به رنگ جیوه، لفظی ترکی، غرقاب، تاج ۲ جیوه، عرب، قسمت کم عمق رودخانه، کلاه پادشاهان ۳ جیوه ای، غیر ترک، ته آب، صاحب منصب ۴ جیوه، عربی، کنار دریا، تاج بلند

۲۲ در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«و هر که از همیت بهره ندارد، از شرف انسانیت محروم باشد و قافله سالار کاروان ضلال گردد و آن که گوید قناعت از دناعت همّت و قلّت مروّت باشد، نداند که رضا به قضا اصل مناعت طبع است و قدم گذاردن در طلب زیادت، منسوب شدن به حرص است و پرهیز از آن، موجب فراغ دل و صلاح کار.»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۲۳ در متن «دمنه گفت: می اندیشم که به لطایف حیل بکوشم تا او را در گردانم که احمال و تقصیر در مذهب حمیت رخصت نبینم و منزلتی نمی جویم که به حرص منصوب شوم. دمنه از زیارت شیر تقاعد نمود تا روزی فرصت جست و پیش او رفت. شیر گفت خیر هست؟ گفت آری، در حال فراق خلوتی راست آید. گفت: این ساعت وقت است. دمنه گفت: خردمند را چاره نباشد از گذارد حق.» چند غلط املایی وجود دارد؟

- ۱ دو ۲ چهار ۳ سه ۴ پنج



۲۴ در کدام گزینه غلط املائی یافت می‌شود؟

- ۱ به گداز ماه منگر به گسستگی زهره
 ۲ آن که جامه قدرتش را در ازل نساج صنع
 ۳ به دولتت شود آزاد گردنم از غرض
 ۴ آزارجو عزیز بود، لطف جوی خوار
 تو حلاوت غمش بین که یکش هزار بادا
 از مشیت رشت بود و از حمیت بافت تار
 به همتت شود آسوده خاطر م ز عقاب
 این است طبع دهر، دلت مضطرب چراست؟

۲۵ در متن «آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خاست شد. بانگ و هزاهز و غریو برخواست و اضطرابی و تشویشی بزرگ به پای شد. دیگر روز، امیر بر این حادثه‌ی بزرگ و صعب که افتاد و سلامت که به آن مقرون شد، مثال داد تا دو هزار هزار درم به مستحقان دهند و نامه نبشته شد و به توقیع مؤکد گشت.» چند غلط املائی هست؟

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۲۶ در عبارت «پادشاه زاده‌ای را که علامات اقبال و عمارات دولت در افعال وی واضح است و در عمارت دستی چون ابر نیسان مبارک دارد و کاردان وافر حزم، کامل خرد و صایب رای باشد باید قدر داند و شکر آن به سزاتر بگذارند.» چند غلط املائی هست؟

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۲۷ در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱ این غول روی بسته‌کوته نظر فریب
 ۲ تو قدر فضل شناسی که اهل فضلی و دانش
 ۳ از درد فراق ای به لب شکر ناب
 ۴ اگر خواهی گذشتن از صراط آسان شود بر تو
 دل می‌برد به غالیه اندوه چادری
 شبه فروش چه داند بهای در ثمین را
 نی چشم مرا فروغ و نی در شب خواب
 قدم بیرون منه زنهار از راه ثواب این جا

۲۸ در گروه کلمات کدام گزینه غلط املائی کم‌تری وجود دارد؟

- ۱ حادثه صعب، تائی و درنگ، حرف‌های مشمعزکننده، ماء معین، کلام مزبور
 ۲ وحله اول، لعامت و پستی، گماشته و منصوب، صغیر گلوله، نغز و دلکش
 ۳ حوزه آبریز، ثمن خانه، حال و آجل، ابطال و الغاء، عزل و نصب
 ۴ اوامر و نواهی، حایل و مانع، شبه درخت، اداره مطبوع، ذرع و پیمان

۲۹ در عبارت «در آداب با رفیقان و مصاحبان در سفر و حضر: باید که پیوسته راحت ایشان ایثار کند بر راحت خویش و پیوسته متابع و مساعد باشد و هرگز طمع مطبوعی ندارد و هرچه از بزرگان ببند به حسن التلقی کند و زود به عیب و عجز مقرر گردد و الحاح نکند و به صدق نیت استغفار کند و در همه احوال محکوم و مأمور باشد و مستمع و مستفید و طالب. و جد را بر هزل غالب دارد.» چند غلط املائی هست؟

- ۱ یک ۲ چهار ۳ ای بی موقیقت ۴ دو

۳۰ معنی چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

(اجنبی: بیگانگان)، (بختک: کابوس)، (رأفت: شفقت)، (غیرت: حمیت)، (نهیب: حیرت)، (زبونی: فرومایگی)، (درایت: لیاقت)، (ولایت: خطه)، (تسخیر: چیرگی)

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۳۱ معنای واژگان «کوشک، اذن، حمیت، خطه» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ قصر، فرمان، اراده، مرز
 ۲ هر بنای رفیع، فرمان، تعصب، شهرستان امروزی
 ۳ قصر، اجازه، غیرت، جایگاه
 ۴ هر بنای بلند، اجازه، پهلوانی، ولایت

۳۲ در کدام بیت واژه‌ای هم معنا با «گر» در بیت «تو شاهی و گر ازدها پیکری / بیاید بدین داستان داوری» آمده است؟

- ۱ این کیست این، این کیست این، این یوسف ثانی است این / خضر است و الیاس این مگر یا آب حیوان است این
 ۲ تنگ شکر را ماند این سودای سر را ماند این / آن سیم‌بر را ماند این شادی و آسانی است این
 ۳ هر جا یکی گویی بود در حکم چوگان می دود / چون گوی شو بی‌دست‌وپا هنگام وحدانی است این
 ۴ آن آب باز آمد به جو بر سنگ زن اکنون سبو / سجده کن و چیزی مگو کاین بزم سلطانی است این



۳۳ در میان واژگان زیر چند واژه از ابزار آلات جنگی نیست؟

«ترگ - درع - خُود - فوج - گبر - سلیح - مزیح - سنان - بارگی - کوس - زه - گُرد - کمند»

- ۱ سه ۲ چهار ۳ پنج ۴ شش

۳۴ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده اند؟

«فراخور(لایق) - زه آب(قنات) - ورطه(گور) - تعجیل(شتاب) - التفات(توجه) - اصحاب(یاران) - حدیث(سخن) - مناصحت(دوستی) - حاجت(نیاز) - ثقت(اعتماد)»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۳۵ در عبارت «وضعیت تر از اصدقا آن است که در حال شدت و نکبت صداقت را مهمل گذارد و غافل ترمولوک آن است که در اهتمام رعایا نکوشد و

عهد و موثیق ملک را نغز گرداند تا خصم همچون سیاع غالب و ملک مخذول گردد» چند غلط املائی وجود دارد؟

- ۱ دو ۲ سه ۳ چهار ۴ پنج

۳۶ با توجه به متن زیر، املائی کدام واژه‌ها همگی غلط است؟

«شگال گفت: من از مذلت این تهمت بیرون نیایم، تا ملک حیلتی نسازد که صحت حال و روشنی کار بدان بشناسد، با آن که به براعت ساحت و کمال دیانت خویش سقطی تمام دارم و متیقّم که هر چند حزم بیش تر شود، مزیت و رجحان من در اخلاص و مناصحت بر همه حشم و خدم ظاهرتر گردد.»

- ۱ مذلت، متیقّن ۲ براعت، سقط ۳ حزم، مناصحت ۴ رجحان، ساحت

۳۷ معنای چند واژه نادرست آمده است؟

«مسامحه: ساده‌انگاری، (مطلق: بی شرط)، (استخلاص: خلاصه کردن)، (صورتک: نقاب)، (خایب: نگران)، (چنبر: حلقه)، (الحاح: درخواست شده)، (فایق: پیروز)، (ریاحین: گل خوش بو)»

- ۱ دو ۲ سه ۳ چهار ۴ پنج

۳۸ در میان واژگان زیر، معنای چند واژه نادرست آمده است؟

«متجددانه: روشن فکرانه)، (برزیگر: دهقان)، (مسامحه: فریب)، (رفعت: بلند)، (تیمار: مراقبت)، (مسحور: سحر شدن)، (یغور: ستبر)، (شوربا: آش ساده)»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۳۹ معنی واژگان «ارک، مسامحه، تلمذ، تأثر» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ قلعه، مجادله، آموختن، اثرپذیری ۲ دژ، آسان گرفتن، شاگردی کردن، اندوه
۳ قلعه، ساده‌انگاری، لذت بردن، اهمیت ۴ ساختمان، ساده گرفتن، استفاده، اندوه

۴۰ در همه ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم آوا» دارد؛ به جز:

- ۱ به لب چون برد راح ارغوانی ۲ تو صیدی افکنی بر خاک چلاک
۳ در او رضوان به منت گشته مزدور ۴ نگون از کوه سیل از ابر آزار
به کوثر داد آب زندگانی ۲ نبندی از غرور او را به فتراک
ز خاکش برده عطر طره حور ۳ تو گفتی کوه کن گرید به کهمار

۴۱ فعل «شد» در همه ابیات فعل غیراسنادی است به جز گزینه:

- ۱ این تطاول که کشید از غم هجران بلبل ۲ مرا روز ازل کاری به جز رندی نفرمودند
تا سراپرده گل نعره زنان خواهد شد ۳ مگر ز مسجد به خرابات شدم خردم مگیر
هر آن قسمت که آنجا رفت از آن افزون نخواهد شد ۴ مگر آه سحر خیزان سوی گردون نخواهد شد
مجلس وعظ دراز است و زمان خواهد شد



۴۲) معنی واژه‌های مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- | | |
|---|--|
| ۱) مبین به سیب زرخندان که چاه در راه است | کجا همی روی ای دل بدین شتاب کجا؟ (چانه و صورت) |
| ۲) زینهار از قرین بد زینهار | وَقِنَا رَبَّنَا عَذَابَ النَّارِ (هم نشین) |
| ۳) روزم به آخر آمد و روزی نژاد نیز | زانگونه روزگار که آن روزگار بود (یک روز) |
| ۴) چه باید نازش و نالش بر اقبالی و ادباری | که تا برهم زنی دیده نه این بینی نه آن بینی (خوشبختی) |

۴۳) معنای واژه «چنگ» در همه گزینه‌ها یکسان است به جز گزینه
.....

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۱) زدم در خم زلف گره گشای تو چنگ | که مفلسیم و نداریم هیچ دستاویز |
| ۲) چشمم به روی ساقی و گوشم به قول چنگ | فالی به چشم و گوش درین باب می‌زدم |
| ۳) همچو چنگ ار به کناری ندهی کام دلم | از لب خویش چو نی یک نفس بنوازم |
| ۴) ببین که رقص کنان می‌رود به ناله چنگ | کسی که رخصه نفرمودی استماع سماع |

۴۴) معنای کلمه مشخص شده در بیت نادرست است.

- | | |
|----------------------------------|---|
| ۱) خدا را بر آن بنده بخشایش است | که خلق از وجودش در آسایش است (گرم) |
| ۲) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر | چه باشی چو روبه به وامانده سیر (پس مانده) |
| ۳) برو شیر درنده باش ای دغل | مینداز خود را چو روباه شل (مگار) |
| ۴) یقین مرد را دیده، بیننده کرد | شد و تکیه بر آفریننده کرد (چشم) |

۴۵) در میان واژه‌های زیر معنی چند واژه نادرست است؟

(زرخندان: چاه)، (صنع: آفرینش)، (گران: سنگین)، (حمیت: عزم)، (جیب: یقه)، (شغال: جانوری از تیره گران که جزء رسته گوشت خواران است)، (چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و یک تار دارد)، (دون همت: عاجز)، (اذن: اجازه)، (گداختن: ذوب کردن)

- ۱) پنج ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۴۶) معنای ذکر شده برای واژگان درون کمانک در چند مورد نادرست است؟

(اقبال: سعادت) (نژند: زبون) (چاشنی: مزه) (تیره‌رای: گمراهی) (ادبار: تدبیر کردن) (چنگ: نوعی ساز) (توفیق: سازگار گردانیدن)

- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۴۷) در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

راغ(دشت) - عرصه(میدان) - مخزن(گنج) - شاهد(محب) - روضه(زیبا رو) - خرام(گرازان) - متقارب(واگرا) - خطوه(قدم) - خامی(با تجربگی)

- ۱) ۱ ۲) ۲ ۳) ۳ ۴) ۵

۴۸) در بیت کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟

- | | |
|----------------------------------|----------------------------|
| ۱) تا بر آید ناگهان صبح اجل | وارهد از ظلمت ظن و دغل |
| ۲) پیاده نگردد که آر آیدش | ز شاهی تن خویش خوار آیدش |
| ۳) یا غرض من از خزانه غیب رسان | یا از کرم خودت مرا ساز غنی |
| ۴) بسیار چو تو روند و بسیار آیند | بربای نصیب خیش کت بربایند |

۴۹) معادل واژه «توقع» در کدام گزینه یافت می‌شود؟

- ۱) امضا شده ۲) مهر کردن نامه ۳) توقع داشتن ۴) مهر شده

۵۰) در کدام گروه از کلمات، غلط املائی کم‌تری وجود دارد؟

- | |
|--|
| ۱) فرمان و مثال دادن - حادثه سعب - قرین و مغرون - برطرف شدن و زایل - سوغات و تحفه |
| ۲) قریب و متقارب - فراق و آسودگی - صائب و درست - گذاردن حق - مصطفی و برگزیده |
| ۳) مسرت و سور - مستور و محبوب - هلال بی شبهت - تحفه الاحرار جامی - غازی و غزو |
| ۴) هشم و ندیم - خاستن و به وجود آمدن - کراهیت و ناپسندی - تاس‌های بزرگ - عقد و مخنقه |



۵۱ در کدام گزینه رابطه معنایی «تناسب» بین واژگان وجود ندارد؟

- ۱ فرود سرای، تخت، پادشاه ۲ سرسام، تب، ابطاً ۳ توقیع، رقعت، قلم ۴ مؤگد، مبشّر، کراهیت

۵۲ در همه گزینه‌ها به جز گزینه معنای همه واژگان صحیح آمده است.

- ۱ (منسک: جای عبادت حاجی)، (علت: بیماری)، (غریو: بانگ) ۲ (فراخ: آسوده)، (صلت: بخشش)، (نماز پیشین: نماز صبح)
۳ (کران: کنار)، (محبوب: مستور)، (زر پاره: قراضه زر) ۴ (مرثیه: مرده ستایی)، (ادبار: پشت کردن)، (مقرون: پیوسته)

۵۳ کدام عبارت فاقد غلط املائی است؟

- ۱ آن ابر است که عالمیان را از جمال چهره من مهجوب گرداند. ۲ به واسطه این جنه قوی آن سید حلال از دست من بیرون شد.
۳ وقتی در کشتی خواست نشستن، دو رکعت نماز بگذارد. ۴ در خورد و بزرگ اعمال، بی مشاورت من درنگ کردن، جایز نشمرده است.

۵۴ معنی واژه «مثال» در کدام گزینه متفاوت آمده است؟

- ۱ بخندید پرویز و دادش مثال ۲ زهی بر کار و ساکن تو به ظاهر
۳ در آکنده ز شادی‌ها درون چاکران خود ۴ مثال چرخ و خاک بارگاهش
۵ که گردد مضاعف بر او آن نوال (=بخشش) مثال مرهمی در کار کردن
۶ مثال دانه‌های دُرّ که باشد در انار ای دل حدیث تشنه و آب زلال

۵۵ تمام معنای مقابل کدام واژه‌ها، درست است؟

- الف) مقرون: پیوسته، قرینه ب) مؤگد: تأکیدشده، استوار
ج) متفق: موافق، همگرا د) تمکن: توانگر، ثروت
ه) محبوب: پنهان، مستور
۱ الف، ه ۲ ب، د ۳ ب، ه ۴ ج، ب

۵۶ در کدام گزینه همه معانی مقابل واژه درست است؟

- ۱ حرب: نزاع، شمشیر، نیزه ۲ توقیع: فرمان، مهر کردن، نامه کوتاه ۳ غیرت: رشک بردن، حمیت، تعصب ۴ مقرر: معلوم، تعیین شده، اقرارکننده

۵۷ معنای چند واژه نادرست است؟

- (توفیق: سازگار گردانیدن)، (جیب: گریبان)، (زنخدا: پیشانی)، (توقیع کردن: چشم‌داشتن)، (روضه: تعزیه)، (مخنقه: گردن‌بند)، (وزر: گناه)، (یوز: شکارچی)، (باره: اسب)، (کافی: باکفایت)، (رایت: بیرق)
۱ چهار ۲ پنج ۳ دو ۴ سه

۵۸ معنای چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست است؟

- (محضر حاضر شونده)، (متفق موافق)، (رضوان نگهبان بهشت)، (ملک صاحب)، (وعظ اندرزدهنده)، (کبریا بارگاه خداوندی)، (زهد پارسایی)
۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۵۹ معنی چند واژه، در مقابل آن نادرست است؟

- (چاشنی: طعم)، (صنع: احسان)، (مخنقه: عقد)، (فام: رنگ)، (افگار: خسته)، (سور: روشنایی)، (شبرگرد: شبرو)، (لقا: سیما)، (طعن: سرزنش کردن)، (برزن: محله)
۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۶۰ در کدام گزینه معنی بعضی از واژه‌ها نادرست است؟

- ۱ (ادبار: پشت کردن)، (تمکن: ثروت)، (محمل: مهد) ۲ (سیماب: جیوه)، (تلبیس: نیرنگ‌سازی)، (صباح: زیبایی)
۳ (شراع: خیمه)، (کراهیت: ناپسند)، (وبال: گناه) ۴ (صلت: بخشش)، (غریو: بانگ)، (علت: بیماری)

۶۱ معنای داده شده برای هر یک از واژه‌ها کاملاً درست است؛ به جز:

- ۱ (اجنبی: بیگانه، خارجی) ۲ (غیرت: هیبت، تعصب) ۳ (ولایت: خطه، شهرستان) ۴ (افسر: صاحب منصب، کلاه پادشاهان)



۶۲ در کدام گزینه معنای تمام واژه‌ها درست آمده است؟

- ۱ (برنشستن: سوارشدن)، (مناسک: جای عبادت)، (مهّمات: کارهای خطیر)
 ۲ (مقرون: همراه)، (نماز پیشین: نماز صبح)، (وبال: گناه)
 ۳ (شوریده‌رنگ: آشفته‌حال)، (عقد: پیمان)، (رقعه: نامه کوتاه)
 ۴ (ادبار: پشت کردن)، (تیره‌رایی: ناراستی)، (نژند: اندوهگین)

۶۳ در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- ۱ طیب را چون روز شود بگیرند و نزدیک این مستسقی برند.
 ۲ بعضی مشایخ او را مهجور کردند از جهت مذهب و دین.
 ۳ غم و ضجرتی سخت بر من دست یافت.
 ۴ هر عصب و فکر به منبع بی شاعبه ایمان وصل بود.

۶۴ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

بارقه (آتش فشان) - متمک (ثروتمند) - بحران (آشفستگی) - بی شائبه (بی عیب و نقص) - طبخ (آشپزی) - منقل (آتش دان) - عوارض (حوادث) - غم گسار (غم آور) - فصول (فصل‌ها)

- ۱ (۱) ۲ (۲) ۳ (۳) ۴ (۴)

۶۵ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

شاب (جوی) - حجره (کلبه) - صافی (تصفیه کننده) - سیه فام (سیه رنگ) - عصاره (چکیده) - قوز (خمیدگی پشت) - استسقا (طلب صلح) - پالیز (جالیز) - کار آزموده (با تجربه)

- ۱ (۱) ۲ (۲) ۳ (۳) ۴ (۴)

۶۶ در گروه کلمات زیر چند غلط املائی و رسم الخطی وجود دارد؟

«تشرع و عرفان - حفره و سوراخ - اندرزی و تمثیلی - شیرخواره گی و نوزادی - سراچه ذهن - شیر آغوز - سنایی غزنوی - قوز کردن - جرئت کردن - به قدر کافی»

- ۱ (۱) ۲ (۲) ۳ (۳) ۴ (۴)

۶۷ در متن «این طایفه، سالکان طریقت و طالبان حقیقت‌اند که در انوار الهی افتادند، گاه در سراپردۀ الله هست، گاه از هلاوت حیّ رحمان سرمست، گاه از منت رحیم پست، گاه هست جمال احدیت و گاه نیست کمال صمدیت گشتند. و گاه در روزۀ الفت از شراب قربت سرمست شدند.» چند غلط املائی یافت می‌شود؟

- ۱ (۱) ۲ (۲) ۳ (۳) ۴ (۴)

۶۸ معنای چند واژه با توجه به املائی آن‌ها نادرست است؟

(شائبه: شک)، (شاب: پیر)، (استسقا: آب خوردن)، (مساعت: تلاش)، (گیوه: پای افزار)، (آماس: اضطراب)، (صباح: زیبایی)، (لفاف: کاغذی با جنس شبیه پارچه)

- ۱ (۱) ۲ (۲) ۳ (۳) ۴ (۴)

۶۹ با توجه به عبارت، به ترتیب معنی و هم‌خانواده واژه مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ خواندن گلستان مرا به سوی تقلید از سبک مسجع سوق داد. (آهنگین، تسجیع)
 ۲ بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا: (نوعی بیماری - سقا)
 ۳ گفتارش با مقداری ظرافت و نقل همراه بود: (داستان - نقال)
 ۴ خاله‌ام با همه تمکنی که داشت: (مکان - کمین)

۷۰ در موارد کدام گزینه همه واژگان درست است؟

- الف (تیره‌رایی: ناراستی)، (مناسک: جای عبادت حاجیان)
 ب (رایت: درفش)، (تازیک: غیر ترک)
 ج (ضیعت: زمین زراعتی)، (استسقا: آب دادن)
 د (نهیب: هراس)، (سست عنصر: کاهل)

- ۱ الف، ج ۲ الف، د ۳ ج، د ۴ ب، د

۷۱ معنای واژه‌های «محمل، سرشت، رایت، موسم» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ مهد، آفریده، درفش، زمان ۲ کجاوه، آفرینش، بیرق، هنگام ۳ بیهوده، طبع، خردمندی، وقت ۴ مهد، فطرت، پرچم، زمانه

۷۲ در عبارت «چون مضمون ضمایر این طایفه را می دانست ایشان را به انواع تحذیر از آن اندیشه منع می کرد. پس هر یک با کینه ای در سینه مسطور ترک مواصلت او کردند. سپس تفرّق و اختلاف به تعلّق و اعتلاف مبذّل گشت و فرمان او را متابع گشتند.» چند غلط املائی وجود دارد؟

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۷۳ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده اند؟

«الطاف (مهربانی‌ها) - الوهیت (مقام عارفانه) - ربوبیت (خداوندی) - حکمت (دانش) - سر (درون) - ازل (زمان با آغاز) - بوقلمون (رنگارنگ) - ملا (اجتماع) - فخار (فخر فروش) - صلصال (گل خشک)»

- ۱ ۱ ۲ ۲ ۳ ۳ ۴ ۴

۷۴ در کدام گزینه، معنای تمام واژگان صحیح است؟

- ۱ خنید: خوابیده، قبضه: یک مشت از هر چیزی، قرب: نزدیک شدن
۲ اصناف: گونه‌ها، ملکوت: عالم غیب، رایت: فکر و اندیشه
۳ تعبیه کردن: قرار دادن، هیئت: شکل، شبگرد: شبرو
۴ مَلک: فرشته، بُعد: دوری، خزاین: گنجینه

۷۵ معنای واژه «گران» در همهٔ گزینه‌ها یکسان است به جز گزینهٔ

- ۱ سینهٔ تنگ من و بار غم او هیئات
۲ به رود سند می‌غلتید بر هم
۳ حرارت سَخَطت (خشم) با گران را کبابی سنگ
۴ قدر تو آید گران اندر تجارت‌های دل
مرد این بار گران نیست دل مسکینم
ز امواج گران، کوه از بی کوه
ذبول (پژمردن) گاه دهد کوههای قریبی را
خوش درین سودا بیازم آنچه در دل داشتم

۷۶ معادل معنایی واژهٔ مشخص شده در کدام بیت درست است؟

- ۱ همیشه عاشق دیدار اوست دیدهٔ بخت
۲ وحشی، از دریای رحمت گر دهندهٔ رشحه‌ای
۳ همی دهد ندای خوف و می‌رسد
۴ چون کنم در روی چون ماهت نظر؟
مدام شایق بالای اوست جامهٔ جاه: (آرزو)
گام بر روی هوا آسان زنی، همچون سحاب: (قطره)
به هر دلی، مهابت ندای او: (ترسناک)
کز فروغ تو نظر می‌سوزدم: (آتش)

۷۷ چند واژه نادرست معنا شده است؟

«کوشک: قصر / مخنقه: گردن‌بند / خرگه: تاج / خیر خیر: به کُندی / کراهیت: بدخلقی / حمیت: جوان‌مردی / شوریده‌رنگ: آشفته‌حال / سور: جشن / دون‌همت: کوتاه‌همت / خطوات: گام»

- ۱ سه ۲ پنج ۳ چهار ۴ شش

۷۸ در همهٔ گزینه‌ها واژه‌های معادل «قامت»، وجود دارد به جز

- ۱ هرگز نبود سرو به بالا که تو داری
۲ ننگرد دیگر به سرو اندر چمن
۳ چه دشمنی تو که از عشق دست و شمشیرت
۴ شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهان
یا مه به صفای رخ زیبا که تو داری
هر که دید آن سرو سیم اندام را
مطاوحت به گریزم نمی‌کند آقدام
که به مژگان شکند قلب همه صف شکنان

۷۹ در کدام گزینه، واژه‌ای با معنای نادرست ذکر شده است؟

- ۱ (بار: رخصت)، (کلاف: ریسمان پیچیدهٔ گرد دوک)، (سترگ: عظیم)
۲ (نیلی: کیود)، (رستن: رها شدن)، (تابناک: نورانی)
۳ (مَشک: خیک)، (محوطه: صحن)، (چنبر: طوق)
۴ (اجنبی: خارجی)، (رشحه: لرزه)، (شایق: مشتاق)

۸۰ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

«گران‌مایه (پست) - زخم (ضربه) - خاست (طلب کرد) - یزدان (خدا) - گُرد (دور تا دور) - خشت (خنجر) - خودکامگی (حقارت) - برزن (کوی) - بهره (نصیب) - ژاله (قطره باران)»

- ۱ ۱ ۲ ۲ ۳ ۳ ۴ ۴ ۵ ۴

۸۱) با توجه به ابیات زیر، معنی واژه «سبک» در کدام گزینه، تکرار شده است؟

چو بر خواند کاوه همه محضرش
برویشد کای پایمردان دیو

- ۱) نجیب (اسب) خویش را گفتم سبک تر
۲) چو یاقوت باید سخن بی زبان
۳) مگر با من او چون برادر شود
۴) وگر فضایل طبعش به کوه بر شمردند
- الا یا دستگیر مرد فاضل (نجیب = اسب)
سبک سنگ، لیکن بهایش گران
بد روز بر من سبک تر شود
سبک ز خاصیتش کوه را بر آید پر

۸۲) در میان واژه‌های زیر، معنی چند واژه نادرست است؟

(درفش: بیرق)، (سپهبد: فرمانده سپاه)، (موبدان: پیشوایان روحانی زردشتی)، (غضنفر: شیر)، (ژیان: مضطرب)، (یم: دریا)، (لاف زدن: خودستایی کردن)، (بار: اجازه)

- ۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

۸۳) املاي واژه‌های کدام گزینه به ترتیب برای کامل کردن بیت‌های زیر درست است؟

الف) تا چین سر زلف بتان شد وطن دل
ب) نانم افزود و آبرویم کاست
ج) مگر طاعت ایزد بی نیاز

عزم سفرش از گذر حَبوطن (.....)
بینوایی به از مذلّت (.....)
که او راست فرمان و تقدیر و (.....)

- ۱) خاست - خواست - خاست
۲) خاست - خواست - خواست
۳) خواست - خاست - خاست
۴) خواست - خاست - خواست

۸۴) معنی چه تعداد از واژگان به درستی ذکر نشده است؟

(درفش: بیرق)، (یکایک: ناگهان)، (مجرد: صرف)، (دژم: نیرومند)، (نیلی: کبود)، (الحاح: اصرار)، (ترگ: سپر)، (خوالیگر: آشپز)

- ۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

۸۵) در کدام گزینه غلط املايي بیشتری دیده می‌شود؟

- ۱) منز از دغل - معرب اژی دهاک - طوق و حلقه - طالب رزم
۲) حماسه سترگ - حلول صبح - زخم و مرحم - مظهر اهریمن
۳) انتظار موعود - لایق و فایق - کهتران و مهترزاده گان - غالب و مضمون
۴) بیعت و حمایت - محظر و استشهادنامه - بدر و حلال - عالم فایغ

۸۶) در کدام گزینه، معنای واژه‌های نادرست است؟

- ۱) (سهم: ترس)، (رشحه: قطره)
۲) (غضنفر: هژبر)، (منکر: انکارکننده)
۳) (قبا: جامه جلو بسته)، (آدینه: آخرین روز هفته)
۴) (یکایک: ناگهان)، (فایق: پیروز)

۸۷) در ابیات زیر مجموعاً چند غلط املايي وجود دارد؟

«چو هست قرب حقیقی چه غم ز بعد مزار
رسید عمر به پایان و داستان فراق
بکش جفای رقیب ار حیب می خواهی
چه هجر و وصل مساوی است در حقیقت عشق

نظر به غربت یار است نی به قرب دیار
ز حد گذشت و به پایان نمی رسد طومار
کنار گل نبری گر کنی کناره ز خوار
اگر ز هجر بسوزی بساز و وصل انگار،

- ۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

۸۸) در کدام گزینه، هر دو بیت غلط املايي دارد؟

الف) سحر چشمان تو باطل نکند چشم آویز
ب) کسی کاو طریق تواضع رود
ج) چو نیکی کند با تو بر خویشتن
د) بزد نعره‌ای پهلوان دلیر

مست چندان که بپوشند نباشد مسطور
کند بر صریر شرف سلطنت
همی خواند از تو ثناهای خود
به سوی نریمان چو ارغند شیر

- ۱) الف - ب
۲) الف - د
۳) ب - ج
۴) ج - د

۸۹ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

هژبر(شیر)- ژبان(غضنفر)- سهم(ترس)- خاییدن(جویدن)- حرب(آلت جنگی)- یم(ولایت)- کین(دشمنی)- دستور(اجازه)- آوردگاه(میدان جنگ)- ژنده‌فیل(فیل ضعیف)

- ۱ سه ۲ دو ۳ یک ۴ چهار

۹۰ در کدام گزینه از «اسب» ذکری نرفته است؟

- ۱ برانگیخت ابرش، برافشاند گرد ۲ هم اکنون تو را ای نبرده سوار ۳ کشانی بدو گفت بی بارگی ۴ که بنشین به پیش گران مایه جفت

۹۱ در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ متضاد یکی از واژه‌های «ژبان، سهم، ژنده و قبا، به‌کار رفته است؟

- ۱ بزد کوس و آورد بیرون صلیب ۲ خارش همه شجاعت و یارش همه سنا ۳ کندن تیر و پیکان آهن‌گذار ۴ ز دستور برسیم یک سخن
۱ صلیبی بزرگ و سیاهی از مهیب ۲ رسته به آب رحمت و حکمت بر او رطب ۳ همی بر برهنه نیاید به کار ۴ ز دستور برسیم یک سخن
۱ چو کاری نو افکند خواهیم من

۹۲ در همهٔ گزینه‌ها مترادف واژهٔ «دستور» درست به‌کار رفته به‌جز

- ۱ بفرمود تا پیش او شد دبیر ۲ از بهر آن که شاه جهان دوستدار اوست ۳ پادشاهی که با شکه باشد ۴ بگفتا اذن خواهی چیست از من
۱ سرافزار موبد که بودش وزیر ۲ دولت معین اوست خداوند یار اوست ۳ خرم او چون بلند که باشد ۴ چه بهتر کور را از چشم روشن

۹۳ معنای چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«مصنوع (ساخته شده)، لحن (آواز)، طالب (خواهان)، لخت لخت (برهنه)، خدو (تغو)، اخلاص (پاک)، وصی (دوست)، دریغ (حسرت)، ژبان (خشمگین)»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۹۴ مفهوم واژهٔ «بینداخت» در کدام گزینه مطابق این فعل در بیت «به نام خدای جهان‌آفرین / بینداخت شمشیر را شاه دین» است؟

- ۱ کمان را بینداخت، ژوبین گرفت ۲ بینداخت تیغ پرندآورش ۳ کمند کیانی بینداخت شیر ۴ بینداخت افسر ز مشکین سرم
۱ به ژوبین شکار نوآیین گرفت ۲ همی خواست از تن بریدن سرش ۳ به حلقه درآورد، گور دلیر ۴ چنین چاک شد جامه اندر برم

۹۵ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

«شاخ(شاخه) - اختلاف (رفت و آمد) - متواتر (بارها) - باری (خلاصه) - حبه (دام) - سر (رئیس) - مطوقه (عقد) - طاعت (مطاوعت) - غافل وار (بی خبر) - ورطه (گرداب)»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۹۶ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

تکفل(عهده‌داری) - معونت(منع کردن) - مظاهرت(پشتیبانی) - سیادت(سروری) - گشادن(باز کردن) - عقده(گردنبنده) - ملول(اندوهگین) - اهمال(فرو گذاشتن) - ملالت(درد) - رخصت(اطاعت)

- ۱ دو ۲ سه ۳ پنج ۴ چهار

۹۷ در متن «سه تن آرزوی چیزی برند و نیابند: مفسدی که ثواب مصلحان چشم دارد و بخیلی که سنای اصحاب مروّت توقع کند و آنکه به دردی

دایم و علتی هایل مبتلا باشد و به هیچ تأویل خلاص نیابد.» چند غلط املائی وجود دارد؟

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۹۸ در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«و آن دشمنانگی دو نوع است: اول چنانکه از آن شیر و پیل، که ملاقات ایشان بی محاربت ممکن نباشد و این هم شاید بُود که مرهم پذیرد، که نصرت در یک جانب را مقرر نیست و هزیمت بر یک جانب مقسور نه، گاه شیر ضفر یابد و گاه پیل پیروز آید.»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۹۹ در کدام گزینه غلط املایی کم تر است؟

- ۱ گل باغ صیادت کز رخس دحر
 ۲ آن طرفی کی گیاست این و امان از کجاست
 ۳ سؤال کردم از خوار کاین صلاح تو چیست؟
 ۴ پیش طبییش سر بنه یعنی مرا تریاغ ده
- هزاران خنده بر باغ ارم کرد
 غره به سبزی مشو گرگ سیه در غفاست
 جواب داد که گلزار صد عدو دارد
 زیرا در این دام نذده من زهرها نوشیده ام

۱۰۰ در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

- ۱ عاقل چون در منشأ و مولد و میان اقربا به جان ایمن نباشد، دل بر فراغ اهل و پیوستگان بندد.
 ۲ آخرالامر چون از حیلت کار، آگاهی یافت، جمعی از ثقات مُلک که محل اعتماد پادشه بودند، حاضر کرد.
 ۳ پشت استظهار در درو قوی کرد و ثقت به شفقت او بیافزود و روی بدو آورد.
 ۴ گرگ از آن جا به گوشه ای گریخت و سر بر زانو نهاد که این چه احمال کاهلانه بود که ورزیدم.

۱۰۱ حرف «را» در کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ تو را نفس رعنا چو سرکش ستور
 ۲ یکی را اجل در سر آورد جیش (لشکر)
 ۳ طمع را نه چندان دهان است باز
 ۴ در آن روز کز فعل پرسند و قول
- دوان می برد تا به سرشیب گور
 سر آمد بر او روزگاران عیش
 که بازش نشیند به یک لقمه آرز
 اوالعزم را تن بلرزد ز هول

۱۰۲ در بیت زیر ضمائر پیوسته «م» به ترتیب چه نقش دستوری دارند؟

- «شرمم کشد که بی تو نفس می کشم هنوز
 تا زنده ام بس است همین شرمساریم»
- ۱ نهاد - متمم ۲ مضاف الیه - نهاد ۳ مفعول - متمم ۴ مفعول - نهاد

۱۰۳ در چه تعداد از ابیات زیر هیچ واژه مرکبی وجود ندارد؟

- الف) در نابسته احسان گشاده ست
 ب) خرد را گر نبخشد روشنایی
 ج) کمال عقل آن باشد در این راه
- بر هر کس آن چه می بایست، داده است
 بماند تا ابد در تیره رایی
 که گوید نیستم از هیچ آگاه
- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ صفر

۱۰۴ در کدام گزینه، همه واژه های مرکب، در حقیقت فشرده یک جمله سه جزئی با مفعول هستند؟

- ۱ گلاب، راه گذر، پرزور، بدگمان
 ۲ گاو صندوق، دست مایه، آلو بخارا، نی شکر
 ۳ حق طلب، راهنما، تأسف انگیز، سخن شناس
 ۴ خوش حال، آرام بخش، زیر نویس، صورت حساب

۱۰۵ ساخت دستوری مقابل کدام گروه کلمات، نادرست است؟

- ۱ خنده - آسایش - ستیزه - نگرش = بن مضارع + پسوند ← اسم
 ۲ گلستان - شامگاه - لاله زار - نمکدان = اسم + پسوند ← اسم
 ۳ ثروتمند - پهناور - سوزناک - بارور = اسم + پسوند ← صفت
 ۴ امیدوار - شاه وار - جشنواره - گوشواره = اسم + پسوند ← صفت

۱۰۶ در کدام گزینه «مفعول» نمی یابید؟

- ۱ کسی نیک بیند به هردو سرای
 ۲ چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
 ۳ در نابسته احسان گشاده ست
 ۴ کمال عقل آن باشد در این راه
- که نیکی رساند به خلق خدای
 ز دیوار محرابش آمد به گوش
 به هر کس آنچه می بایست، داده ست
 که گوید نیستم از هیچ آگاه

۱۰۷ در میان گروه واژه‌های زیر، به ترتیب چند رابطه از نوع مترادف و تضمن وجود دارد؟ (با تغییر)

(ادبار و اقبال)، (محمل و مهد)، (رایت و بیرق)، (دست و بدن)، (بیعت و میثاق)، (تند و ترش)، (ورزش و فوتبال)، (هنر و نقاشی)، (پروانه و ملخ)

۱ سه- دو ۲ سه- چهار ۳ چهار- چهار ۴ چهار- سه

۱۰۸ در ابیات کدام گزینه، فعل «شد» در معنای غیر اسنادی به کار رفته است؟

الف) چو شد زهر عادت مضرت نبخشد
ب) دانم که سرم روزی در پای تو خواهد شد
ج) دی شد و بهمن گذشت فصل بهاران رسید
د) شد آن زمان که به شمشیر کار باید کرد
ه) شد آسمان ز کرده پیشیمان در این عمل

به مرگ آشنا کن به تدریج جان را
هم در تو گریزدم دست من و فتراکت
جلوه گلشن به باغ همچو نگاران رسید
کنون به نامه همی کرد باید و به زبان
لیک آن زمان که تیر خطا از کمان گذشت

۱ الف، د، ه ۲ ب، ج، د ۳ ب، ه، الف ۴ ج، د، ه

۱۰۹ در کدام گزینه دریافت معنای «ماه» از طریق همنشینی «نهاد» با «مسند» انجام می‌شود؟

۱ از روی ماه آن صنم، شب گشت بیدار.
۲ آن ماهی که طولانی گشت، پایان عمر بود.
۳ یک ماه گذشت، هیچ خبری باز نیامد.
۴ از ماه و ستاره همگی تلخی برآمد.

۱۱۰ در کدام بیت رابطه معنایی «تضمن» به کار نرفته است؟

۱ همه سنگ‌ها پاس دار ای پسر
۲ می بیاور که نازد به گل باغ جهان
۳ خاک وجود ما را از آب دیده گل کن
۴ ابر می‌بارد و من می‌شوم از یار جدا

که لعل از میانش نباشد به در
هر که غارتگری باد خزانی دانست
ویرانسرای دل را گاه عمارت آمد
چون کنم دل به چنین روز ز دلدار جدا

۱۱۱ در کدام گزینه «نهاد» اولین کلمه یکی از دو مصراع است؟

۱ زرخدان فرو برد چندی به جیب
۲ شغال نگون بخت را شیر خورد
۳ کسی نیک بیند به هر دو سرای
۴ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر

که بخشنده، روزی فرستد ز جیب
بماند آن چه روباه از آن سیر خورد
که نیکی رساند به خلق خدای
چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟

۱۱۲ در کدام بیت، فعل مجهول به کار رفته است؟

۱ آواز خسته تو گر خسته شود خسته شویم
۲ همه کار دشوارش آسان شود
۳ چنان نورش درون دیده آمد
۴ چو بشنید شاه این سخن خیره گشت

آواز تو چون نای شکر خا بادا
ورا دشمن و دوست یکسان شود
که از نورش رخ جان دیده آمد
سیه گشت چشم و دلش تیره گشت

۱۱۳ در همه گزینه‌ها به جز گزینه دو نوع نقش تبعی به کار رفته است.

۱ کلک تو و شمشیر ملک هر دو به تأثیر
۲ ما رند خرابیم و تویی میر خرابات
۳ او رخ نمی‌نمود، به زاری بدیدمش
۴ در وفای خود و بدعهدی من گر چه رقیب

این ناظم دولت بود آن ناصر ایمان
ما اهل خطاییم و خطاپوش تویی تو
من خود برای جان و دل خود بلا شدم
خورد سوگند به جان تو غلط بود غلط

ایران نوننه
توشه‌ای برای موفقیت

۱۱۴ در کدام بیت، فعل «مجهول» به کار رفته است؟

- ۱ به آوردگه دست او خسته گشت
- ۲ چون ریشه سر کسی که سرگشته شود
- ۳ نزدیک دهن شکسته شد جام
- ۴ خوش آن که وصال تو میسر شده باشد
- ۵ به چشمش همی تیره شد روی دشت
- ۶ به زان نبود که با سر رشته شود
- ۷ پالوده که پخته بود شد خام
- ۸ چشم به جمال تو منور شده باشد

۱۱۵ در کدام گزینه «شاخص» نیست؟

- ۱ دکتر محمد معین، اولین دکترای ادبیات فارسی در ایران بود.
- ۲ غلامحسین یوسفی، در کنار مرادش، امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.
- ۳ عموی احمد، مهندس شرکت نفت است.
- ۴ کد خدا احمد، به مسائل و مشکلات مردم روستا رسیدگی می کند.

۱۱۶ در کدام گزینه وابسته پیشین وجود ندارد؟

- ۱ من دست تهی می روم او تحفه به دست
- ۲ دریای اخضر فلک و کشتی هلال
- ۳ وگر نه هر دو جهان را کف تو بخشیدی
- ۴ این کیست این این کیست این، این یوسف ثانی است این
- ۵ تا زین دو، کدام خوش کند طبع کریم
- ۶ هستند غرق نعمت حاجی قوام ما
- ۷ امید بنده نماندی به ایزد متعال
- ۸ خضر است و الیاس این مگر، یا آب حیوانی است این

۱۱۷ نقش دستوری کلمات مشخص شده، در کدام گزینه درست آمده است؟

- ۱ شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست
- ۲ به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می باش
- ۳ زبان کلک تو حافظ چه شکر آن گوید
- ۴ من خود ای ساقی از این شوق که دارم مستم
- ۵ صلاى سرخوشى ای صوفیان باده پرست (صفت)
- ۶ که نیستی است سرانجام هر کمال که هست (نهاد)
- ۷ که گفته سخت می برند دست به دست (قید)
- ۸ تو، به یک جرعه دیگر ببری از دستم (مضاف الیه)

۱۱۸ کدام گروه کلمه بر اساس الگوی «صفت + اسم + صفت + اسم + صفت + اسم + صفت + اسم» ساخته شده است؟

- ۱ برجسته ترین گروه ممتاز المپیاد فیزیک شرکت کننده در جشنواره های بین المللی
- ۲ اولین همایش پر افتخار مردان قهرمان کشورهای مختلف جهان
- ۳ آن دو زن دانشمند نامی و صاحب نظر قرون گذشته
- ۴ نخستین دانش آموز درستکار و پرورش یافته مراکز علمی و هنری

۱۱۹ در عبارات زیر چند واژه «وندی» و «مرکب» وجود دارد؟

«ماهی در آب خاموش است / چارپا روی خاک هیاهو می کند / پرنده در آسمان آواز می خواند / آدمی / اتمام خاموشی دریا / هیاهوی خاک / موسیقی آسمان را در خود دارد»

- ۱ دو - دو ۲ دو - سه ۳ سه - یک ۴ سه - دو

۱۲۰ در همه ابیات به استثنای بیت جای مضاف و مضاف الیه عوض شده است.

- ۱ کشور تدبیر را زیر و زبر سازد قضا
- ۲ غفلت ما را سبب عمر سبک جولان شده است
- ۳ جان غافل را سفر در چار دیوار تن است
- ۴ طفل طبعان را دل از بهر تماشای میدود
- ۵ ور نه در ملک رضا نوشیروان عادل است
- ۶ خواب ما را این صدای آب سنگین کرده است
- ۷ پای خواب آلوده را منزل کنار دامن است
- ۸ خو به عزلت کرده از سیر و تماشای فارغ است

۱۲۱ مفهوم افعال به کار رفته از مصدر «گشتن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱ گرد همه بوستان بگشتیم
- ۲ تا مصور گشت در چشم خیال روی دوست
- ۳ از قفا سیر نگشتم من بدبخت هنوز
- ۴ پیری و جوانی پی هم چون شب و روزند
- ۵ بر هیچ درخت از این ثمر نیست
- ۶ چشم خودبینی ندارم روی خود رأیم نیست
- ۷ می روم وز سر حسرت به قفا می نگرم
- ۸ ما شب شد و روز آمد و بیدار نگشتیم

۱۲۲ معنای فعل «شد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- | | | | |
|---|------------------------------|---|----------------------------|
| ۱ | چنین گفت با کودک آموزگار | ۱ | که کاری نکردیم و شد روزگار |
| ۲ | چو شب روز شد بامداد پگاه | ۲ | بفرمود تا باز گردد سپاه |
| ۳ | چو بانو چنان دید، شد سوی کوه | ۳ | رسیدند تا پای کوه آن گروه |
| ۴ | به بارگاه او ملک ز خلد شد | ۴ | ندا شنید کاندر آی مرحبا |

۱۲۳ در کدام گزینه وابسته پیشین از نوع «صفت مبهم» به کار رفته است؟

- | | | | |
|---|--|---|---------------------------------------|
| ۱ | آن یکی دست تو گیرد وان دگر پرشش کند | ۱ | وان دگر از لعل و شکر پیش باز آرد زکات |
| ۲ | چه غروری است در این سلطنت ای یوسف مصری | ۲ | که دگر پرشش حال پدر پیر نکردی |
| ۳ | دل بستگی نیست به کام دو جهانم | ۳ | با من بگذارید غم یار و دگر هیچ |
| ۴ | دگر پرشش، معانی و بیان بود | ۴ | ز تشبیهات و از اقسام آن بود |

۱۲۴ در همه گزینه‌ها به جز گزینه صفت مبهم در هر دو جایگاه وابسته پیشین و پسین به کار رفته است.

- | | | | |
|---|------------------------------------|---|------------------------------------|
| ۱ | هیچ کس را سرپایی نزد ایام که ما | ۱ | پشت دستی نگزیدیم به دندان‌چند |
| ۲ | ای ذکر تو را در دل هر دم اثری دیگر | ۲ | وی از تو به ملک جان دارم خبری دیگر |
| ۳ | حالیا در ره رندی قدمی چند ز نیم | ۳ | این ره از نیک نباشد ره دیگر گیریم |
| ۴ | هر روز دلم به زیر باری دگر است | ۴ | در دیده من زهجر خاری دگر است |

۱۲۵ در کدام بیت هیچ یک از انواع روابط معنایی به کار نرفته است؟

- | | | | |
|---|------------------------------------|---|-------------------------------------|
| ۱ | یکی درخت گل اندر فضای خلوت ماست | ۱ | که سروهای چمن پیش قامتش پستند |
| ۲ | اگر جهان همه دشمن شود به دولت دوست | ۲ | خبر ندارم از ایشان که در جهان هستند |
| ۳ | حریف مجلس ما خود همیشه دل می برد | ۳ | علی‌الخصوص که پیرایه‌ای بر او بستند |
| ۴ | درخت غنچه بر آورد و بلبان مستند | ۴ | جهان جوان شد و باران به عیش بنشستند |

۱۲۶ در کدام بیت فعل «شد» با معنایی متفاوت به کار رفته است؟

- | | | | |
|---|---------------------------------|---|-----------------------------------|
| ۱ | شاهد عهد شباب آمده بودش به خواب | ۱ | باز به پیرانه سر عاشق و دیوانه شد |
| ۲ | آتش رخسار گل خرمن بلبل سوخت | ۲ | چهره خندان شمع آفت پروانه شد |
| ۳ | زاهد خلوت‌نشین دوش به میخانه شد | ۳ | از سر پیمان برفت با سر پیمان‌شده |
| ۴ | نرگس ساقی بخواند آیت افسونگری | ۴ | حلقه اوراد ما مجلس افسانه شد |

۱۲۷ در کدام یک از گزینه‌های زیر فعل مجهول به کار نرفته است؟

- | | | | |
|---|---------------------------------|---|--------------------------------|
| ۱ | دیده تو چون دلم را دیده شد | ۱ | شد دل نادیده غرق دیده شد |
| ۲ | ندانم تا ثنایت گفته آید | ۲ | وگر آید تو را پذیرفته آید |
| ۳ | به سمع رضا مشنو ایدای (آزار) کس | ۳ | وگر گفته آید به غورش برس |
| ۴ | بعد از آن گفتا که می آید خطاب | ۴ | کاین سخن چون گفته شد بشنو جواب |

۱۲۸ مفعول در کدام عبارت «اسم وندی» است؟

- | | |
|---|---|
| ۱ | دشت سینه وسیع و داغش را در برابر وزش نسیم ملایمی قرار داده بود. |
| ۲ | مثل این بود، که رشته ای ناگسستنی قلب رزمندگان را به هم پیوند می داد. |
| ۳ | شبهه چند اسب بی شکیب، سکوت آن دشت بیکران را درهم می شکست. |
| ۴ | همه، آن مرد بزرگوار را دیدند که ابروان سفیدش، دیدگان کم فروغ او را پوشانده است. |

۱۲۹ در کدام بیت «هسته گروه اسمی» واژه «مرکب» است؟

- ۱ بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت
- ۲ ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن
- ۳ ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع
- ۴ آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
- هم بر چراغدان شما نیز بگذرد
- تأثیر اختران شما نیز بگذرد
- این گرگی شبان شما نیز بگذرد
- بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

۱۳۰ در همه گزینه‌ها به جز گزینه «نهاد» به درستی مشخص شده است.

- ۱ خازن گنج کهر را دوربازی لازم است
- ۲ از دلیل عقل بر من کوه و صحرا تنگ شد
- ۳ معنی بیگانه صائب می‌کند وحشت ز لفظ
- ۴ در حریم وصل اشک شور من شیرین نشد
- نیست ممکن کوه را تیغ از کمر باشد جدا
- وقت آن سرگشته خوش کز راهبر باشد جدا
- از تن خاکی دل روشن گهر باشد جدا
- کعبه نتوانست کردن تلخی از زمزم جدا

۱۳۱ کدام واژه‌ها به ترتیب «اسم وندی، صفت وندی و صفت وندی - مرکب» اند؟

- ۱ بی‌تاب، جوشش، مشک به دوش
- ۲ شکسته، بی‌درد، خطرکننده
- ۳ تشنگی، پرگشوده، نیلی‌پوش
- ۴ عرشیان، علمی، دست‌بسته

۱۳۲ تعداد ترکیب‌های وصفی و «اضافی» متن «نظر رستم دو اشکال اضافی نیز دارد: یکی آن که مرگش به خود او خاتمه نمی‌یابد، همه نزدیکانش را دربر می‌گیرد و ویرانی کشورش را هم به دنبال می‌آورد؛ دوم آن که مرگ او مساوی میدان خالی کردن کسانی خواهد بود که او را تجسم آرمان‌های خود می‌دانند.» به ترتیب، کدام است؟

- ۱ چهار - ده
- ۲ سه - یازده
- ۳ دو - دوازده
- ۴ یک - سیزده

۱۳۳ در متن: «... و هر صاحب فراستی داند که هیچ کس از سهو و ذلت مصون و معصوم نتواند بود و هر گاه که به قصد و عمد منصوب نباشد مجال استعفا و تائی اندر توابع و لواحق آن هر چه فراخ تر است، چند غلط املائی وجود دارد؟

- ۱ یک
- ۲ دو
- ۳ سه
- ۴ چهار

۱۳۴ در کدام بیت «مفعول» بر سایر اجزای جمله مقدم شده است؟

- ۱ عاشقان را ز بر خویش مران تا بر تو
- ۲ شمع جانم را بکشت آن بی‌وفا
- ۳ عقل را با عشق زور پنجه نیست
- ۴ بندگان را نه گزیر است ز حکمت نه گریز
- سر و زر هر دو فشانند و دعا نیز کنند
- جای دیگر روشنایی می‌کند
- احتمال از ناتوانی می‌کند
- چه کنند؟ ار بکشی ور بنوازی خدم‌اند

۱۳۵ اجزای ساختمان کدام واژه‌ها به ترتیب، معادل «دهش - نامنظم - زیرنویس - آبرفت» است؟

- ۱ روش - ناشکر - زیربنا - خداپسند
- ۲ کنش - نادار - پیش‌پرده - دست‌پخت
- ۳ نگارش - ناتمام - دورنما - دست فرسود
- ۴ آرامش - نادرست - دست بوس - سرنوش

۱۳۶ در همه گزینه‌ها به جز گزینه تعداد وابسته‌ها از نوع صفات بیانی یکسان است.

- ۱ دو چشم مست می‌گوند ببرد آرام هشیاران
- ۲ آب روان سرشک و آتش سوزان آه
- ۳ ای به دیدار تو روشن چشم عالم‌بین من
- ۴ گل با وجود او چو گیاه است پیش گل
- دو خواب‌آلوده بر بودند عقل از دست بیداران
- پیش تو باد است و خاک بر سر خود ریختن
- آخرت رحمی نیاید بر دل مسکین من
- مه پیش روی او چو ستاره است پیش ماه

۱۳۷ در کدام بیت از مصدر «ساختن» در معنای «آهنگ کردن» استفاده شده است؟

- ۱ بساز ای مطرب خوشخوان خوشگو
- ۲ جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع
- ۳ از آن پس بسازید سهراب را
- ۴ چه سازیم و این را چه درمان کنیم؟
- به شعر فارسی صوت عراقی
- که حکم آسمان است این اگر سازی اگر سوزی
- بینید یک شب بر او خواب را
- به دانش مگر چاره جان کنیم

۱۳۸ در کدام عبارت تعداد واژه‌های «وندی - مرگب» بیش تر است؟

- ۱ خلق و آفرینش نقاشی‌های زیبا و کم نظیر استاد محمد غفاری ملقب به کمال‌الملک
- ۲ گزارش نویسی تاریخچهٔ مدرسه از طریق مصاحبهٔ حضوری یا تلفنی با رئیس دبیرستان
- ۳ بررسی زمینه‌های گوناگون علمی از سوی دانش‌پژوهان جوان و گرفتن مدال‌های جهانی
- ۴ کلید موفقیت در تحقیق، جست‌وجو و پرسش و تلاش برای کشف حقایق و پدیده‌ها

۱۳۹ در متن «از زمینه‌های خیال‌انگیز شاهنامه، توصیف‌های استادانه‌ای است که سخن‌سرای بزرگ طوس از شب و روز و طلوع و غروب آفتاب به عمل آورده است و استاد طوس نه تنها حماسه‌پردازی تواناست بلکه نقاشی زبردست و شاعری تشبیه‌آفرین نیز هست»، به ترتیب، چند واژهٔ وندی و چند واژهٔ مرگب وجود دارد؟

- ۱ شش - پنج ۲ شش - چهار ۳ پنج - پنج ۴ پنج - شش

۱۴۰ نقش دستوری کلمات مشخص شده در بیت زیر به ترتیب کدام است؟

گشتم مقیم بزم او چون لطف دیدم عزم او گشتم حقیر راه او تا ساق شیطان بشکنم

- ۱ نهاد - متمم - مسند - مضاف‌الیه - متمم ۲ مسند - نهاد - مفعول - مسند - متمم
- ۳ نهاد - مسند - مسند - مضاف‌الیه - مفعول ۴ مسند - مسند - مفعول - مضاف‌الیه - مفعول

۱۴۱ در کدام بیت، متمم فعل، مقدم بر سایر اجزای جمله است؟

- ۱ با من دلشده گر یار نسازد چه کنم؟ دل غمگین مرا گر نوازد چه کنم؟
- ۲ بر بساط دل سماط عیش گسترده لیک در جهان صاحب‌دلی کو تا شود مهمان دل
- ۳ ز شوق در دل من آتشی چنان افروز که هرچه غیر تو باشد بسوزد آن را پاک
- ۴ به دست غم گرفتارم بیا ای یار دستم گیر به رنج دل سزاوارم مرا مگذار، دستم گیر

۱۴۲ در کدام گزینه تقدم مسند وجود دارد؟

- ۱ دل شاه ایران بدان تنگ شد بروهای چهرش پر آژنگ شد
- ۲ غمی بود رستم بیازید جنگ گرفت آن سر و یال جنگی پلنگ
- ۳ فرود آمد از رخس رستم چو باد سر نامور سوی بالا نهاد
- ۴ به بالا ز رستم همی رفت خون بشد سست و لرزان گه بیستون

۱۴۳ همهٔ ابیات به‌استثنای بیت فاقد جملهٔ وابسته‌اند.

- ۱ بهار آمد و گلزار نور باران شد چمن ز عشق رخ یار لاله افشان شد
- ۲ برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر وه که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد
- ۳ ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
- ۴ زین پیش دلورا کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

۱۴۴ تعداد صفت‌های کدام بیت کم تر است؟

- ۱ یاقوت جان‌فزایش از آب لطف زاده شمشاد خوش خرامش در ناز پروریده
- ۲ لفظی فصیح شیرین، قدی بلند چابک رویی لطیف زیبا، چشمی خوش کشیده
- ۳ آن لعل دلکشش بین وان خندهٔ دل‌آشوب وان رفتن خوشش بین وان گام آرمیده
- ۴ آن آهوی سیه چشم از دام ما برون شد یاران چه چاره سازیم با این دل‌رمیده

۱۴۵ در کدام ابیات، «شاخص» وجود دارد؟

- الف) به عهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق
ب) نخست پادشهی هم‌چو او ولایت بخش
ج) دگر کریم چو حاجی قوام در یادل
د) سوم چه قاضی عادل اصیل ملت و دین
- به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد
که گوی فضل ربود او به عدل و بخشش و داد
که او به جود چو حاتم همی صلا در داد
که قاضی‌ای به از او آسمان ندارد یاد

- ۱ الف، ج ۲ ب، ج ۳ د، الف ۴ ب، د

۱۴۶ در عبارت های زیر، چند ترکیب وصفی وجود دارد؟

«دریای آسمان کبود تر و عمیق تر از هر شب دیگر به نظر می رسید و ستارگان درخشان تر ولی دور تر. نور فسفری ماه از پشت به تکه های ابر تاییده بود و به حجم آن ها سایه زوشن های خیال انگیزی بخشیده بود.»

- ۱ چهار ۲ پنج ۳ شش ۴ هفت

۱۴۷ در کدام بیت صفت پیشین وجود ندارد؟

- ۱ نباشد غیر کوه غم که افشرده است پا در دل
 ۲ زبان هرچند شمع کشته را خاموش می باشد
 ۳ از آن پاک است از گرد علایق دامن پاکش
 ۴ ز رنگ آمیزی عشق آن که آگاه است، می داند
- درین وحشت سرا گر هم زبانی هست عاشق را
 به خاموشی عجب تیغ زبانی هست عاشق را
 که دایم در نظر آب روانی هست عاشق را
 که در هر دم بهاری و خزانی هست عاشق را

۱۴۸ در چه تعداد از ابیات زیر، واژه «سلطان» شاخص است؟

- الف) مجد دین سرور و سلطان قضات، اسماعیل
 ب) حافظ، ز شوق مجلس سلطان غیاث دین
 ج) سلطان بهرامشاه آن که به تأیید حق
 د) سلطان یمین دولت، بهرامشاه کو
- که زدی کلک زبان آورش از شرع، نطق
 غافل مشو که کار تو از ناله می رود
 هست به حق، پاسبان خانه و جان تو را
 عرضش همیشه بار وفا و بقا کشد

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۱۴۹ در کدام گزینه تعداد «صفت های بیانی» (به عنوان وابسته پسین) بیشتر است؟

- ۱ لفظی فصیح شیرین، قدی بلند چابک
 ۲ آن لعل دلکشش بین، وان خنده دل آشوب
 ۳ یاقوت جان فرایش از آب لطف زاده
 ۴ از تاب آتش می برگردد عارضش خوی
- رویی لطیف زیبا، چشمی خوش کشیده
 وان رفتن خوشش بین، وان گام آرمیده
 شمشاد خوش خرامش در ناز پروریده
 چون قطره های شبنم بر برگ گل چکیده

۱۵۰ در جمله های کدام گزینه حذف شناسه فعل به قرینه صورت گرفته است؟

- ۱ الف، د ۲ ج، ب ۳ الف، ج ۴ د، ب

۱۵۱ در کدام گزینه «هسته» گروه اسمی صحیح مشخص نشده است؟

- ۱ مه برده سر در گریبان فرو
 ۲ چو نمود رخ شاهد آرزو
 ۳ غضنفر بزد تیغ بر گردنش
 ۴ دویدند از کین دل سوی هم
- نشد هیچ کس را هوس، رزم او
 به هم حمله کردند باز از دو سو
 در آورد از پای، بی سر تنش
 در صلح بستند بر روی هم

۱۵۲ در کدام گزینه «قید» وجود ندارد؟

- ۱ حدیث عشق جانان گفتنی نیست
 ۲ نخست خونم اگر می روی به قتل بریز
 ۳ عشق دانی چیست، سلطانی که هر جا خیمه زد
 ۴ موضعی در همه آفاق ندانم امروز
- وگر گویی کسی هم درد باید
 که گر نریزی از دیده ام پپالاید
 بی خلاف آن مملکت بر وی گلستان می شود
 کز حدیث من و حسن تو خبر می نرود

۱۵۳ با توجه به بیت زیر، کدام موارد کاملاً درست است؟

- «گیرند مردم دوستان، نامهربان و مهربان
 الف) در بیت دو «واو» عطف وجود دارد.
 ب) یک مسند در بیت وجود دارد.
- هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس»
 ج) در بیت یک نقش تبعی یافت می شود.
 د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می خورد.

- ۱ الف، ب ۲ الف، ج ۳ ب، د ۴ ج، د

۱۵۴ در کدام مصراع «شد» فعل اسنادی است؟

- ۱ به پیش جهان آفرین شد نخست ۲ زمین آهنین شد سپهر آبنوس ۳ بشد سوی آب سر و تن بشست ۴ آن مرد بشد و طعام بخريد

۱۵۵ حروف «را» در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینه نشانهٔ فک اضافه است.

- ۱ همی بر خروشید و فریاد خواند ۲ پیوید کاین مهتر آهرمن است
 ۳ جهان را سراسر سوی داد خواند ۴ درد پردهٔ غنچه را باد بام
 ۵ جهان آفرین را به دل، دشمن است ۶ هزار آورد نغز گفتارها
 ۷ هزار آورد نغز گفتارها ۸ ورا نام تهمینه سهراب کرد
 ۹ چو خندان شد و چهره شاداب کرد

۱۵۶ مفهوم واژهٔ «دست» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱ نیست بر بالای دست خاکساری هیچ دست ۲ گر دست به خاک برنهی کاین جا کیست
 ۳ خشت خم می نوشد اول، بادهٔ سرجوش را ۴ تا دست به بیعت وفایت سودم
 ۵ آواز آید که حال معشوقم چیست ۶ تویی که دست تو با خامهٔ سیاه نزار
 ۷ در خانه نشستم و فروآسودم ۸ رخ عدو سیه و خاطرش نزار آورد
 ۹ رخ عدو سیه و خاطرش نزار آورد

۱۵۷ نقش دستوری واژهٔ «امروز» در کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ۱ امروز روز شادی و امسال سال گل ۲ امروز که در دست توام مرحمتی کن
 ۳ نیکوست حال ما که نکو باد حال گل ۴ امروز قدر پند عزیزان شناختم
 ۵ فردا که شوم خاک چه سود اشک ندامت ۶ امروز جای هرکس پیدا شود ز خوبان
 ۷ یا رب روان ناصح ما از تو شاد باد ۸ امروز ماه مجلس‌افروز اندر صدارت آمد

۱۵۸ در کدام گزینه نقش دستوری واژه‌های نادرست نوشته شده است؟

- ۱ آن بیک نامور که رسید از دیار دوست ۲ آورد حرز جان ز خط مشکبار دوست (نهاد - مفعول)
 ۳ خوش می‌دهد نشان جلال و جمال یار ۴ خوش می‌کند حکایت عز و وقار دوست (قید - مضاف‌الیه)
 ۵ دل دادمش به مژده و خجلت همی‌برم ۶ زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست (مضاف‌الیه - متمم)
 ۷ شکر خدا که از مدد بخت کارساز ۸ بر حسب آرزوست همه کار و بار دوست (صفت - مضاف‌الیه)

۱۵۹ در همهٔ ابیات فعل مجهول یافت می‌شود به جز گزینه

- ۱ از سبک سیری بساط زندگی چون گردباد ۲ تا نفس را راست کردم چیده و برچیده شد
 ۳ فتنهٔ دنیا شدن صائب ز کوه دیدگیست ۴ چشم می‌پوشد ز عالم هر که صاحب دیده شد
 ۵ خط عیان شد تا بساط زلف او برچیده شد ۶ فتنه‌ها بیدار گردد چون غلم خوابیده شد
 ۷ ریخت چون دندان امید زندگی بی‌حاصل است ۸ می‌رسد بازی به آخر مهره چون برچیده شد

۱۶۰ در کدام گزینه فعل مجهول به کار رفته است؟

- ۱ به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود. ۲ مثال داد تا هزار هزار درم به مستحقان دهند شکر این را و نبشته آمد.
 ۳ این چه رفت با بونصر بگفتم. سخت شاد شد. ۴ ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت و سوری و شادی به آن بسیاری تیره شد.

۱۶۱ در کدام بیت تعداد واژگان وندی کم تر است؟

- ۱ زانی از آن‌جا که فراغی گزید ۲ رخت خود از باغ به راغی کشید
 ۳ عاقبت از خامی خود سوخته ۴ رهروی کبک نیاموخته
 ۵ نادره کبکی به جمال تمام ۶ شاهد آن روضهٔ فیروزه‌فام
 ۷ بر قدم او قدمی می‌کشید ۸ وز قلم او رقمی می‌کشید

۱۶۲ کدام گزینه «نهاد» صحیح، مشخص شده است؟

- ۱ هم حرکاتش متناسب به هم
- ۲ دید یکی عرصه به دامان کوه
- ۳ یکی رویه دید بی‌دست و پای
- ۴ کسی نیک بیند به هر دو سرای
- هم خطواتش متقارب به هم
- عرضه مخزن پنهان کوه
- فرומاند در لطف و صنع خدای
- که نیکی رساند به خلق خدای

۱۶۳ در همه بیت‌های زیر فعل مجهول یافت می‌شود به جز

- ۱ خوش‌تر آن باشد که سر دلبران
- ۲ بر آن دست بردند آهنگران
- ۳ سرش گشت از اندیشه دل‌گران
- ۴ یکی سخت سوگند خوردم به بزم
- گفته آید در حدیث دیگران
- چو شد ساخته کار گرز گران
- بخفت و نیاسوده گشت اندر آن
- بدان شب کجا کشته شد زنده‌رمز

۱۶۴ در چند بیت هر سه واژه «وندی، مرکب و وندی - مرکب» به کار رفته است؟

- الف) شهری ز تو زیر و زبر هم بی‌خبر هم باخبر
 ب) روزی که عکس روی او بر روی زرد من افتد
 ج) آن پیک نامور که رسید از دیار دوست
 د) ماهرویا مهربانی پیشه کن
- وی از تو دل صاحب نظر مستان سلامت می‌کنند
 ماهی شوم رومی رخی گر زنگی نوبرده‌ام
 آورد حرز جان ز خط مشکبار دوست
 خوبرویی را باید زیوری

- ۱ چهار ۲ سه ۳ دو ۴ یک

۱۶۵ نقش‌های اصلی و غیر اصلی مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

- کهن شود همه کس را به روزگار، ارادت
 مسند، مفعول، نهاد، مسند ۲ مسند، مضاف‌الیه، نهاد، صفت ۳ نهاد، متمم، مسند، صفت ۴ نهاد، مفعول، مضاف‌الیه، مسند

۱۶۶ در همه ابیات به جز بیت گزیده اجزای جمله به شیوه بلاغی بیان شده است.

- از یاد پریشانی بیا که هاتف میخانه دوش با من گفت / که در مقام رضا باش و از قضا مگریز
 باده گلگون خراب کن چراغ افروز چشم ما نسیم زلف خوبان است / مباد این جمع را یارب غم
 را بسقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم زان پیشتر که عالم فانی شود خراب / ما را ز جام
 بی‌آ تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم / فلک

۱۶۷ نقش واژه در کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱ مجنون چو حدیث عشق بشنید / اول بگریست، پس بخندید (مضاف‌الیه)
- ۲ پرورده عشق شد سرشتم / جز عشق مباد سر نوشتم (مسند)
- ۳ چون رایت عشق آن جهانگیر / شد چون مه لیلی آسمان گیر (متمم)
- ۴ حاجتگه جمله جهان اوست / محراب زمین و آسمان اوست (مسند)

۱۶۸ تعداد «نقش‌های تبعی» در کدام گزینه بیشتر است؟

- ۱ شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، شاعر و عارف معروف قرن ششم، کتاب «اسرارنامه» را به جلال‌الدین خردسال هدیه داد و به پدرش گفت: «زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند.»
- ۲ چون یاران مولانا به آزار شمس برخاستند، او ناگزیر دل از قونیه، آن شهر پرغوغا برکند و عزم کرد که به جایی برود که از او خبری نشنوند.
- ۳ پس از ناپدید شدن شمس، مولانا به همت یاران نزدیک خود به سرودن کتاب گران‌بهای مثنوی، عالی‌ترین اثر عرفانی ایران پرداخت.
- ۴ سعدی و فخرالدین عراقی، دو شاعر و عارف هم‌روزگار مولانا، ظاهراً با وی دیدار کرده‌اند و یکی از غزلیات مولوی، سعدی را شیفته خویش ساخته است.

۱۶۹ معنی واژه ردیف در کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- ۱ از دل سنگین لیلی کعبه جان ساختند
- ۲ خضر را زخم نمایان گشت عمر جاودان
- ۳ از هوسناکان حذر کن کاین گروه بی‌ادب
- ۴ می‌توان دامان بوی گل گرفت از دست باد
- از غبار خاطر مجنون بیابان ساختند
- تیغ سیراب تو را روزی که عریان ساختند
- مصر را بر یوسف بی‌جرم زندان ساختند
- وای بر جمعی که وقت خود پریشان ساختند

۱۷۰ در ابیات زیر مجموعاً چند نقش تبعی یافت می‌شود؟

- الف) حاجت‌گه جمله جهان اوست
 ب) دلم به عشق گرفتار و جهان به مهر گرو
 ج) مگر تو خود به کرم بازبخشی این دل ریش
- محراب زمین و آسمان اوست
 درآمد از درم آن دل فریب جان آرام
 که من ز شرم، تقاضا نمی‌توانم کرد

۱ چهار ۲ سه ۳ پنج ۴ دو

۱۷۱ در کدام بیت جمله مرکب (غیر ساده) دیده نمی‌شود؟

- ۱ ای آفتاب حُسن، برون آدمی ز ابر
 ۲ گویاترم ز بلبل اما ز رشک عام
 ۳ دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
 ۴ و الله که شهر بی تو مرا حبس می‌شود
- کان چهره مشعشع تابانم آرزوست
 مُهر است بر دهانم و افغانم آرزوست
 کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
 آوارگی کوه و بیابانم آرزوست

۱۷۲ با توجه به بیت زیر، به ترتیب، «مضاف الیه» و «متمم» در کدام گزینه، صحیح آمده است؟

- ۱ زندگی، اشک
 ۲ ش، آب
 ۳ اشک، آب
 ۴ بنا، رخسار
- ز رخسارش فرومی‌ریخت اشکی
 بنای زندگی بر آب می‌دید

۱۷۳ در کدام بیت مفعول جمله هسته محذوف است؟

- ۱ جام مینایی می‌سد ره تنگ‌دل‌یست
 ۲ نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد
 ۳ باغبانان ز خزان بی‌خبرت می‌بینم
 ۴ بانگ گاوی چه صدا باز دهد عشوه مخر
- منه از دست که سیل غمت از جا ببرد
 بختم از یار شود رختم از این جا ببرد
 آه از آن روز که بادت گل رعنا ببرد
 سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد

۱۷۴ در کدام بیت ترکیب‌های وصفی بیش‌تری دیده می‌شود؟

- ۱ میان موج می‌رقصید در آب
 ۲ ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی
 ۳ خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف‌آلود
 ۴ ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک
- به رقص مرگ، اخترهای انبوه
 بنای زندگی بر آب می‌دید
 دل شب می‌درید و پیش می‌رفت
 خدا داند چه افسرها که رفته

۱۷۵ در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ «شاخص» وجود دارد.

- ۱ حرف‌های حاج آقا رضا تمام نشده بود که اعتراض‌ها آغاز شد.
 ۲ صادق هدایت با سیدعلی جمال‌زاده مکاتباتی داشته است.
 ۳ بستگان عمه‌ام، طوبا، سالی یک‌بار به خارج از کشور می‌روند.
 ۴ در هشت کیلومتری شهر باستانی بادرود، گنبد امام‌زاده علی‌عبّاس درخششی خاص دارد.

۱۷۶ در کدام گزینه «شاخص» وجود دارد؟

- ۱ دست سلطان خرد بوسه زدم
 ۲ سلطان و ایاز هر دو همدست
 ۳ به یکبار این چنین سرهنگ گشتی
 ۴ دهقان و خداوندهٔ این باغ رسول است
- پای سرهنگ بگیرم پس از این
 سرهنگ خراب و پاسبان مست
 بلایی یا رب ای سرهنگ بابک
 سرهنگ بنی‌آدم و پیغمبر یزدان

۱۷۷ تعداد ترکیب‌های وصفی در کدام گزینه کمتر است؟

- ۱ آن سیه‌چرده که شیرینی عالم با اوست
 ۲ روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک
 ۳ خال مشکین که بدان عارض گندمگون است
 ۴ صیقل آینهٔ حسن بود دیدهٔ پاک
- چشم میگون لب خندان دل خرّم با اوست
 لاجرم همّت پاکان دو عالم با اوست
 سرّ آن دانه که شد رهنز آدم با اوست
 روی گل تازه از آن است که شبنم با اوست

۱۷۸ از میان واژه‌های زیر به ترتیب چند واژه وندی، مرگب و وندی - مرکب است؟

«پروار بندی - کارانه - پذیرا - خدانشناس - خویشتن دار - تأسف‌انگیز - نامردمی - یک طرفه - مالامال - گلاب - ناشنوبایی - آشتی کنان - بی‌برنامگی - حقوق بگیر»

- ۱ پنج - سه - شش
۲ چهار - چهار - شش
۳ چهار - سه - هفت
۴ پنج - دو - هفت

۱۷۹ در میان واژه‌های زیر چند کلمه از ترکیب «صفت + اسم = صفت» ساخته شده‌اند؟

«سه‌گوش - سفیدپوست - سفیدرود - چهل چراغ - خوش‌خط - ریش سفید - بالادست - سیاه‌چادر - نخست‌وزیر - زیردست - خوش‌بخت - بزرگ‌سال»

- ۱ هفت
۲ شش
۳ پنج
۴ چهار

۱۸۰ در کدام گزینه با افزودن پسوند «ا» به بن مضارع آن‌ها، «صفت» ساخته می‌شود؟

- ۱ شنیدن، خواندن، رفتن
۲ کوشیدن، دانستن، خواستن
۳ بریدن، نشستن، آمدن
۴ رسیدن، خوابیدن، آسودن

۱۸۱ در کدام گزینه «صفت بیانی» نمی‌یابید؟

- ۱ کم دهدت گیتی بسیاران
۲ یکی زین سفره، نان خشک برد آن دیگری حلوا
۳ هزاران دانه افشانیدیم و یک گل زان میان نشکفت
۴ چراغ آسمانی بود عقل اندر سر خاکی
به که بسنجی کم و بسیار را
قضا گویی نمی‌دانست رسم میزبانی را
به شورستان تبه کردیم رنج باغبانی را
ز باد عجب (= غرور) کشتیم این چراغ آسمانی را

۱۸۲ در کدام گزینه نقش «صفت بیانی» وجود دارد؟

- ۱ پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما
۲ خوش‌ترین درسی که روز اولم آموخت عشق
۳ تا تماشای وصال خود کند
۴ در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن
آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها
در دبستان محبت ترک جان و مال بود
نور خود در دیده‌ی بینا نهاد
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

۱۸۳ در کدام گزینه ترکیب وصفی با صفت بیانی وجود دارد؟

- ۱ این دلبری و شوخی از سرو و گل نیاید / وین شاهدهی و شنگی در ماه و حور نباشد
۲ هوشم نماند با کس، اندیشه‌ام تویی بس / جایی که حیرت آمد سمع و بصر نباشد
۳ تو مست خواب نوشین تا بامداد و بر من / شب‌ها رود که گویی هر گز نباشد
۴ گفتم به شیرمردی چشم از نظر بدوزم / با تیر چشم خوبان تقوا سپر نباشد

۱۸۴ در همه‌ی گزینه‌ها واژه‌ای یافت می‌شود که در گذر زمان «تحول معنایی» یافته است، به جز گزینه

- ۱ تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست
۲ هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست / ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست؟
۳ همی خواست زد بر سر شهریار / سپر بر سر آورد شاه سوار
۴ شوخ با صابون این شوخان بنزدایم ز تن / که به نرمی هم‌چو لیف‌اند و به سختی سنگ پا

۱۸۵ در کدام گزینه شناسه به قرینه فعل قبلی حذف نشده است؟

- ۱ کبوتران اضطرابی می‌کردند و هر یک خود را می‌کوشید.
۲ نزدیک‌تر آید و سخن بلندتر گوید. پیش‌تر رفتند و ذکر دعوی تازه گردانید. گفت: واقف شدم.
۳ بطن چون آن بدیدند به نزدیک باخه رفتند و گفت: به وداع آمده‌ایم، بدرد باش ای دوست گرمی و رفیق موافق.
۴ گفت که: شاید بود که فروشنده این جادو بوده است و چشم‌بندی کرده، در جمله گوسپند را بگذاشت و برفت و آن جماعت بگرفتند و ببرد.

۱۸۶ در کدام بیت کاربرد و معنای فعل «ایستادن» متفاوت است؟

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱ | بتان چین به خدمت سر نهادند |
| ۲ | گر ایستاد حریفی اسیر عشق بماند |
| ۳ | گر دوست جان و سر طلبد ایستاده‌ایم |
| ۴ | در چاره کارش ایستادند |
| ۱ | بسان سرو بر پای ایستادند |
| ۲ | و گر گریخت خیالش به تاختن بکشد |
| ۳ | یاران بدین قدر بکنند احتمال دوست |
| ۴ | وز کار وی آن گره گشادند |

۱۸۷ نقش کلمه «زیبا» در کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|---|---|
| ۱ | نیکی پیر مغان بین که چو ما بدمستان |
| ۲ | رخ اندر ماه روشن کرد و گفتا چون دهم شرح |
| ۳ | عشقی است سخت زیبا فقری است پای برجا |
| ۴ | بربود انده تو صبرم و نیکو بربود |
| ۱ | هر چه کردیم به چشم کرمش زیبا بود |
| ۲ | که خوبی و نیکویی و هم زیبا و تابانی |
| ۳ | بر آسمان نهی پا گر دست این دو بوسی |
| ۴ | بگرفت انده تو جانم و زیبا بگرفت |

۱۸۸ نقش ضمیر «ت» در کدام گزینه با بقیه تفاوت دارد؟

- | | |
|---|------------------------------------|
| ۱ | گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه |
| ۲ | درون دلت شهر بندست راز |
| ۳ | مکن کاری که برپا سنگت آید (آید) |
| ۴ | جهان با این فراخی تنگت آید (آید) |

۱۸۹ در همه ابیات زیر واژه مرکب دیده می‌شود به جز بیت

- | | |
|---|---------------------------------|
| ۱ | به نام چاشنی بخش زبان‌ها |
| ۲ | در این بود درویش شوریده رنگ |
| ۳ | شغال نگون بخت را شیر خورد |
| ۴ | چو انعام کردی مشو خودپرست |
| ۱ | حلاوت سنج معنی در بیان‌ها |
| ۲ | که شیری بر آمد، شغالی به چنگ |
| ۳ | بماند آنچه روپاه از آن سیر خورد |
| ۴ | که من سرورم دیگران زیردست |

۱۹۰ قافیه کدام بیت با واژه مشخص شده در بیت زیر، رابطه‌ی معنایی «ترادف» دارد؟

«به نام چاشنی بخش زبان‌ها

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱ | سحرگه رهروی در سرزمینی |
| ۲ | شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی |
| ۳ | ثوابت باشد ای دارای خرمن |
| ۴ | اگر چه رسم خوبان تند خوبی ست |
| ۱ | همی گفت این معما با قرینی |
| ۲ | شبی خوش است چنین شب که دوستان بینی |
| ۳ | اگر رحمی کنی بر خوشه چینی |
| ۴ | نیازی عرضه کن بر نازینی |

۱۹۱ واژه قافیه در مصراع دوم کدام گزینه وابسته پسین نیست؟

- | | |
|---|------------------------------|
| ۱ | کسی نیک بیند به هر دو سرای |
| ۲ | چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش |
| ۳ | بخور تا توانی به بازوی خویش |
| ۴ | یکی روپهی دید بی دست و پای |
| ۱ | که نیکی رساند به خلق خدای |
| ۲ | ز دیوار محرابش آمد به گوش |
| ۳ | که سعیت بود در ترازوی خویش |
| ۴ | فروماند در لطف و صنع خدای |

۱۹۲ نقش دستوری واژه مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- | | |
|---|--|
| ۱ | خرد را گر نبخشد روشنایی |
| ۲ | اگر لطفش قرین حال گردد |
| ۳ | در نایسته احسان گشاده‌ست |
| ۴ | به تربیتی نهاده وضع عالم |
| ۱ | بماند تا ابد در تیره رای (مفعول) |
| ۲ | همه ادبارها اقبال گردد (مسند) |
| ۳ | به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست (مفعول) |
| ۴ | که نی موی باشد بیش و نی کم (مفعول) |

۱۹۳ نقش واژه مشخص شده در کدام گزینه صحیح نیست؟

- | | |
|---|---|
| ۱ | یکی روپهی دید بی دست و پای / فروماند در لطف و صنع خدای (نهاد) |
| ۲ | برو شیر درنده باش، ای دغل / مینداز خود را چو روپاه شل (متمم) |
| ۳ | خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره رای (متمم) |
| ۴ | اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادبارها اقبال گردد (مسند) |

۱۹۴ ردیف در همهٔ ابیات به استثنای بیت گزینۀ به یک معنی آمده است.

- ۱ چون شراب عشق در وی کار کرد
- ۲ غلغلی در اهل اسلام افتاد
- ۳ هر که پندش داد بندش سخت کرد
- ۴ چو باز افتادی از ره، ره ز سر گیر
- از بد و نیک جهان بیزار شد
- کای عجب این پیر از کفار شد
- در دل او پند خلقان خار شد
- که همره دور رفت و کاروان شد

۱۹۵ نوع حرف ربط (پیوند) به کار رفته در همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز

- ۱ خرامان از درم باز آکت از جان آرزومندم
- ۲ وجود من چو قلم سرنهاده بر خط توست
- ۳ دل مردم به ظاهر می‌بری از نوشند اما
- ۴ همی داشت خود در دل این شهریار
- به دیدار تو خشنودم، به گفتار تو خرسندم
- بگردم ار به سرم هم‌چنان بگردانی
- چو گل از خار چندین نیشتر زیر سپر داری
- چنین تا برآمد براین روز چار

۱۹۶ در کدام گزینه فعل مجهول به کار رفته است؟

- ۱ ماهی که شد به طلعتش افروخته زمین
- ۲ سرم ز دست بشد چشم از انتظار بسوخت
- ۳ بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود
- ۴ ای شاه شیرگیر چه کم گردد ار شود
- شاهی که شد به همتش افراخته زمان
- در آرزوی سر و چشم مجلس آرایی
- در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی
- در سایهٔ تو ملک فراغت مسخرم

۱۹۷ در عبارت «لکن در اظهار آن با تو تأملی کردم و منتظر بودم که انتباهی یابی و از خواب غفلت بیدار شوی، و چون از حدّ بگذشت وقتست که از

کمال نادانی و جهالت تو گفته شود و بعضی از معایب رای و مقابح فعل تو شمرده.» چند فعل مجهول وجود دارد؟

- ۱ یک
- ۲ دو
- ۳ سه
- ۴ چهار

۱۹۸ در عبارت «دست‌یابی به دانشی در زمینهٔ زبان و نقش‌های گوناگون آن جز از راه درس و کلاس و بهره‌یابی از معلّم و استمرار در فراگیری،

امکان پذیر نیست»، به ترتیب چند واژهٔ «وندی»، «مرگب» و «وندی - مرگب» وجود دارد؟

- ۱ چهار - یک - سه
- ۲ سه - دو - سه
- ۳ سه - یک - سه
- ۴ دو - دو - سه

۱۹۹ نوع دستوری واژه‌های «همنشینی - واجگاه - زبان‌شناسی - چهارم» به ترتیب در کدام گزینه ذکر شده است؟

- ۱ وندی - مرگب، وندی، مرگب، وندی
- ۲ وندی، وندی، وندی - مرگب، وندی
- ۳ وندی - مرگب، وندی، وندی - مرگب، ساده
- ۴ وندی، وندی، وندی - مرگب، ساده

۲۰۰ واژه‌های قافیه در همهٔ ابیات به جز بیت «وندی» است.

- ۱ به یوسف چون رسد جویای یوسف می‌شود ساکن
- ۲ خطر از سبزهٔ بیگانه بیش از زهر می‌باشد
- ۳ لبی خامش تر از گوش صدف آماده می‌باید
- ۴ ندارد بهره‌ای از حسن معنی چشم صورت بین
- وصال افزون کند شوق طلبکار معانی را
- جمال آشنا رویان گلزار معانی را
- طلبکار وصال درّ شهوار معانی را
- به هر آیینه منماید دیدار معانی را

۲۰۱ در همهٔ گزینه‌ها به جز به ترتیب هستهٔ گروه اسمی و نقش دستوری آن درست نوشته شده است.

- ۱ به دردش می‌رسد دانای اسرار نهان، صائب
- ۲ دامن مادر نخست آموزگار کودک است
- ۳ عاشقی را که چنین بادهٔ شبگیر دهند
- ۴ نه از گل می‌گشاید دل، نه از گلزار عاشق را
- ز عرض حال خود هر کس لب اظهار می‌بندد (دانا: نهاد)
- طفل دانشور کجا پرورده نادان مادری (آموزگار: مسند)
- کافر عشق بود گر نشود باده‌پرست (باده: مفعول)
- که باغ دلگشایی نیست غیر از یار عاشق را (باغ: مسند)

۲۰۲ در عبارت زیر چند «ترکیب وصفی» وجود دارد؟

«بنابراین خاله‌ام با همهٔ تمکّنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود، نه از بخل، بلکه به بیشتر از آن احتیاج نداشت در خانهٔ مشترکی که خانوادهٔ دیگری هم در آن زندگی می‌کردند، یک اتاق داشت. خانهٔ کهن‌سالی بود و عاری از امکان آسایش. در همان یک اتاق زندگی خود را متمرکز کرده بود.»

ده ۴

نه ۳

هشت ۲

هفت ۱

۲۰۳ در کدام بیت مَتَم فعل بر سایر اجزای اصلی جمله، مقدم شده است؟

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ با یاد تو زهر بر شکر خندد | ۲ زمین پرسی که دل داری چه گویم؟ |
| ۳ در میان دل و دین حاصل عشاق تو چیست؟ | ۴ از آرزوی رویت بر آستان کویت |
| ۱ بار روی تو شام بر سحر خندد | ۲ که بس مشکل فتاده است این سؤال |
| ۳ که چو حکم تو درآمد زمین آن نبرد | ۴ هر دم هزار فریاد از آسمان برآید |

۲۰۴ در همهٔ ابیات به استثنای بیت.....، مفعول مقدم بر سایر ارکان جمله است.

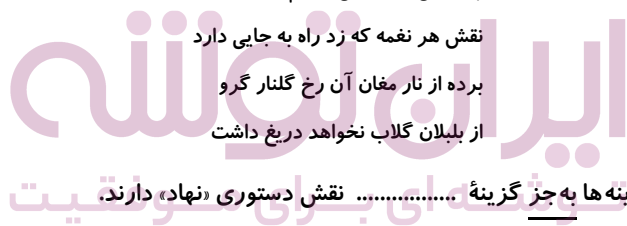
- | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| ۱ درد دل دوستان، گر تو پسندی رواست | ۲ روز رویش چو برانداخت نقاب شب زلف |
| ۳ جان در قدم تو ریخت سعدی | ۴ گر خون من و جملهٔ عالم تو بریزی |
| ۱ هر چه مراد شمامت، غایت مقصود ماست | ۲ گفתי از روز قیامت شب یلدا برخاست |
| ۳ وین منزلت از خدای می خواست | ۴ اقرار بیاریم که جرم از طرف ماست |

۲۰۵ در همهٔ ابیات به استثنای بیت..... جای مضاف و مضاف‌الیه عوض شده است.

- | | |
|--|---|
| ۱ کشور تدبیر را زیر و زبر سازد قضا | ۲ غفلت ما را سبب عمر سبک جولان شده است |
| ۳ جان غافل را سفر در چاردیواری تن است | ۴ طفل طبعان را دل از بهر تماشا می دود |
| ۱ ورنه در ملک رضا نوشیروان عادل است | ۲ خواب ما را این صدای آب سنگین کرده است |
| ۳ پای خواب آلوده را منزل کنار دامن است | ۴ خو به عزلت کرده از سیر و تماشا فارغ است |

۲۰۶ در کدام گزینه تعداد «ترکیب‌های اضافی» بیشتر است؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱ آشنایی نه غریب است که دلسوز من است | ۲ مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد |
| ۳ آبروی من اگر برد جمالش چه عجب | ۴ آن شاخ گل کزو جگر خار تازه است |
| ۱ چون من از خویش برفتم دل بیگانه بسوخت | ۲ نقش هر نغمه که زد راه به جایی دارد |
| ۳ برده از نار مغان آن رخ گلنار گرو | ۴ از بلبلان گلاب نخواهد دریغ داشت |



۲۰۷ کلمات مشخص شده، در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ..... نقش دستوری «نهاد» دارند.

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱ زان می که ریخت عشقت در کام جان سعدی | ۲ نازت نهاده‌ی به دل این بار امانت |
| ۳ تو را آتش عشق اگر پر بسوخت | ۴ هست سر بر دوش من باری و باری می کشم |
| ۱ تا بامداد محشر در سر خمار دارم | ۲ گر حسن تو از عشق، گرانبار نبودی |
| ۳ مرا بین که از پای تا سر بسوخت | ۴ تا مگر اندازمش در پای خوبان عاقبت |

۲۰۸ نقش دستوری واژه «مشرک» در کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|---|--|
| ۱ مشرک نی‌ام، پرستش باطل نمی‌کنم / حق بین و حق پرست به فرمان یک کسم | ۲ یک لحظه که از حضور، غایب مانی / آن لحظه بدان که مشرک راهی تو |
| ۳ نه مؤمن توحیدم، نه مشرک تقلیدم / نه منکر تحقیقم، نه واقف اسرارم | ۴ چون مرا از مشک معنی بوی نیست / حس مشرک لایق این کوی نیست |

۲۰۹ در کدام گزینه، جملهٔ غیر ساده (مرکب) وجود دارد؟

- | | |
|---|---|
| ۱ به تختهٔ سیاه با گچ طرح جانوری می‌ریخت؛ ما را به رونگاری می‌نشانند و خود به نقطه‌چین نقشهٔ خود می‌نشست. | ۲ سال دوم دبیرستان بودیم، اول وقت بود و زنگ نقاشی ما بود. در کلاس نشسته بودیم و چشم به راه معلّم. «صاد آمد.» |
| ۳ معلّم پای تخته رسید؛ گچ را گرفت؛ برگشت و گفت: «خرگوشی می‌کشم تا بکشید.» | ۴ «صاد» هرگز جانوری جز از پهلوی نکشید. خلف صدق نیاکان هنرور خود بود و نمایش نیم‌رخ زندگان رازی در برداشت و از سر نیازی بود. |

۲۱۰ در همهٔ ابیات به جز بیت اجزای جمله به شیوهٔ بلاغی بیان شده است.

- | | |
|--------------------------------------|--|
| ۱ به دام زلف تو دل مبتلای خویشتن است | ۲ به گمزه که اینش سزای خویشتن است |
| ۳ چو رای عشق زدی با تو گفتم ای بلبل | ۴ گرت ز دست برآید مراد خاطر ما |
| ۱ مرو به خانهٔ ارباب بی مروّت دهر | ۲ مکن که آن گل خندان برای خویشتن است |
| ۳ که گنج عافیتت در سرای خویشتن است | ۴ به دست باش که خیری به جای خویشتن است |

۲۱۱ در کدام گزینه تعداد ترکیب‌های اضافی در کمانک روبه‌روی بیت نادرست است؟

- | | |
|--------------------------------------|---|
| ۱ بندبرپای تحمّل چه کند گر نکند | ۲ انگین است که در وی مگسی افتاده است (یک) |
| ۳ نه من از دست نگارین تو مجروحم و بس | ۴ تو خفته در کجاوه به خواب خوش اندری (دو) |
| ۴ بند همه غم‌های جهان بر دل من بود | ۳ که به شمشیر غمت کشته چو من بسیارند (سه) |
| | ۴ در بند تو افتادم و از جمله برستم (چهار) |

۲۱۲ در متن زیر چند «ترکیب وصفی و چند وابستهٔ پیشین» به ترتیب، به کار رفته است؟

«این معلّم شریف باسواد، سفارش کرده بود که اگر سر قبر ویکتور هوگو رفتم، از جانب او فاتحه‌ای برای این نویسندهٔ بزرگ بخوانم. این نامه مرا به فکر انداخت. متوجّه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است.»

- | | | | |
|-----------|-------------|------------|------------|
| ۱ شش، پنج | ۲ هفت، چهار | ۳ هفت، پنج | ۴ هشت، پنج |
|-----------|-------------|------------|------------|

۲۱۳ در عبارت زیر به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و «اضافی» به کار رفته است؟

«امشب در این پهنهٔ موحش، مردان بزرگی سر به آستان شهادت نهاده‌اند که شعار امام حسین (ع) را با خون خود نقش آن مرز و بوم پر آشوب کردند. مردان فروتن و شب زنده‌داری که پیکرهای رشید ایشان مظهر یک مسلمان کامل بود.»

- | | | | |
|--------------|------------|-----------|---------------|
| ۱ یازده - شش | ۲ نه - پنج | ۳ ده - شش | ۴ یازده - پنج |
|--------------|------------|-----------|---------------|

۲۱۴ تعداد «ترکیب وصفی» در کدام بیت بیش تر است؟

- | | |
|--|--|
| ۱ دو چشم مست می‌گوندت ببرد آرام هشیاران | ۲ دو خواب آلوده بربودند عقل از دست بیداران |
| ۳ تو با این مردم کوتاه‌نظر در چاه کنعانی | ۴ ز توبه توبه کردند چو من بر دست خماران |
| ۴ گر آن عیار شهر آشوب روزی حال من پرسد | ۳ به مصر آ تا پدید آیند یوسف را خریداران |
| | ۴ بگو خوابش نمی‌گیرد به شب از دست عیاران |

۲۱۵ در عبارت زیر، چند «شاخص» وجود دارد؟

دکتر شهیدی، نویسنده و مترجم معاصر در ترجمهٔ کتاب نهج‌البلاغه از نثر آهنگین به تبع جملات امام علی (ع) تأثیر پذیرفته است. نثر استاد شیوا و بسیار دلنشین است»

- | | | | |
|------|------|------|--------|
| ۱ یک | ۲ دو | ۳ سه | ۴ چهار |
|------|------|------|--------|

۲۱۶ در همهٔ ابیات به جز بیت تعداد وابسته‌های پیشین یکسان است.

- | | |
|---|--|
| ۱ پخته چندین خام را نتوان به آسانی نمود | ۲ تاک در یک آستین صد سیلی استاد داشت |
| ۳ چو شد محرم ز یک دریا همه نامی که دانستم | ۴ یک رهت سوی نعیم است و دگر سوی بلاست |
| ۴ هر باب از این کتاب نگارین که بر کنی | ۳ در این دریای بی‌نامی دو نام آور نمی‌دانم |
| | ۴ همچون بهشت گویی از آن باب خوشتر است |

۲۱۷ در ابیات زیر، مجموعاً چند وابستهٔ پیشین وجود دارد؟

«این همان بلبل گویاست که صیاد قضا
 «گر بخواهی که بری بهره ز فرهنگ وجود
 «از پس شکر و تحیت، به جنابش گفتم
 نایش از نغمه فروبست و پرش از پرواز
 از همه عالم فارغ شو و زی او پرداز
 کای خداوند از تو یکی پرسم راز»

- | | | | |
|------|------|--------|-------|
| ۱ دو | ۲ سه | ۳ چهار | ۴ پنج |
|------|------|--------|-------|

۲۱۸ در بیت کدام گزینه، «نهاد» اولین واژهٔ بیت است؟

- ۱ قیامت باشد آن قامت در آغوش
- ۲ غلام کیست آن لعبت که ما را
- ۳ نصیحت گوی ما عقلی ندارد
- ۴ حدیث حسن خویش از دیگری پرس
- ۵ شراب سلسبیل از چشمهٔ نوش
- ۶ غلام خویش کرد و حلقه در گوش؟
- ۷ بر او گو: در صلاح خویشتن کوش
- ۸ که سعدی در تو حیران است و مدهوش

۲۱۹ در کدام گزینه، «دیگر» صفت مبهم نیست؟

- ۱ با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
- ۲ سعدی چو جورش می‌بری نزدیک او دیگر مرو
- ۳ طبع تو سیر آمد از من جای دیگر دل نهاد
- ۴ تو به هر جا که فرود آمدی و خیمه زد
- ۵ کاین زمانم گوش بر چنگست و دل در چنگ نیست
- ۶ ای بی‌بصر! من می‌روم؟ او می‌کشد قلاب را
- ۷ من که را جویم که چون تو طبع هر جایم نیست
- ۸ کس دیگر نتواند که بگیرد جایت

۲۲۰ نوع کلمات کدام مجموعه با مجموعه‌های دیگر متفاوت است؟

- ۱ کردار - دستار - جُستار - سپیدار
- ۲ گرفتار - برخوردار - مُردار - خریدار
- ۳ کشتار - رفتار - نوشتار - ساختار
- ۴ دیدار - شنیدار - گفتار - پندار

۲۲۱ وابستهٔ مضاف‌الیه در کدام عبارت «وندی مرکب» است؟

- ۱ اهداف کلی آموزش زبان فارسی در مقاطع تحصیلی مختلف
- ۲ مطالعهٔ کتب درسی و آشنایی با مسائل و موضوعات آن
- ۳ بهترین و مناسب‌ترین تشخیص واحدهای زبر زنجیری گفتار
- ۴ نگرش عمیق و مثبت به موضوعات ارائه شدهٔ کتاب

۲۲۲ نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده، به ترتیب در کدام گزینه تماماً درست است؟

- ۱ بسیار کس شدند اسیر کمند عشق
- ۲ گر اقتدت گذری بر وجود کشتهٔ عشق
- ۳ امشب به راستی شب ما روز روشن است
- ۴ سعدی نظر بیوشان، یا خرقة در میان نه
- ۵ تنها نه از برای من این شور و شر فتاد (مسند، مضاف‌الیه)
- ۶ سخن بگوی که در جسم مرده جان آری (مضاف‌الیه، مفعول)
- ۷ عید وصال دوست علی‌رغم دشمن است (قید، مضاف‌الیه)
- ۸ رندی روا نباشد در جامهٔ فقیری (نهاد، متمم)

۲۲۳ الگوی ساخت واژه‌های وندی «دیده، پیرایه، رویگری، تابان» با کدام گزینه یکسان است؟

- ۱ دسته، نمایه، صوفی‌گری، خندان
- ۲ پایه، ساده، کوزه‌گری، سامان
- ۳ بسته، آویزه، آرایشگری، گریان
- ۴ بنده، ماله، وحشی‌گری، سوزان

۲۲۴ در متن زیر چند «صفت بیانی» وجود دارد؟

«اندک‌اندک جلوه‌هایی از تقدیر درخشان این نهضت به ملت لبخند زد. حلول این صبح روشن را پاس می‌داریم و یاد ایثارگران سهیم در این حماسهٔ سترگ را - تا همیشه - در خاطرهٔ خویش به تابناکی پاس می‌داریم»

- ۱ سه
- ۲ چهار
- ۳ پنج
- ۴ شش

۲۲۵ به ترتیب «صفت فاعلی، صفت لیاقت، صفت مفعولی، بن مضارع» از مصدر «نوشتن» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ نوشته، نویسنده، نوشتنی، نویس
- ۲ نوشته، نویسنده، نوشتنی، بنویس
- ۳ نویسنده، نوشته، نوشتنی، بنویس
- ۴ نویسنده، نوشتنی، نوشته، نویس

۲۲۶ نوع صفت‌های بیانی به‌کار رفته در عبارت «آن باغ گل‌های رنگین و معطر، ر شعر و خیال که صمیمانه قلب کودکانه‌ام هم‌چون پروانهٔ شوق در آن می‌پرید، در سموم این عقل بی‌درد پژمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی به این علم عددیین آلود» در کدام گزینه درست است؟

- ۱ نسبی، مطلق، نسبی، نسبی، مطلق، نسبی، فاعلی
- ۲ مفعولی، مطلق، نسبی، مطلق، نسبی، نسبی
- ۳ نسبی، مطلق، نسبی، مطلق، نسبی، فاعلی
- ۴ مفعولی، نسبی، مطلق، نسبی، مطلق، نسبی، فاعلی

۲۲۷ در کدام بیت «این» نقش «صفت» دارد؟

- ۱ برآمد برین روزگار دراز
- ۲ بزَن زخم، این مرهم عاشق است
- ۳ ای که منظور بینی و تأمل نکنی
- ۴ گر بلایی رو نماید، رو متاب
- ۵ کشید اژدهافش به تنگی فراز
- ۶ که بی‌زخم مردن، غم عاشق است
- ۷ گر تو را قوت این هست، مرا امکان نیست
- ۸ کز بلا این کار ما بالا شود

۲۲۸ در همهٔ ابیات به استثنای واژه‌ای به کار رفته که معنای پیشین خود را از دست داده‌است و امروزه با معنای جدید به کار می‌رود.

- ۱ چه حاجت که نه کرسی آسمان / نهی زیر پای قزل ارسلان؟
- ۲ هر ملک وجودی که به شوخی بگرفتی / سلطان خیالت بنشاندی به خلافت
- ۳ آچار سخن چیست؟ معانی و عبارت / نونو سخن آری چو فراز آمدت آچار
- ۴ به خون و به مغز اندرون خار و خاک / شده غرق و برگستوان چاک چاک

۲۲۹ در کدام بیت واژه‌های یافت می‌شود که با حفظ معنای قدیم معنای جدید پذیرفته است؟

- ۱ عنان مپیچ که گر می‌زنی به شمشیرم / سپر کنم سر و دست ندارم از فتراک / چنین که غمزۀ شوخ تو مست و مخمور است / چرا به گوشۀ محراب می‌کند بازی
- ۳ شخصی که تر از شربت تو شد جگر او / لب خشک نماند به همه عمر چو سوفار / به گیسوی تو خوردم دوش سوگند / که من از پای تو سر برنگیرم

۲۳۰ پسوند «ان» در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ کاربرد دوگانه‌ای دارد.

- ۱ افزون ز گه کوهان او از عاج تر دندان او / از تیرها مژگان او از نوک سوافرش دهان
- ۲ چون بساط خسروان است از طرایف بوستان / چون درفش کاویان است از جواهر میوه‌دار
- ۳ گر شبانگه مشود دیدهٔ ابری گریان / بامدادان به چمن غنچهٔ خندانی نیست
- ۴ چه سازد با دل افسردگان شور نوای من / نمک در دیدهٔ غافل نهادان خواب می‌گردد

۲۳۱ نقش قسمت مشخص شده در کدام گزینه با گزینه‌های دیگر یکسان نیست؟

- ۱ چنین آن دو ماهر در آداب ضرب / ز هم رد نمودند هفتاد حرب
- ۲ دم تیغ بر گردش چون رسید / سرِ عمرو صد گام از تن پرید
- ۳ برافراخت پس دست خبیر گشا / پی سر بریدن بیفشرد پا
- ۴ چو نمود رخ شاهد آرزو / به هم حمله کردند باز از دو سو

۲۳۲ معنای فعل از مصدر «ایستادن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱ با سینهٔ گشاده در آماجگاه خاک / بی‌اضطراب هم‌چو هدف ایستاده‌ایم
- ۲ صف دشمن تو را نایستد پیش / ور همه آهنین تو را باشد
- ۳ گوش تو زی بانگ اوست و خواندن او را / بر سر کوی ایستاده‌ای به بهانه
- ۴ عارف چو بحر باید، لب خشک و رخ گشاده / بر جای خود چو بحری جوشان و ایستاده

۲۳۳ تعداد ترکیب‌های وصفی در مقابل همهٔ ابیات درست بیان شده است، به جز

- ۱ برگ درختان سبز پیش خداوند هوش / هر ورقی دفتری است معرفت کردگار (دو)
- ۲ ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش / دلم از عشوهٔ شیرین شکرخای تو خوش (چهار)
- ۳ با چون تو حریفی به چنین جای در این وقت / گر باده خورم خمر بهشتی نه حرام است (دو)
- ۴ اگر آن طایر قدسی ز درم باز آید / عمر بگذشته به پیرانه سرم باز آید (سه)

۲۳۴ در کدام گزینه حرف «را» بین مضاف و مضاف الیه فاصله ایجاد کرده است؟

- ۱ آن کس شیخ را گفت: «خدایت در بهشت کناد شیخ گفت: در آن جا جز شلان و کوران نباشند»
- ۲ درویشی حکایتی چند از آن شیخ خواست آن را می‌نوشتم؛ شیخ گفت: حکایت نویس مباش.
- ۳ بی خویشتن ننشسته بود، خواجه وار، شیخ ما را چشم بر وی افتاد. شیخ با کشتی خلقی بکرد.
- ۴ روزی درویشی را بنشانده تا از حکایت‌های شیخ ما، او را چیزی می‌نوشتم.

۲۳۵ نوع دستوری «را» در کدام گزینه با گزینه‌های دیگر تفاوت دارد؟

- ۱ چه باشد گر خورم صدسال تیمار / چو بینم دوست را یک روز دیدار
- ۲ مرا تا عشق صبر از دل براندست / بدین امید جان من بماندست
- ۳ نبینی آن که دارد بلبلی را / که از بانگش طرب خیزد دلی را
- ۴ تو را در دل درخت مهربانی / به چه ماند؟ به گلزار خزانی

۲۳۶ همهٔ واژه‌های گزینهٔ دو به دو به لحاظ رابطهٔ معنایی در یک حوزه قرار می‌گیرند.

- ۱ ادربار و اقبال - درویش و غنی - یقین و شک - عشق و عقل
 ۲ خویش و فامیل - دون و پست - نژد و غمگین - فخر و عار
 ۳ جیب و گریبان - اجل و حیات - ضایع و تباہ - مناجات و تحمیدیه
 ۴ حلاوت و شیرینی - مغز و پوست - بخشش و کرم - خرد و رای

۲۳۷ ترکیب مشخص شده در همهٔ گزینه‌ها ترکیب وصفی است به استثنای گزینهٔ

- ۱ با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمان گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
 ۲ فخری که از وسیلت دون همتی رسد گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار
 ۳ گریهٔ شام و سحر سُکر که ضایع نگشت قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد
 ۴ معیار دوستان دغل روز حاجت است قرضی برای تجربه از دوستان طلب

۲۳۸ معنای «شد» در کدام یک از ابیات زیر با بقیه متفاوت است؟

- ۱ نرگس ساقی بخواند آیت افسونگری حلقةٔ اوراد ما مجلس افسانه شد
 ۲ منزل حافظ کنون بارگه پادشاست دل بر دلدار رفت جان بر جانانه شد
 ۳ زاهد خلوت‌نشین دوش به میخانه شد از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد
 ۴ ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

۲۳۹ در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ «نقش تبعی» به کار رفته است.

- ۱ در چشم پاک‌بین نبود رسم امتیاز در آفتاب، سایهٔ شاه و گدا یکی است
 ۲ تو خود وصال دگر بودی ای نسیم وصال خطا نگر که دل امید در وفای تو بست
 ۳ ساقی بیا و باده ده اکنون که فرصت است مطرب بزنی ترانه که فرصت غنیمت است
 ۴ از جفای تو من زار چو رفتم، رفتم لطف کن که این بار چو رفتم، رفتم

۲۴۰ نقش کلماتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده به ترتیب در کدام گزینه درست آمده است؟

- ۱ مفعول، نهاد، حرف ربط، نهاد ۲ متمم، مفعول، متمم، متمم ۳ مفعول، مفعول، متمم، متمم ۴ نهاد، منادا، حرف ربط، متمم

۲۴۱ در کدام عبارت، وابستهٔ مضاف‌الیه واژهٔ «وندی» است؟

- ۱ طنین قاطع کندندهٔ فرمان وحی در فضای درون من نخستین صدای زنگ‌های این کاروان رحیل کرده به سوی حج
 ۲ طین قاطع کندندهٔ فرمان وحی در فضای درون من اعتراض شاعر به مخالفان و بدگویان برای اثبات بی‌گناهی خویش
 ۳ قناعت به حداقل ضرورت، لازمهٔ رسیدن به اوج مراتب انسانی

۲۴۲ ابیات کدام گزینه با مفهوم بیت زیر قرابت معنایی دارند؟

- «خرد را گر نبخشد روشنایی
 الف) وگر زان زلف بندی بر گشایی
 ب) خرد را تو روشن بصر کرده‌ای
 ج) خرد بخشید تا او را شناسیم
 د) مهره‌کش رشتهٔ باریک عقل
- بماند تا ابد در تیره‌رایی»
 چراغ عقل یابد روشنایی
 چراغ هدایت تو بر کرده‌ای
 بصارت داد تا هم زو هراسیم
 روشنی دیدهٔ تاریک عقل
- ۱ ج - الف
 ۲ د - ج
 ۳ د - ب
 ۴ الف - ب

۲۴۳ مفهوم کنایی کدام بیت در مقابل آن نادرست است؟

- ۱ سیلاب ریشهٔ ما نتواند از زمین کند / خار علایق از بس دامان ما گرفته (پایداری)
 ۲ خویش را پیش تر از مرگ خبر باید کرد / در حصر فکر سرانجام سفر باید کرد (پیش بینی و عدم غفلت)
 ۳ آن چه از ریخت به پیمانهٔ ما نوشیدیم / اگر از خمر بهشت است و گر از بادهٔ مست (تسلیم و رضا)
 ۴ به هواداری او دَرّه صفت رقص کنان / تا لب چشمهٔ خورشید درخشان بروم (کشش و کوشش)

۲۴۴ کدام دو بیت با هم قرابت مفهومی ندارند؟

- | | |
|---|----|
| تتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی | ۱ |
| سعدی از آن جا که فهم اوست سخن گفت | ۲ |
| یکی را به سر برنهد تاج بخت | ۳ |
| همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو پیوشی | ۴ |
| مگر تو خود به خموشی ثنای خود گویی | ۵ |
| خود نه زبان در دهان عارف مدهوش | ۶ |
| حسننت به ازل نظر چو در کارم کرد | ۷ |
| پیش از آن کاندز جهان باغ و می و انگور بود | ۸ |
| تتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی | ۹ |
| ورنه کمال تو، وهم کی رسد آن جا | ۱۰ |
| یکی را به خاک اندر آرد ز تخت | ۱۱ |
| همه بیشی تو بگاهی، همی کمی تو فزایی | ۱۲ |
| وگر نه هیچ زبان در خور ثنای تو نیست | ۱۳ |
| حمد و ثنا می کند که موی بر اعضا | ۱۴ |
| بنمود جمال و عاشق زارم کرد | ۱۵ |
| از شراب لایزالی جان ما مخمور بود | ۱۶ |

۲۴۵ مفهوم عبارت «كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَىٰ أَصْلِهِ» در کدام بیت وجود ندارد؟

- | | |
|-------------------------------|---|
| مادر فرزند، جویای وی است | ۱ |
| سیر جسم خشک، بر خشکی فُتاد | ۲ |
| جان، گشاده سوی گردون بال ها | ۳ |
| دل تو را در کوی اهل دل کشد | ۴ |
| اصل ها مر فرع ها را در پی است | ۵ |
| سیر جان، پا در دل دریا نهاد | ۶ |
| تن، زده اندر زمین چنگال ها | ۷ |
| تن تو را در حبس آب و گل کشد | ۸ |

۲۴۶ بیت زیر با همه آبیات تقابل مفهومی دارد؛ به جز

- | | |
|--------------------------------------|----|
| مگو سوخت جان من از فرط عشق | ۱ |
| بند لب عاشق نشود مهر خموشی | ۲ |
| فکر تو خموشی است «حزین» از سخن عشق | ۳ |
| در انجمن عشق که گفتار خموشی است | ۴ |
| صحبت عشق و خموشی در نمی گیرد به هم | ۵ |
| خموشی است هان اولین شرط عشق» | ۶ |
| در نی گرهی نیست که منقار نگردد | ۷ |
| این کهنه شرابی است که از جوش فتاده | ۸ |
| خاموش نشستن ز سخندانی عقل است | ۹ |
| می شکافد سنگ را از شوخ چشمی این شرار | ۱۰ |

۲۴۷ عبارت زیر با کدام گزینه قرابت مفهومی ندارد؟

- | | |
|---|---|
| «طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی داد و به نرمی و حُسن خلق، آنان را به راه راست می آورد.» | ۱ |
| چه کند سیل گران سنگ، به همواری دشت | ۲ |
| وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم | ۳ |
| درشتی و نرمی به هم در به است | ۴ |
| ملول از همراهن بودن طریق کاروانی نیست | ۵ |
| خاک در دیده دشمن به مدارا زده ام | ۶ |
| که در طریقت ما کافری است رنجیدن | ۷ |
| چو رگزن که جراح و مرهم نه است | ۸ |
| بکش دشواری منزل به یاد عهد آسانی | ۹ |

۲۴۸ کدام گزینه با مصراع «همه بیشی تو بگاهی همه کمی تو فزایی» ارتباط معنایی دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|---|
| اگر عزّ و جاه است و گر ذلّ و قید | ۱ |
| هر گز بلندکرده بخت مباد پست | ۲ |
| چونان که فزودی بگاهی، ابراک (زیرا که) | ۳ |
| این دولت من بس که منم بنده تو | ۴ |
| من از حق شناسم نه از عمرو و زید | ۵ |
| هر گز عزیز کرده جودت مباد خوار | ۶ |
| بر سیرت و بر عادت گیاهی | ۷ |
| این عزّت من بس که خداوند تویی | ۸ |

۲۴۹ در کدام بیت، آرایه تناقض (پارادوکس) مشهود است؟

- | | |
|--|---|
| شب رفت صبح آمد، غم رفت فتوح آمد | ۱ |
| خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند | ۲ |
| ای یوسف خوش نام ما، خوش می روی بر بام ما | ۳ |
| آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است | ۴ |
| خورشید درخشان شد تا باد چنین بادا | ۵ |
| ساقی بده بشارت رندان پارسا را | ۶ |
| ای در شکسته جام ما، ای بر بریده دام ما | ۷ |
| با دوستان مروّت با دشمنان مدارا | ۸ |

۲۵۰ کدام بیت با سایر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

- | | | | |
|---|--|---|---------------------------------------|
| ۱ | چو روزی به سعی آوری سوی خویش | ۱ | مکن تکیه بر زور بازوی خویش |
| ۲ | بخور تا توانی به بازوی خویش | ۲ | که سعیت بود در ترازوی خویش |
| ۳ | ز دانایی چو دم زد رزق را از محض دانایی | ۳ | ز سعی خویش می‌داند زهی انسان و کفرانش |
| ۴ | کس به مقصد کی رسد از سعی خویش | ۴ | کوشش ما سر به سر بی‌حاصل است |

۲۵۱ فقط بیت گزینه با دیگر ابیات تناسب معنایی ندارد.

- | | | | |
|---|------------------------------------|---|---------------------------------------|
| ۱ | بر نیاید شعله را از سر، هوای سرکشی | ۱ | نفس چون از دل برآرد ریشهٔ حبّ جاه را؟ |
| ۲ | مرغی که ز دام نفس خود رست | ۲ | هر جای که بر پرد، نترسد |
| ۳ | اهل صیقل رسته‌اند از بوی و رنگ | ۳ | هر دمی بینند خوبی بی‌درنگ |
| ۴ | از چنبر نفس، رسته بودند آنها | ۴ | بت‌ها همه را شکسته بودند آنها |

۲۵۲ مفهوم همهٔ ابیات به جز بیت با یکدیگر قرابت دارد.

- | | | | |
|---|-----------------------------------|---|---------------------------------------|
| ۱ | جسم خاکی است حجاب نظر راهروان | ۱ | سیل چون گرد ره از خویش فشانند، دریاست |
| ۲ | با حجاب تن خاکی نتوان واصل شد | ۲ | کوزهٔ خود بشکن، لب به لب جو بگذار |
| ۳ | مسوز این تن خاکی ز تاب آتش خشم | ۳ | که خاک را نبود تاب هیچ‌گونه عذاب |
| ۴ | بگشای دو دست خود گر میل کنار استت | ۴ | بشکن بت خاکی را تا روی بتان بینی |

۲۵۳ مفهوم کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

«با بال شکسته پَر گشودن، هنر است / این را همهٔ پرندگان می‌دانند»

- | | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | پای شکسته گرچه به جایی نمی‌رسد / آه شکستگان به اثر زود می‌رسد | ۱ | مرغ شکسته بال دل من که روز و شب / پرواز در هوای رخ یار می‌کند |
| ۲ | اقبال بین که از پی طی ره وصال / پرواز داده شوق به مرغ شکسته بال | ۲ | دل‌ها از آن مسخّر من شد که همچو زلف / پرواز من همیشه به بال شکسته بود |

۲۵۴ مفهوم بیت زیرا با همهٔ ابیات به جز قرابت دارد.

«رزق هر چند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جُستن از درها»

- | | | | |
|---|--|---|---------------------------------------|
| ۱ | رزق بی‌کوشش نمی‌آید به کف، حرف است این | ۱ | نیم نانی می‌رسد تا نیم جانی در تن است |
| ۲ | این که روزی بی‌تردد می‌رسد، افسانه است | ۲ | پنجهٔ کوشش کلید رزق را دندان است |
| ۳ | شد به لب وا کردنی گنجینهٔ گوهر صدف | ۳ | در تلاش رزق، آدم بی‌دهن باشد چرا |
| ۴ | من از رسیدن روزی به خویش دانستم | ۴ | که رزق مردم بی‌دست و پا خدا دادست |

۲۵۵ مفهوم بیت زیر در کدام بیت وجود ندارد؟

«در نیابد حال پخته هیچ خام

- | | | | |
|---|------------------------------------|---|--------------------------------------|
| ۱ | فریاد من از سوختگی هاست چو آتش | ۱ | چون باده ز خامی نبود جوش و خروشم |
| ۲ | تا نسوزد بر نیاید بوی عود | ۲ | پخته داند کاین سخن با خام نیست |
| ۳ | آتش روی تو زین گونه که در خلق گرفت | ۳ | عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است |
| ۴ | دردا که پیخیم در این سوز نهانی | ۴ | وان را خبر از آتش ما نیست که خام است |

۲۵۶ مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تناسب ندارد؟

- ۱) گر بیاید مرد باری خیز و در میدان بمیر / مرگ در میدان به از مرگی که اندر بستر است
- ۲) مردن اندر شیرمردی بهتر از ننگ فرا / کآدمی را عاقبت سیل فنا در معبر است
- ۳) صلح اگر خواهی به ساز و برگ لشکر کوش از آنک / بیش ترسد دشمن از تیغی که بیشش جوهر است
- ۴) قتلگاه خویش را با دیده‌ی خواری مبین / زان که آن جا قصر حورالعین و حوض کوثر است

۲۵۷ عبارت زیر با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

«هر درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم به وجود آن تازه آید و گاهی به عدم آن پژمرده شود و سرو را هیچ از آن نیست و همه وقتی خوش است.»

- ۱) به همت می‌توان قطع تعلق کرد از دنیا
 - ۲) گرچه چون سرو تماشاگاه اهل نظر
 - ۳) قمریان را عقده‌ای ای سرو از دل باز کن
 - ۴) ندارد نشئه‌ی آزادی ما ساغر دیگر
- سلاحی نیست از شمشیر بالاتر سپاهی را
از جهان جز گره دل ثمری نیست مرا
تا به کی بیکار بتوان داشت چندین دست را
غبار دامن افشاندن به صحرا می‌برد ما را

۲۵۸ بیت زیر، با همه‌ی ابیات قرابت مفهومی دارد، به جز:

«چون شیر به خود سپه‌شکن باش / فرزند خصال خویشتن باش»

- ۱) پارسا باش و نسبت از خود کن \ پارسازادگی ادب نبود
- ۲) چو کنعان را طبیعت بی‌هنر بود \ پیمبرزادگی قدرش نیفزود
- ۳) نباید کند جز که نام نکو \ خردمند زین زیستن آرزو
- ۴) هنر بنمای اگر داری نه گوهر \ گل از خار است و ابراهیم از آزر

۲۵۹ کدام یک از ابیات زیر با بیت «دانست که دل، اسیر دارد / دردی نه دواپذیر دارد» تناسب معنایی ندارد؟

- ۱) طیب از من به جان آمد که سعدی قصه کوتاه کن
 - ۲) آن را که چنین دردی از پای دراندازد
 - ۳) در علاج درد ما رنگ از رخ تدبیر ریخت
 - ۴) عاشق آشفته فرمان کی برد
- که دردت را نمی‌دانم برون از صبر درمانی
باید که فروشود دست از همه درمان‌ها
دید تا ویرانی ما را دل تعمیر ریخت
درد درمان سوز درمان کی برد

۲۶۰ بیت: «تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی / گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) آشنایی‌های آن بیگانه پرور بین که من
 - ۲) دعوی عشق ز هر بلهوسی می‌آید
 - ۳) نیست پروا تلخ کامان را ز تلخی‌های عشق
 - ۴) حرف از صفای سینه مگو پیش زاهدان
- می‌خورم در آشنایی حسرت بیگانه را
دست بر سر زدن از هر مگسی می‌آید
آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است
آئینه پیش طلعت این زنگیان مگیر

۲۶۱ متن زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«کجا هستند پادشاهانی که به هنگام نوشیدن ساغر مرگ، در این کاخ‌ها، فرمانروایی می‌کردند؟ چه بناهایی که صبح برپا بود و عصر ویران گشت.»

- ۱) در تاب توبه چند توان سوخت همچو عود
 - ۲) گفتم ای مسند جم جام جهان بینت کو
 - ۳) دهان تنگ شیرینت مگر ملک سلیمان است
 - ۴) عمرتان بادا دراز ای ساقیان بزم جمع
- می‌ده که عمر در سر سودای خام رفت
گفت افسوس که آن دولت بیدار بخت
که نقش خاتم لعلش جهان زیر نگین دارد
گرچه جام ما نشد پُر می به دوران شما

۲۶۲ فقط بیت گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارد.

«نانم افزود و آبرویم کاست / بینوایی به از مدلت خواست»

- ۱) خرابی باعث تعمیر باشد بینوایی را
 - ۲) «فیاض» طعن خواری ما بیش از این مزین
 - ۳) برگ عیش بی‌خزان در بینوایی یافتم
 - ۴) دست طلب چو پیش کسان می‌کنی دراز
- که کوری کاسه در یوزه می‌گردد گدایی را
عزت بود به خاک مدلت نشست ما
آن چه می‌جستم ز شاهی در گدایی یافتم
پل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش

۲۶۳ مفهوم عبارت: «مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر، گریزان هستند، آخر چشمشان را می‌زند و خسته‌شان می‌کند.» در کدام گزینه یافت نمی‌شود؟

- ۱ تو خود روشندل و صاحب نظر باش
- ۲ نور خورشید در جهان فاش است
- ۳ تو را که چشم ز نور ستاره خیره شود
- ۴ تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون
- چه سود از بند نایناست خفاش
- آفت از ضعف چشم خفاش است
- ز آفتاب حقیقت چه در توانی یافت؟
- کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد؟

۲۶۴ مفهوم کلی دو بیت با یکدیگر تقابل دارد؟

- الف- نه سایه دارم و نه بر یی‌فکندم و سزاست
 - ب- اگر برگ و بری داری ز خود بفشان که پیوسته
 - ج- درخت اگر متحرک شدی ز جای به جای
 - د- جانث را دانش نگه دارد ز دوزخ همچنانک
 - اگر نه بر درخت تر کسی تبر نمی‌زند
 - تبر پیوند اینجا با درخت بارور دارد
 - نه جور آره کشیدی و نی جفای تیر
 - بر نگه دارد درختان را ز آتش و ز تبر
- ۱ الف - ج ۲ ج - د ۳ ب - ج ۴ الف - ب

۲۶۵ قسمت مشخص شده، در کدام گزینه به معنی «توجه نکردن و باور نداشتن» است؟

- ۱ خروشید کای پایمردان دیو
- ۲ به نیروی یزدان نیکی دهش
- ۳ نباشم بدین محضر اندر گوا
- ۴ برین رزمگه شان به جنگ آوریم
- بریده دل از ترس گیهان خدیو
- کزین کوه آتش نیابم تپش
- نه هرگز بر اندیشم از پادشا
- خود ایدر زمانی درنگ آوریم

۲۶۶ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ من به‌وصفت کی رسم جایی که با کلّ کمال
- ۲ خاطر ما وصف ذاتش چون تواند گفت چون؟
- ۳ چون من حیران توانم از تماشایش گذشت؟
- ۴ چگونه وصف جمالش کنم که حیران را
- در بیابان تحیر عقل سرگردان اوست
- ناطقه مدهوش و دل سرگشته، جان حیران اوست
- آب نتوانست از آن سرو خرامان بگذرد
- مجال نطق نباشد که باز گوید چون

۲۶۷ کدام گزینه به مفهوم بیت زیر نزدیک‌تر است؟

«کمال عقل آن باشد در این راه»

- ۱ توانا و دانا و دارنده اوست
- ۲ به نام خداوند جان و خرد
- ۳ در جلالش عقل و جان فرتوت شد
- ۴ گوش آن کس نوشد اسرار جلال
- خرد را و جان را نگارنده اوست
- کزین برتر اندیشه برنگذرد
- عقل حیران گشت و جان میهوت شد
- کو چو سوسن صد زبان افتاد و لال

۲۶۸ مفهوم «عزیزترین رفقای من، حسن سیرت را با صباحت توأم داشت.» با کدام گزینه قرابت دارد؟

- ۱ ذات او راست صفات ملکی و بشری
- ۲ من آن را آدمی دانم که دارد سیرت نیکو
- ۳ سیرت مرد نگر در گذر از صورت و ریش
- ۴ ای صاحبی که صورت و شکل مبارکت
- که به سیرت ملک است او و به صورت بشر است
- مرا چه مصلحت با آن که این گبرست و آن ترسا
- کان گیا کش بنگارند نچینند برش
- مر سیرت بدیع تو را ترجمان فتاد

۲۶۹ کدام بیت با عبارت «مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.» تناسب مفهومی دارد؟

- ۱ طریقت به‌جز خدمت خلق نیست
- ۲ لاف آن بهتر که در میدان سربازان ز نیم
- ۳ از خلق نهفته چند باشی
- ۴ شرط مردی نیست در خلوت خدا را داشتن
- به تسبیح و سجاده و دلخ نیست
- شرط دعوی نیست تنها گوی و چوگان باختن
- ناسوده نخفته چند باشی
- مرد آن است در میان مردمان با حق بود

۲۷۰ کدام گزینه با مفهوم عبارت «وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد.» تناسب دارد؟

- ۱ کناره گیر ز مردم صفای وقت بین
- ۲ اگر پای در دامن آری چو کوه
- ۳ وحشت چو رو دهد همه جا کنج عزلت است
- ۴ تلاش گوشه نشینی ز بوچ مغزی هاست
- ۱ که قطره گوشه گرفت از محیط، گوهر گشت
- ۲ سرت ز آسمان بگذرد در شکوه
- ۳ رفتن به کوه و دشت و بیابان چه لازم است
- ۴ خلوت تو همان پر هواست هم چو حباب

۲۷۱ کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی ندارد؟

- «به آنچه می گذرد دل منه که دجله بسی
نظامی نیست دنیا را دلا از عهد او بگسل
- ۱ پیر ما گفت جهان بر روشی محکم نیست
 - ۲ دولت ده روزه دنیا بود نقشی بر آب
 - ۳ حب دنیا بت بود دل خانه حق ای عجب
 - ۴ پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد»
 - ۱ منه بر کار دنیا دل که دنیا بی ثبات آمد
 - ۲ از خوش و ناخوش او قطع نظر باید کرد
 - ۳ دل به نقش موج دریای بی لنگر منه
 - ۴ در درون خانه حق بت نهان کردن چرا

۲۷۲ بیت «به آن چه می گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد» با کدام بیت قرابت معنایی ندارد؟

- ۱ در عالم فنا که بقا پا به رکاب است
- ۲ جهان پیر است و بی بنیاد، از این فرهادکش فریاد
- ۳ جهان پیر رعنا را ترخم در جلت نیست
- ۴ دامنم دجله بغداد شد از حسرت آن
- ۱ گر زندگی خضر بود، نقش بر آب است
- ۲ که کرد افسون و نیرنگش ملول از جان شیرینم
- ۳ ز مهر او چه می پرسی در او همت چه می بندی؟!
- ۴ که نسیمی رسد از جانب بغداد مرا

۲۷۳ مفهوم مقابل بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست»
- ۱ آن دوست زهر ذره خود را به شما بنمود
 - ۲ صبر هم سودی ندارد کآب چشم
 - ۳ گفتم به نیرنگ و فسون پنهان کنم ریش درون
 - ۴ بر او علم یک ذره پوشیده نیست
 - ۱ در مشرق و در مغرب یک دیده بینا کو
 - ۲ راز پنهان آشکارا می کند
 - ۳ پنهان نمی ماند که خون بر آستانم می رود
 - ۴ که پیدا و پنهان به نزدش یکی است

۲۷۴ مفهوم کدام گزینه با بیت «هلا منکر جان و جانان ما / بزنی زخم انکار بر جان ما» تناسب دارد؟

- ۱ دل به جز انکار زهد، کار ندارد اگر
- ۲ بس که از پهلونشینیان زخم منکر خورده ام
- ۳ شمعم ز دم سرد خسان باک ندارد
- ۴ زخم دلخواهی که خورد از دست جانان «محتشم»
- ۱ کار تو داری دلا، چون به از این کار نیست
- ۲ می خلد بند قبا چون تیر در پهلوی من
- ۳ خورشید ز صرصر نکند هیچ محابا (صرصر: باد سخت و سرد)
- ۴ مدعی از رشک خواهد شد به جای او هلاک

۲۷۵ مفهوم آیه «تُعْزُ مِنْ تَشَاءُ وَ تُدَلُّ مِنْ تَشَاءُ» با کدام بیت، متناسب است؟

- ۱ آن که را کردگار کرد عزیز
- ۲ آن که خود را شناخت نتواند
- ۳ آن که عیب تو گفت ، یار تو اوست
- ۴ آن که با طمع سرو کار است
- ۱ نتواند زمانه خوار کند
- ۲ آفریننده را کجا داند
- ۳ وان که پوشیده داشت، مار تو اوست
- ۴ گر عزیز جهان بود خوار است

۲۷۶ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ بلبلی را که به دیدار ز گل قانع شد
- ۲ باش خرسند چو مردان به قناعت صائب
- ۳ مورم اما خوشه چین خرمن دونان نیام
- ۴ دل قانع ز احسان کریمان است مستغنی
- ۱ در اگر بسته شود رخنه و دیواری هست
- ۲ که فقیر از دل خرسند توانگر گردد
- ۳ می کنم شکر به اکسیر قناعت خاک را
- ۴ به آب تلخ دریا احتیاجی نیست گوهر را

۲۷۷ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ نیفتد با کسی ما را سر و کار
- ۲ نبود به ناز بالش مردم مرا نیاز
- ۳ محتاج به می نیست رخ لاله عذاران
- ۴ در بزم ما به باده و جام احتیاج نیست
- ۱ که خود هم توشه داریم و هم انبار
- ۲ کز دست خود بود چو سبو تکیه گاه من
- ۳ این جام ز خود باده گلرنگ بر آرد
- ۴ ما را بس است مستی ذکر مدام دوست

۲۷۸ کدام بیت مفهوم «قناعت» را می‌رساند؟

- ۱ غم دنیای دنی چند خوری باده بخور
- ۲ خلعت دنیا زیاد از خویشتن دردرس است
- ۳ تو را هر گوهر گوید مشو قانع به حسن من
- ۴ گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است
- ۱ حیف باشد دل دانا که مشوش باشد
- ۲ آن چه می آید زیاد از آستین، چین می شود
- ۳ که از شمع ضمیر است آن که نوری در جبین دارم
- ۴ اسیر عشق تو از هر دو عالم آزاد است

۲۷۹ بیت: «هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روز گار وصل خویش» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- ۱ دل، قطره‌ای ز شبنم دریای عشق اوست
- ۲ سیل دریا دیده، هر گز بر نمی‌گردد به خود
- ۳ چون ز دریا سوی ساحل بازگشت
- ۴ سروری را اصل و گوهر برترین سرمایه است
- ۱ کز راه دیده به دریا همی رود
- ۲ نیست ممکن هر که مجنون شد دگر عاقل شود
- ۳ چنگ شعر مثنوی با ساز گشت
- ۴ مردم بی اصل و بی گوهر نیابد سروری

۲۸۰ بیت «بشنو، از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند» با کدام بیت تقابل مفهومی دارد؟

- ۱ سینه مالا مال درد است، ای دریغا مرهمی
- ۲ عاشق بیدار را دیدار آرد در خروم
- ۳ دلم از جور تو بسیار شکایت دارد
- ۴ دارم دلی که سوخته اشتیاق اوست
- ۱ دل ز تنهایی به جان آمد خدا را مرهمی
- ۲ عندلیب از شوق گل فریاد و زاری می‌کند
- ۳ وقت آن شد که شکایت به حکایت آرد
- ۴ جز وصل او چه چاره بود اشتیاق را

۲۸۱ مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱ در نمی‌گیرد به ارباب خرد افسون عشق
- ۲ نیست تدبیر خرد را در جهان عشق کار
- ۳ مایه پرهیزگار قوت صبر است و عقل
- ۴ عقل کجا پی برد شیوه سودای عشق
- ۱ گر نه‌ای بیکار، خون مرده را تلقین مکن
- ۲ ناخدا و تخته کشتی در این دریا یکی است
- ۳ عقل گرفتار عشق صبر زبون هواست
- ۴ باز نیایی به عقل سدّ معمای عشق

۲۸۲ کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «باز آ که در هوایت خاموشی جنونم
- ۱ فریاد کز غم تو فریادرس ندارم
 - ۲ کوه از سیل سرشکم در صدا آید، بلی
 - ۳ اگر این داغ جگر سوز که بر جان من است
 - ۴ سنگ را در ناله می‌آرد وداع دوستان
 - ۱ فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران»
 - ۲ با که نفس بر آرم چون هم نفس ندارم
 - ۳ گریه من سنگ را در ناله زار آورد
 - ۴ بر دل کوه نهی سنگ به آواز آید
 - ۵ بیستون فریادها در ماتم فرهاد کرد

۲۸۳ مفهوم همه ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد.

- ۱) لام با نیم پختگان نتوان گفت سوز عشق / خام از عذاب سوختگان بی خبر بود
- ۲) در نیاید حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والس
- ۳) بسیار سفر باید تا پخته شود خامی / صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی
- ۴) پیر میخانه چه خوش گفت به دُردی کش خویش / که مگو حال دل سوخته با خامی

۲۸۴ مفهوم بیت زیر از کدام بیت دریافت می شود؟

«حسنّت به ازل نظر چو در کارم کرد / بنمود جمال و عاشق زارم کرد»

- ۱) جامه دلبری و حسن به ابریشم ناز
 - ۲) گرچه تو را از ازل حسن خداداد بود
 - ۳) جز ددمه عشق تو در گوش نماند
 - ۴) عشق از لذت دیدار سراپا نظر است
- بر قد سرو تو استاد ازل دوخته است
- عشق که بود این که داد حسن تو را این رواج
- جان را ز حلاوت ازل هوش نماند
- حسن مشتاق نمود است و عیان خواهد بود

۲۸۵ کدام گزینه با بیت «پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست / آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست» قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) روشن گه‌ری، پرده در راز نهان است / از چشم تو می خوردن پنهان تو گل کرد
- ۲) نور چشم مردم است از دیده مردم نهان / زان سبب انگشت نمای پیر و برنا کرده‌اند
- ۳) تا نهان کردی ز من رخ، یک نفس غایب نشد / صورت روی تو از چشم خیال اندوز من
- ۴) چشم کجا بیندش از ره صورت از آنک / هست نهان جای عقل در لب خاموش او

۲۸۶ کدام بیت با سایر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) تانخوردی پشت پایی از جهان
 - ۲) گوشه‌ای و گوشه‌ای و گوشه‌ای
 - ۳) گوشه گیری کشتی نوح است در بحر وجود
 - ۴) قطره باران ز فیض گوشه گیری شد گهر
- خویش را زین گوشه گیری وارهان
- توشه‌ای و توشه‌ای و توشه‌ای
- از کشاکش وارهان جسم نزار خویش را
- زینهار از خلوت ای روشن روان بیرون میا

۲۸۷ ابیات همه گزینه‌ها به استثنای بیت گزینه با مصراع نخست بیت زیر تناسب معنایی دارند.

«برداشته دل ز کار او بخت / درماند پدر به کار او سخت»

- ۱) فلک با بخت من دایم به کینست
 - ۲) به اقبال دارای دیهیم و تخت
 - ۳) در ریاض ما نروید سرو اقبال بلند
 - ۴) تیره گون شد کوکب بخت همایون فال من
- که با من بخت و دوران هم به کینست
- بهین میوه خسروانی درخت
- بخت خرم، سبزه بیگانه بستان ماست
- واژگون گشت از سپهر واژگون اقبال من

۲۸۸ در همه ابیات به عدم تعلق و وابستگی سفارش شده است؛ به جز:

- ۱) گر بو بری زان روشنی آتش به خواب اندر زنی
 - ۲) تن را بدیدی جان نگر، گوهر بدیدی کان نگر
 - ۳) خود را بیفشان چون شجر، از برگ خشک و برگ تر
 - ۴) یک سو رو از گرداب تن، پیش از دم غرقه شدن
- کز شب روی و بندگی زهره حریف ماه شد
- این نادره ایمان نگر، که ایمان در او گمراه شد
- بی رنگ نیک و رنگ بد توحید و یک تویی بود
- زیرا بقا و خرمی زان سوی شش سوی بود

۲۸۹ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) در عهد من ز دهر مجو خوش دلی که هست
 - ۲) نظامی نیست دنیا را دلا از عهد او بگسل
 - ۳) مجو درستی عهد از جهان سست نهاد
 - ۴) دل در جهان مبند و به مستی سؤال کن
- در شیشه زمانه وجودم جهان غم
- منه بر کار دنیا دل که دنیا بی ثبات آمد
- که این عجزه عروس هزار داماد است
- از فیض جام و قصه جمشید کامگار

۲۹۰ مفهوم بیت «چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است / روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم» در همه گزینه‌ها به جز گزینه دیده می‌شود.

- | | | |
|---|-------------------------------------|------------------------------------|
| ۱ | جان گشاده سوی گردون بال‌ها | تن زده اندر زمین چنگال‌ها |
| ۲ | خود ز فلک برتریم وز ملک افزون‌تریم | زین دو چرا نگذیریم منزل ما کبریاست |
| ۳ | جان که از عالم علوی ست یقین می‌دانم | رخت خود باز بر آنم که همان جا فکنم |
| ۴ | سبزه خط تو دیدیم و ز بستان بهشت | به طلبکاری این مهر گیاه آمده‌ایم |

۲۹۱ مفهوم بیت زیر با کدام بیت، تناسب دارد؟

«بگفتا رو صبوری کن در این درد / بگفت از جان صبوری چون توان کرد»

- | | | |
|---|--|-------------------------------------|
| ۱ | ای آشنای کوی محبت صبور باش | بیداد نیکوان همه بر آشنا رود |
| ۲ | صبر کن بر نفس گرم خود ای تشنه جگر | که چو دل آب شود چشمه حیوان گردد |
| ۳ | صبوری ورز اگر خواهی که کام دل به دست آری | سرانجام همه کارت بود از صبر پا برجا |
| ۴ | هر آن کسم که نصیحت همی کند به صبوری | به هرزه باد هوا می‌دمد بر آهن سردم |

۲۹۲ هر دو بیت کدام گزینه از مفهوم بیت «عشق بازی، کار بیکاران بود / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟» دور است؟

- | | |
|---------------------------------------|--|
| الف) چرخ طفل مکتب او بود و او پیر خرد | لیکن از پیران چون او معظم نخواهی یافتن |
| ب) عاشقی خود نه کار فرزانه است | عقل در راه عشق دیوانه است |
| ج) عقل تا جوید شتر از بهر حج | رفته باشد عشق تا کوه صفا |
| د) هم عقل را معلم لطف شده ادیب | هم خلق را مفرح خلقت شده صفا |
| هـ) شود آسان ز عشق کار چند | که بود نزد عقل بسی دشوار |
| و) ای عقل نگفتم که تو در عشق نگنجی | در دولت خاقان نتوان کرد خلافت |
- ۱ ب، و ۲ الف، د ۳ ه، ج ۴ ج، د

۲۹۳ مفهوم بیت زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«نیست جانش محرم اسرار عشق / هر که را در جان غم جانانه نیست»

- | | | |
|---|--|--|
| ۱ | حدیث عشق نداند کسی که در همه عمر | به سر نکوفته باشد در سرایی را |
| ۲ | خبر از عشق نبوده است و نباشد همه عمر | هر که او را خبر از شُنع (زشتی) و رسوایی نیست |
| ۳ | دردی است درد عشق که هیچش طیب نیست | گر دردمند عشق بنالد غریب نیست |
| ۴ | هر کاهو شراب عشق نخورده است و دُرد درد | آن است کز حیات جهانیش نصیب نیست |

۲۹۴ در کدام گزینه مفاهیم «اخلاص عمل، راسخ بودن، ناکامی، تأیید الهی» به ترتیب آمده است؟

- | | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| الف) بیفشرد چون کوه پا بر زمین | بخایید دندان به دندان کین |
| ب) چو نمود رخ شاهد آرزو | به هم حمله کردند باز از دو سو |
| ج) چو غلتید در خاک آن ژنده فیل | بزد بوسه بر دست او جبرئیل |
| د) به نام خدای جهان آفرین | بینداخت شمشیر را شاه دین |
- ۱ د، الف، ب، ج ۲ ج، الف، ب، د ۳ د، الف، ج، ب ۴ ج، د، الف، ب

۲۹۵ کدام گزینه با بیت «مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان، اولین شرط عشق» تناسب دارد؟

- | | |
|---|---|
| ۱ | چند بود بیان تو، بیش مگو به جان تو / هست دل از زبان تو در غم و در نکایتی (= آزرده‌گی) |
| ۲ | مردم از بیم جان سکوت کنند / مگسان مدح عنکبوت کنند |
| ۳ | تا نبندی ز سخن لب نشود دل گویا / عیسی از مریم خاموش پذیرد گفتار |
| ۴ | خاموش «حزین» که بر نتابد / افسانه عشق را زبان‌ها |

۲۹۶

مضمون همهٔ ایبات، به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد.

- ۱ آسمان کشتی ارباب هنر می شکند
- ۲ بگیرد از تو فلک داده‌های خود به لجاج
- ۳ فلک به مردم نادان دهد زمام مراد
- ۴ دفتر دانش ما جمله بشوید به می
- تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم
- چو کودکان که متاعی دهند و پس گیرند
- تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس
- که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود

۲۹۷

مفهوم مقابل بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«تو یک ساعت، چو افریدون به میدان باش، تا زان پس / به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی»

- ۱ از هوای نفس اگر خود را کنی گردآوری / روز حشر از آتش دوزخ حصار می شود
- ۲ به عجز اقرار کن صائب و گر نه نفس سرکش را / چو شمع از سرزدن رگ‌های گردن بیش می گردد
- ۳ خویشتن را چون به راه داد و عدل و دین روی / گر چه افریدون نه‌ای بر گاه افریدون کنی
- ۴ دست آهنگر مرا در مار ضحاک کشید / گنج افریدون چه سود اندر دل دانای من

۲۹۸

بیت «من نکردم خلق تا سودی کنم / بلکه تا بر بندگان جودی کنم» با مفهوم کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

- ۱ عشق دریایی کرانه ناپدید
- ۲ نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی
- ۳ تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی
- ۴ زشت باید دید و انگارید خوب
- کی توان کردن شنا ای هوشمند؟
- نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
- تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی
- زهر باید خورد و انگارید قند

۲۹۹

مفهوم مقابل بیت «کمال عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ آگاه، در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ دیدهٔ عقل بین گزیند حق
- ۲ عقل ما رهنمای هستی اوست
- ۳ عَزَّ و صفش که روی بنماید
- ۴ آتش و آب و باد خاک سکون
- دیدهٔ رنگ بین نبیند حق
- هست‌ها زیر پای هستی اوست
- عقل را جان و عقل بر باید
- همه در امر قدرت بی چون

۳۰۰

بیت زیر، با همهٔ ایبات قرابت معنایی دارد به جز

نباید جز به خود محتاج بودن»

- ۱ گنج زری بود در آن خاکدان
- ۲ غیر، که غافل ز دل زار توست
- ۳ خواهش مرهم ز دل خویش کن
- ۴ چشم فرو بسته اگر واکنی
- چون پیری از دیدهٔ مردم نمان
- بی خبر از مصلحت کار توست
- هر چه طلب می کنی از خویش کن
- در تو بود هر چه تمنا کنی

۳۰۱

کدام بیت با عبارت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

«مردان بار را به نیروی همت کشند، نه به قوت تن.»

- ۱ همت قوی کن از مدد رهروان عشق
- ۲ شیوهٔ ارباب همت نیست جود ناتمام
- ۳ به بازو توانا نباشد سپاه
- ۴ شود مرد را قدر عالی ز همت
- کان بار را به قوت همت توان کشید
- رخصت دیدار دادی، طاقت دیدار ده
- برو همت از ناتوانان بخواه
- نه مرد است آن کس که همت ندارد

۳۰۲

مفهوم کدام گزینه با بیت «کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای» در تقابل است؟

- ۱ ز نیکی به نیکی رسد مرد از آن
- ۲ یکی جز به نیکی جهان نسپرد
- ۳ که نیکی ست اندر جهان یادگار
- ۴ تو نام ما به کار خیر بفرز
- که هر کس که او گل کند گل خورد
- همی از نژندی فروپژ مرد
- نماند به کس جاودان روزگار
- که نیکی مرد را فرخ کند روز

۳۰۳ عبارت «خاله‌ام با همه تمکنی که داشت به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود، نه از بخل بلکه از آن جهت که به بیشتر از آن احتیاج نداشت.» با همه ابیات به جز گزینه تناسب مفهومی دارد.

- ۱ ز اکسیر قناعت خاک شکر می‌تواند شد
- ۲ زان در نظر خلق عزیز است که گوهر
- ۳ کرده‌ام صائب قناعت از وصالش با خیال
- ۴ از قناعت می‌رود بیرون ز سر سودای حرص
- ۵ ز فیض سیرچشمی سنگ گوهر می‌تواند شد
- ۶ قانع شده از بحر به یک قطره آب است
- ۷ زان گل بی‌خار تسکین خارخارم می‌دهد
- ۸ ره ندارد در دل خرسند، استسقای حرص

۳۰۴ عبارت «روزی حضرت روح‌الله می‌گذشت، ابلهی با وی دچار شد و از حضرت عیسی سخنی پرسید؛ بر سیبل تَلَطَّف جوایش باز داد و آن شخص مسلّم نداشت و آغاز عربده و سفاهت نهاد. چندان که او نفرین می‌کرد، عیسی تحسین می‌نمود...» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱ آفرین را در دهان خلق نفرین کردن است
- ۲ عارفان از قهر بیش از لطف می‌یابند فیض
- ۳ بر نمی‌آید درشتی از ملایم طینتان
- ۴ جمع نسازی دل از ترخ دوران
- ۵ بر خلیل الله باغ دلگشا در آتش است
- ۶ می‌شکافد نرمی مغز استخوان پسته را
- ۷ دوستی دشمن اعتبار ندارد

۳۰۵ مفهوم بیت «گر چه خوردی هر دم از جام فلک صد گونه زهر / هم به تریاکی رسی زین چرخ گردان غم مخور» در کدام گزینه بیش تر دیده می‌شود؟

- ۱ و نیز مانند مادرم توکلی داشت که به او مقاومت و استحکام و اراده می‌بخشید.
- ۲ به این زندگی گذرا آن قدرها دل نمی‌بست که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بینگارد.
- ۳ در نظرش اگر یک روی زنگی زشت می‌شد، روی دیگری بود که بشود به آن پناه برد.
- ۴ خاله‌ام با همه تمکنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود.

۳۰۶ مفهوم عبارت «هر چه عاشق در رازپوشی بکوشد؛ باز نگاه دو دیده‌اش از سر ضمیر خبر می‌دهد.» با کدام بیت تناسب ندارد؟

- ۱ حال من دور از آن جمال می‌پرس
- ۲ تو را صبا و مرا آب دیده شد غماز
- ۳ وز از جهان سخن سر تو برون افتاد
- ۴ حال من خود در نمی‌آید به نطق
- ۵ رنگ و رویم بین و حال می‌پرس
- ۶ و گرنه عاشق و معشوق رازدارانند
- ۷ سزد که راز نگه داشتن نه کار صداست
- ۸ شرح حال اشک خونین من است

۳۰۷ عبارت: «مرد آن بود که در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخورد و بخسبد و بخرد و بفروشد و زن خواهد.» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟

- ۱ نهفته باش ز مردم که خلق دیو رهند
- ۲ ای دل تو در این روز فراغت مطلب
- ۳ در صحبت خلق جز پریشانی نیست
- ۴ نیست باز آمدن از فکر و خیال تو مرا
- ۵ فرشته اوست که از چشم خلق پنهان است
- ۶ وز مردم این زمانه راحت مطلب
- ۷ کنجی بنشین و جز قناعت مطلب
- ۸ با رفیقان موافق سفر دور خوش است

۳۰۸ مفهوم مقابل بیت «عشق بازی کار بیکاران بود / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟» در کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

- ۱ اندر اقلیم عشق بیکارند
- ۲ چو رسیدم به جای بی‌جایان
- ۳ عمر خود هر که بی‌غم عشقت
- ۴ لالابالی پیشه گیر و عاشقی بر طاق نه
- ۵ عقل‌های تهی رو پُر کار
- ۶ نکنم بیش کار بیکاران
- ۷ می‌گذارد به هرزه بی‌کار است
- ۸ عشق را در کار گیر و عقل را بی‌کار کن

۳۰۹ کدام بیت، «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

- «تعلیم ز ارّه گیر در امر معاش»
- ۱ به گیتی ز بخشش بود مرد مه
 - ۲ مدار و ببخش آن‌چه افزون بود
 - ۳ اگر هزار گنه بینی از سپهر دورنگ
 - ۴ بخل عیبی است که صد فضل پوشاند و جود
 - ۵ نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش
 - ۶ تو گر گنج‌داری ببخش و منه
 - ۷ وز اندازه خورد بیرون بود
 - ۸ بر او ببخش که بخشیدن گناه، خوش است
 - ۹ کیمیایی است که صد عیب هنر گرداند

۳۱۰ مفهوم بیت «چو بینم که درویش مسکین نخورد / به کام اندرم لقمه زهر است و درد» با کدام عبارت تناسب دارد؟

- ۱ چو من بسته باشم، اگرچه ملالت به کمال رسیده باشد - اهمال جانب من جایز نشمری.
- ۲ به طریق تعاون قوتی کنیید تا دام از جای برگیریم که رهائش ما در آن است.
- ۳ در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی تر.
- ۴ مگر تو را به نفس خویش حاجت نمی باشد و آن را بر خود حقی نمی شناسی؟

۳۱۱ مفهوم کدام گزینه در مقابل آن به درستی نیامده است؟

- ۱ در نایسته احسان گشاده‌ست / به هر کس آن چه می‌بایست داده‌ست (لطف به اندازه خدا)
- ۲ کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه (ناتوانی عشق در راستی آزمایی عاشق)
- ۳ به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی موی باشد بیش و نی کم (نظم و ترتیب حساب شده در آفرینش)
- ۴ اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادبارها اقبال گردد (قرین حال شدن لطف ایزدی موجب خوش‌بخت شدن است.)

۳۱۲ پدیدآورنده در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ «فرهاد و شیرین» نظامی
- ۲ «الهی‌نامه» سنایی
- ۳ «تحفة الاحرار» جامی
- ۴ «اسرارالتوحید» محمدبن منور

۳۱۳ متن زیر با همه ابیات قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«عامل شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر خراب شده است، آن را عمارت باید کردن. جواب نبشت که شهر را از عدل، دیوار کن؛ که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ.»

- ۱ چو خشنود داری جهان را به داد
- ۲ همه داد کن تو به گیتی درون
- ۳ به داد و دهش کوش و نیکی سگال
- ۴ اگر دادگر چند بی کس بود

توانگر بمانی و از داد شاد
که از داد هرگز نشد کس نگون
ولی را پیروز عدو را بمال
ورا راستی پاسبان بس بود

۳۱۴ مفهوم کلی همه ابیات با یکدیگر تناسب دارند؛ به جز:

- ۱ چه کوشی بهر یک گوهر به کان تیره هستی
- ۲ چرا تا زر و داروویت هست از درد بخروشی
- ۳ چو زرع و خوشه داری از چه معنی خوشه‌چین هستی
- ۴ چه زنگی می‌توان از دل ستردن با سیه‌رایی

تو خود هم گوهری گر تربیت یابی و هم کانی
چرا تا دست و بازوویت هست از کار وامانی
چو اسب و توشه داری از چه اندر راه حیرانی
چه کاری می‌توان از پیش بردن با تن آسانی

۳۱۵ مفهوم همه ی ابیات به جز بیت دعوت به ابداع و نوآوری و پرهیز از تقلید نابجا است؟

- ۱ از ره تقلید اگر حاصل شود کسب کمال
- ۲ در پس آینه طوطی صتمم ساخته اند
- ۳ خواه بد و خواه نیک هر چه کنی تازه کن
- ۴ مشو مقید همراه اگرچه توفیق است

هر که گردد خم نشین باید که افلاطون شود
آنچه استاد ازل گفت بگو می‌گویم
تن به تتبع مده مخترع کار باش
که از جریده روی کار مهر بالا رفت

۳۱۶ عبارت: «آن چه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟

- ۱ درویش را که ملک قناعت مسلم است
- ۲ گنج زر گر نبود کنج قناعت برجاست
- ۳ در قناعت که تو را دست‌رس است
- ۴ قناعت می‌کنم با درد چون درمان نمی‌بینم

درویش نام دارد و سلطان عالم است
آن که آن داد به شاهان به گدایان این داد
گر همه عزت نفس است بس است
تحمل می‌کنم با زخم چون مرهم نمی‌بینم

۳۱۷ مفهوم بیت «کدام دانه فرورفت در زمین که نرُست / چرا به دانهٔ انسانیت این گمان باشد» با همهٔ ابیات تناسب دارد به جز

- | | | |
|---|---------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱ | گر بنگری آن چنان که رای است | این مرگ نه مرگ، نقل جای است |
| ۲ | از خودآزادی، بر حق بنده می‌سازد تو را | پیش‌تر از مرگ مردن زنده می‌سازد تو را |
| ۳ | آزمودم مرگ من در زندگی است | چون رهم زین زندگی پابندگی است |
| ۴ | زنده شدند دوباره کشتگان دی | تا منکر قیامت بی‌اعتبار شد |

۳۱۸ مفهوم عبارت زیر با کدام بیت قرابت معنایی بیشتری دارد؟
«آنچه دارم از اندک مایهٔ حُطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم».

- | | | |
|---|-------------------------------|---------------------------------|
| ۱ | هرگز مشو از مقدرت ناراضی | با آنچه خدا نموده قسمت خوش باش |
| ۲ | زر و نعمت اکنون بده کان توست | که بعد از تو بیرون ز فرمان توست |
| ۳ | الوان نعمتی که نشاید سپاس گفت | اسباب راحتی که نشاید شمار کرد |
| ۴ | شکر نعمت را نکویی کن که حق | دوست دارد بندگان حق گزار |

۳۱۹ مفهوم کلی کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- | | | |
|---|------------------------------------|------------------------------------|
| ۱ | کرد ناگه قهر یزدان عجز سلطان آشکار | قهر یزدانی بین و عجز سلطانی نگر |
| ۲ | کز صحت بیماری شخص تو بدیدم | بخشایش جبار، پس از قدرت جبار |
| ۳ | تیغ قهر تو سرفرازان را | سر بُرد، پس به سر دهد جان را |
| ۴ | ملک‌العرش پس از قدرت، رحمت بنمود | قدرت و رحمت او خلق جهان را عبر است |

۳۲۰ عبارت «بارها از تو گفته‌ام از تو / بارها از تو، بارها با تو / ای حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق / ای همه استعاره‌ها با تو، با همهٔ گزینه‌ها به جز قرابت معنایی دارد.

- | | | |
|---|---|--|
| ۱ | اظهار عشق را به زبان احتیاج نیست | چندان که شد ننگه به ننگه آشنا بس است |
| ۲ | چشم ما را مرگ نتواند ز روی عشق بست | دیدهٔ قربانیان را سیری از قصاب نیست |
| ۳ | به دل‌نشینی صحرای عشق صحرا نیست | سیاه خیمهٔ این دشت جز سویدا (نقطهٔ سیاه دل) نیست |
| ۴ | عشق اگر رو بر زمین مالد همان تاج سر است | پر تو خورشید را نتوان به زیر پا گرفت |

۳۲۱ مفهوم «پیر» در کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- | | | |
|---|------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱ | همت ما مدد پیر و جوان خواهد بود | خاک ما خاک مراد دو جهان خواهد بود |
| ۲ | با جوانان راه صحرا بر گرفتم بامداد | کودکی گفتا تو پیری با خردمندان نشین |
| ۳ | مشو به میکده غایب ز چشم پیر مغان | که با مرید، نظر هاست پیر مرشد را |
| ۴ | ندیدم چنین گنج و ملک و سریر | که وقف است بر طفل و درویش و پیر |

۳۲۲ مفهوم کدام گزینه به بیت «ناز تو و نیاز تو شد همه دلپذیر من / تا ز تو دلپذیر شد هستی ناگزیر من» نزدیک است؟

- | | | |
|---|------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ | تا دل، سخن‌پذیر و سخن، دلپذیر شد | جانم ز وصل هم نفسی ناگزیر شد |
| ۲ | ای سروناز حسن که خوش می‌روی به ناز | عشاق را به ناز تو هر لحظه صد نیاز |
| ۳ | من از درمان و درد و وصل و هجران | پسندم آن‌چه را جانان پسندد |
| ۴ | به جای دوست گرت هرچه در جهان بخشند | رضا مده که مقامی بود حقیر از دوست |

۳۲۳ مفاهیم «غبطه‌خوردن بر عاشق، پذیرفتن سختی عشق، فراغت به واسطهٔ عشق، توکل» به ترتیب از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| الف) این‌که از لغزش مستانه نمی‌اندیشد | می‌توان یافت که دل تکیه به جایی دارد |
| ب) سمندر سالم از آتش بر آید | به اهل عشق باشد مهربان درد |
| ج) ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز | فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری |
| د) بند همه غم‌های جهان بر دل من بود | در بند تو افتادم و از جمله برستم |

- ۱) د، ج، الف، ب ۲) د، ب، ج، الف ۳) ج، ب، د، الف ۴) ج، د، الف، ب

۳۲۴ مفهوم کلی کدام دو بیت، با یکدیگر تناسب دارد؟

- الف) آزادی اگر خواهی از عقل گریزان باش
ب) من و انکار شراب این چه حکایت باشد
ج) یکی از عقل می‌لافتد یکی طامات می‌بافت
د) عقل اگر داند که دل در بند زلفش چون خوش است
- سر خیل مجانین شو، سر حلقه طفلان باش
غالباً اینقدرم عقل و کفایت باشد
بیا کاین داوری‌ها را به پیش داور اندازیم
عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما

۴) ب - د

۳) ب - ج

۲) الف - د

۱) الف - ج

۳۲۵ کدام گزینه با مفهوم عبارت «وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد.» تناسب دارد؟

- ۱) کناره گیر ز مردم، صفای وقت ببین
۲) اگر پای در دامن آری چو کوه
۳) وحشت چو رو دهد همه جا کنج عزلت است
۴) تلاش گوشه‌نشینی ز پوچ مغزی هاست
- که قطره گوشه گرفت از محیط، گوهر گشت
سرت ز آسمان بگذرد در شکوه
رفتن به کوه و دشت و بیابان چه لازم است
که خلوت تو همان پر هواست همچو حباب

۳۲۶ با توجه به تأثیر عشق بر وجود عاشق، گوینده کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) گویند ز عشق کن جدایی
۲) گرچه ز شراب عشق مستم
۳) درباب که مبتلای عشقم
۴) پرورده عشق شد سرشتم
- این نیست، طریق آشنایی
عاشق تر از این کنم که هستم
آزاد کن از بلای عشقم
جز عشق مباد سرنوشتم

۳۲۷ بیت: «آب چه دانست که او گوهر گوینده شود / خاک چه دانست که او غمزه غمّازه شود؟» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) این لطف بین که با گل آدم سرشته‌اند
۲) تا در این آب و گلی کار کلوخ اندازی است
۳) چون که خدمت شه آید من می‌دانم
۴) همچو گرد این تن خاکی نتواند برخاست
- وین روح بین که در تن آدم تنیده‌اند
گفت و گو جمله کلوخ است و یقین دل شکن است
گر ز آب و گلم ای دوست، نیم پای به گل
از سر کوی تو زان رو که عظیم افتاده است

۳۲۸ مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) دل بی سوز کم گیرد نصیب از صحبت مردی
۲) می ز ظل عشق خوردن کار هر بی طرف نیست
۳) ساقیا در قدح باده چه پیمودی دوش
۴) محرم این هوش جز بی هوش نیست
- مس تابیده ای آور که گیرد در تو اکسیرم
وحشی ای باید که بر لب گیرد این پیمانه را (رطل=ظرف بزرگ)
که حریفان همه در خواب گراند هنوز
مر زبان را مشتری جز گوش نیست

۳۲۹ مفهوم ابیات همه گزینه‌ها به استثنای گزینه یکسان است.

- ۱) مست بی خویشتن از خمر ظلوم است و جهول
۲) ما ظلومیم و جهول از احتمال بار یار
۳) ذره ناچیز ما بر گردن همت گرفت
۴) برد آدم از امانت هر چه گردون بر نتافت
- مستی از عشق نکو باشد و بی خویشتنی
گرچه رسواییم یارب نی تو رسوا کرده‌ای
بار سنگین امانت را که گردون بر نتافت
ریخت می بز خاک چون در جام گنجیدن نداشت

۳۳۰ مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) غمان تو مرا نگذاشت تا غمگین شوم یکدم
۲) در آب و گل ز آدم خاکی نشان نبود
۳) سنت عشق سعیدیا ترک نمی‌دهی بلی
۴) مهر بتان در آب و گل ما سرشته‌اند
- هوای تو مرا نگذاشت تا من آب و گل باشم
کاغشته شد به آب محبت خمیر ما
کی ز دلم به در رود خوی سرشته در گلم
«صائب» خمیرمایه بت خانه‌ایم ما

۳۳۱) مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) هوای کوی تو از سر نمی رود آری
 - ۲) جان سپارم به خاک پاک وطن
 - ۳) تا بود جان گرنامه به تن
 - ۴) در ره عشق وطن از سر و جان خاسته ایم
- غریب را دل سرگشته با وطن باشد
دفن کردم به زیر خاک وطن
سر ما و قدم و خاک وطن
تا در این ره چه کند همت مردانه ما

۳۳۲) مفهوم عبارت «مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر، گریزان هستند»، در کدام گزینه وجود

ندارد؟

- ۱) در این سرای بی کسی کسی به در نمی زند
 - ۲) یکی ز شب گرفتگان چراغ بر نمی کند
 - ۳) دل خراب من دگر خراب تر نمی شود
 - ۴) چه چشم پاسخ است از این دریچه‌های بسته‌ات
- به دشت پرمال ما پرنده پر نمی زند
کسی به کوچه سار شب در سحر نمی زند
که خنجر غمت ازین خراب تر نمی زند
برو که هیچ کس ندا به گوش کر نمی زند

۳۳۳) بیت «بسوزند چوب درختان بی بر / سزا خود همین است مر بی بری را» با کدام بیت، تناسب معنایی دارد؟

- ۱) ای سرو پای بسته به آزادگی مناز
 - ۲) گرت ز دست بر آید چو نخل باش کریم
 - ۳) گذر گهی است پر ستم که اندرو به غیر غم
 - ۴) نه سایه دارم و نه بر، بیفکنندم و سزاست
- آزاده من که از همه عالم بریده ام
ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد
یکی صلاهی آشنا به رهگذر نمی زند
اگر نه بر درخت تر کسی تبر نمی زند

۳۳۴) بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) سرو را بی ثمری باعث رعنائی شد
 - ۲) خجلت بی ثمری عیش مرا دارد تلخ
 - ۳) هرچه دیدم در این باغ ندیدن به بود
 - ۴) زان ثمرها که گزیدیم در این باغستان
- سزا خود همین است مر بی بری را
قامت از بار علایق نکشیدن به بود
نخل بی بار مرا زود بریدن به بود
هر گل تازه که چیدم نچیدن به بود
پشت دست و لب افسون گزیدن به بود

۳۳۵) کدام گروه از ابیات، مفهومی مشترک دارند؟

- (الف) منسوخ شد مروّت و معدوم شد وفا
 - (ب) اگر هفت کشور به شاهی تو راست
 - (ج) هنر خوار شد، جادویی ارجمند
 - (د) همه سوی دوزخ نهادید روی
 - (هـ) گشته است بازگونه همه رسم‌های خلق
- وز هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا
چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟
نهان راستی، آشکارا گزند
سپردید دل‌ها به گفتار اوی
زین عالم نبیره (فرومایه) و گردون بی وفا

۴) ب - الف - ه

۳) ب - ج - د

۲) الف - د - ه

۱) الف - ج - ه

۳۳۶) بیت‌های همه گزینه‌ها به جز با بیت زیر قرابت معنایی دارند.

«هنر خوار شد، جادویی ارجمند»

- ۱) شد آن که اهل نظر بر کناره می رفتند / هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش
- ۲) پری نهفته رخ و دیو در کرشمه حسن / بسوخت دیده ز حیرت که این چه بوالعجبی است
- ۳) جای آن است که خون موج زند در دل لعل / زین تغابن (= ضرر رساندن) که خَزَف (= سفال) می شکند بازارش
- ۴) همای گو مفکن سایه شرف هر گز
در آن دیار که طوطی کم از زغن باشد

۳۳۷ مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- | | |
|----------------------------------|-------------------------------|
| ۱ وفاداری کن و نعمت شناسی | ۱ که بدفرجامی آرد ناسپاسی |
| ۲ پشیمان شود دل کند پُر هراس | ۲ که جانش به یزدان بود ناسپاس |
| ۳ به یزدان نباید بود ناسپاس | ۳ دل ناسپاسان بود پر هراس |
| ۴ ز دیوان هر آن کس که بُد ناسپاس | ۴ وز ایشان دل انجمن پر هراس |

۳۳۸ مفهوم مصراع اول بیت «چو نمود رخ شاهد آرزو / به هم حمله کردند باز از دو سو» با کدام بیت زیر قرابت دارد؟

- | | |
|------------------------------------|--|
| ۱ ز خون دل شده رنگین دو دیده تر ما | ۱ بهار لاله ما گل کند ز ساغر ما |
| ۲ گذشت عمر و دل ما به آرزو نرسید | ۲ در آشیانه ما پیر شد کیوتر ما |
| ۳ زدی به تیغ و بریدی و ساختی پامال | ۳ چه روزها که نه افکنده ای تو بر سر ما |
| ۴ ستاره سوختگان چون سپند سبز شدند | ۴ کجاست گریه ابر بهار اختر ما |

۳۳۹ بیت «شیر حقم نیستم شیر هوا / فعل من بر دین من باشد گوا» با کدام گزینه تناسب مفهومی ندارد؟

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ طالب راه خدا باش ای پسر | ۱ از ره شیطان ملعون کن حذر |
| ۲ چون من پادشاه تن خویش گشتم | ۲ اگر چند لشکر ندارم امیرم |
| ۳ کوش تا آن نفس که آید پیش | ۳ نشود فوت از تو ای درویش |
| ۴ نتوان گذشتن از دو جهان بی جهاد نفس | ۴ این راه دور قطع به شمشیر می شود |

۳۴۰ معنی عبارت «در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی تر، و الا طاعنان مجال وقیعت یابند»، کدام است؟

- | |
|--|
| ۱ در موقع گرفتاری، با هم بودیم پس در موقع آسودگی، سازگاری بهتر است و گرنه خرده گیران فرصت بدگویی پیدا می کنند. |
| ۲ در وقت مصیبت شریک بوده است در وقت آرامش، اجازه دادن بهتر است و الا فرصت عیب جوئی می یابد. |
| ۳ چون در لحظه گرفتاری با او بوده است حال باید به دیدار او برود و الا دیگران فرصت انتقاد پیدا می کنند. |
| ۴ آن گاه که با هم شریک بودیم، این گرفتاری پیش آمده، حال باید به او اجازه بدهی هرچه می خواهد بگوید. |

۳۴۱ مفهوم کدام گزینه با عبارت «ای دوست، ابتدا از بریدن بند اصحاب اولی تر.» قرابت دارد؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱ همه مرغان خلاص از بند خواهند | ۱ من از قیدت نمی خواهم رهایی |
| ۲ از مراد خود تبراً کن اگر خواهی که تو | ۲ در میان بی مرادان یک نفس بی غم زنی |
| ۳ به سیم و زر جوان مردی توان کرد | ۳ خوش آن کس کاو جوان مردی به جان کرد |
| ۴ خواهی که تمتع بری از دینی و عقبی | ۴ با خلق کرم کن چو خدا با تو کرم کرد |

۳۴۲ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- | | |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ معیار دوستان دغل روز حاجت است | ۱ قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب |
| ۲ دوستان را به گاه سود و زیان | ۲ بتوان دید و آزمود توان |
| ۳ دشمن از دوست وقت آرز و نیاز | ۳ جز به سود و زیان ندانی باز |
| ۴ فراق افتد میان دوستداران | ۴ زیان و سود باشد در تجارت |

۳۴۳ مفهوم عبارت «پدرم دریا دل بود، در لاتی کار شاهان را می کرد» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱ آنچه دی کاشته ای می کنی امروز درو | ۱ طمع خوشه گندم مکن از دانه جو |
| ۲ در کوی می کشان نبود راه بخل را | ۲ این جا ز دست خشک سبب آب می چکد |
| ۳ چشم بی شرم تو سیری را نمیداند که چیست | ۳ در تلاش رزق تا حرص مگس باشد تو را |
| ۴ رسم دهش ز همت اهل جهان مخواه | ۴ طفلند و دستشان به دهن آشناتر است |

۳۴۴ مفهوم مقابل عبارت «وقتی ماجرای نیمه‌کوری خود را برایشان گفتم، اول باور نکردند اما آن‌قدر گفته‌ام صادقانه بود که در سنگ هم اثر می‌کرد.» در کدام گزینه وجود دارد؟

- ۱ میر از صحبت ایشان که همچون باد در آتش
 - ۲ چو آتش دامن او هر که گیرد، رنگ او گیرد
 - ۳ کند به زاهد و می‌خواره یک روش تأثیر
 - ۴ میان‌گریه می‌خندم که چون شمع اندرین مجلس
- در آب و خاک اثر دارد دم‌گیری درویشان
به این افسون اثرها در خیال خود پرستش
فتاده است چو آتش به خشک و تر، لاله
زبان آتشینم هست، لیکن در نمی‌گیرد

۳۴۵ کدام بیت متفاوتی دارد؟

- ۱ تا رنج تحمّل نکنی گنج نبینی
 - ۲ کزین پس به کنجی نشینم چو مور
 - ۳ گر هنرمند گوشه گیر بود
 - ۴ نشاید بهی یافت بی رنج و بیم
- تا شب نرود صبح پدیدار نباشد
که روزی نخوردند پیلان به زور
کام دل از هنر کجا یابد؟
که بی رنج کس نارد از سنگ سیم

۳۴۶ مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
 - ۲ من آن مرغم که هر شام و سحر گاه
 - ۳ بلبل گلشن قدسم شده از جور فلک
 - ۴ به جان او که به شکرانه جان برافشانم
- دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد
ز بام عرش می‌آید صغیرم
بی گنه بسته زندان و گرفتار قفس
اگر به سوی من آری پیامی از بر دوست

۳۴۷ مفهوم بیت کدام گزینه با بیت «گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت قطره باران ما گوهر یک‌دانه شد» قرابت دارد؟

- ۱ در دل تنگم ز داغ عشق شمعی بر فروز
 - ۲ شکر توام ز تیغ زبان موج می‌زند
 - ۳ دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است
 - ۴ خانه دل ما را از کرم عمارت کن
- خانه تن را چراغی از دل بیدار ده
چون آب اگرچه خون مرا نوش کرده‌ای
بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی
پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی

۳۴۸ مفهوم ابیات زیر با کدام بیت تناسب ندارد؟

- عاقبت از خامی خود سوخته
کرد فراموش ره و رفتار خویش
- ۱ مار را هر چند بهتر پروری
 - ۲ کلاغی تک کبک در گوش کرد
 - ۳ مسکین خرک آرزوی دم کرد
 - ۴ گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار
- رهروی کبک نیاموخته
ماند غرامت زده از کار خویش
چون یک خشم آورد کيفربری
تک خویشتن فراموش کرد
نایافته دم دو گوش گم کرد
کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست

۳۴۹ در کدام بیت، شاعر از عدم ثبات رأی می‌نالند؟

- ۱ طالب نکند سیر مقامی مگر از عرش
 - ۲ سر تا به قدم جمله هنر دارد و خوبی
 - ۳ عیب پوشی سهل باشد عیب نا دیدن خوش است
 - ۴ هر چه در وصف تو گویند به نیکویی هست
- طبعی که بلند آمد پستی نشناسد
عیبش همه آن است که با بنده نسازد
چشم من روشن که دایم صاحب این دیده‌ام
عیب آن است که هر روز به طبعی دگری

۳۵۰ در کدام ابیات مفهوم مشترک یافت می‌شود؟

الف) نیارد زغن لحن بلبل سرود

ب) چو با کبک پوید ره زاغ را

ج) گرچه تقلید است استون جهان

د) اگر دولت و کیش باید تو را

ه) نمی‌گویمت از تَرشخو بترس

به تقلید نتوان هنرمند بود

تک خود فرامش شود زاغ را

هست رسوا هر مقلد ز امتحان

رفیقی به از خویش باید تو را

ز بیگانه‌ی آشمارو بترس

۱ الف، ب، ج

۲ ج، د، هـ

۳ هـ، د، الف

۴ ب، هـ، د



ایران توتنه
توشه‌ای برای موفقیت

پاسخنامه تشریحی

- ۱ در بیت «ب، املای صحیح کلمه «ثنا» است. ۱ ۲ ۳ ۴
- ۲ یکی شیر شرز به چنگال تیز / ز چنگش کجا خاستی رستخیز ۱ ۲ ۳ ۴
- ۳ «یقین» در لغت به معنی بی شبهه و شک بودن و یا امری که واضح و ثابت شده باشد. با توجه به ساختار جمله، این واژه در گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» به معنی بصیرت، آگاهی و بی‌گمانی است اما «یقین» در گزینه «۲» به معنی «به‌درستی» نقش قیدی دارد. ۱ ۲ ۳ ۴
- ۴ واژه «ننگ» دارای دو معنی متضاد است. گاه به معنی «عار، رسوایی، بدنامی و بی‌آبرویی» است مانند گزینه‌های «۲، ۳ و ۴» و گاهی به معنی اعتبار و آبرو است مانند گزینه (۱). ۱ ۲ ۳ ۴
- توجه: «ننگ» هر گاه با واژه «نام» بیاید به معنی آبرو و اعتبار است؛ نظیر: من امروز نر بهر جنگ آدمم / پی پوزش و نام و ننگ آدمم
- ۵ واژه «مرشد» به معنی پیر و راهنما و شیخ است. یعنی کسی است که سالک را راهنمایی می‌کند بنابراین مرشد سالک نیست بلکه هدایتگر سالک است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
- ۶ املای درست واژه املایی عبارت‌اند از: «حمیت» ۱ ۲ ۳ ۴ ۶
- ۷ معنای واژه‌های «چنگ، محراب» صحیح است. معنای درست دیگر واژه‌ها: حکمت: دانایی؛ تفرح: گشایش یافتن، سیر، گردش؛ حلاوت: شیرینی، شیرین شدن؛ نگون بخت: بد اقبال، بدبخت، تیره‌روز؛ زرخدان: چانه؛ صورت: چهره، شکل، ظاهر(سیرت): باطن، شیوه ریا، روش؛ شوریده رنگ: پریشان حال، آشفته حال؛ ۱ ۲ ۳ ۴ ۷
- ۸ مهربان: محراب ۱ ۲ ۳ ۴ ۸
- ۹ ویرایش معانی نادرست: ۱ ۲ ۳ ۴ ۹
- چاشتگاه: نزدیک ظهر / خیرخیز: سریع / ضیعت: زمین زراعتی / فراخ: گسترده، آسوده / محجوب: پنهان / شرع: سایه‌بان
- ۱۰ املای صحیح سایر کلمات: ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۰
- ۱- ضیاع: ملک و مال، دارایی
- ۲- سریر: تخت پادشاه، خیمه، سایبان
- ۳- مستور: پوشیده، محجوب
- ۱۱ واژه‌های (تعمّلات) و (لعالی) غلط نوشته شده که شکل درست املای آن‌ها (تأمّلات) و (لآلی) است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۱
- ۱۲ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۲
- گزینه «۱»: املای صحیح «نغز» به معنی «دل‌نشین» است.
- گزینه «۳»: املای صحیح «بحر» است.
- گزینه «۴»: املای صحیح «هایل» است.
- ۱۳ به آهنگ خواست ← به آهنگ خاست ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۳
- ۱۴ گزینه ۱ امل آرزو / گزینه ۳ خاییدن / گزینه ۴ ضیا / روشنائی که صورت درست واژه‌ها هستند. ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۴
- ۱۵ شکل درست واژه‌های املایی: «مأبی»، «می‌گذارند»، «اشباحی»، «مهملی». ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۵
- ۱۶ معنای درست واژه‌ها چنین است: ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۶
- زرخدان: چانه، بخشی از صورت
- عمل: کار
- دَعَل: مکر، ناراستی، فساد و تباهی، مکار، حيله گر، تنبل
- صُنْع: آفرینش، ساختن، احسان و نیکویی
- ۱۷ در گزینه‌های دیگر واژه‌های زیر غلط معنا شده‌اند که درست این واژه‌ها عبارت است از: جیب: گریبان / قرین: همنشین و یار همراه / زایل شدن: نابودی ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۷
- ۱۸ در این گزینه «بار» به معنی «حمل وسیله سنگین» است اما در گزینه‌های دیگر به معنی «اجازه ورود» است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۸
- ۱۹ در این گزینه واژه «محجوب» به معنی «پوشیده و پنهان» است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۹
- در بررسی گزینه‌های دیگر این واژه به معنی «باحیا» است.
- ۲۰ صورت صحیح واژگان غلط نوشته شده: ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۰
- تازی عرب / مدّلت خواری و پستی و فرومایگی / پرورده / پرورش یافته
- ۲۱ معنای کامل واژه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۱
- سیماب: جیوه (سیماب گون به رنگ جیوه - جیوه‌ای)
- تازی: عرب، عربی
- پایاب: قسمت کم عمق رودخانه
- افسر: تاج پادشاهان، کلاه پادشاهان، صاحب منصب
- ۲۲ غلط‌های املایی متن عبارت‌اند از: ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۲
- همیت / دناعت / دنانت



- ۲۳) واژه‌های همال (= سستی)، منسوب (+ نسبت داده شده)، فراغ (+ آسودگی) و گزارد (+ آدا کردن) در متن غلط نوشته شده است. ۱ ۲ ۳ ۴
- ۲۴) املاي درست واژه «قرض» به معنی بدهی است. ۱ ۲ ۳ ۴
- ۲۵) غرقه خواست شد / هنراز و غریو خاست ۱ ۲ ۳ ۴
- ۲۶) امارت - بگزارند درست است. ۱ ۲ ۳ ۴
- ۲۷) شکل درست واژه املایی: صواب: درست، مصلحت - راه صواب: راه درست و راست ۱ ۲ ۳ ۴

ثواب: پاداش، اجر

- ۲۸) مشمعز کننده مشمئز کننده ۱ ۲ ۳ ۴
- بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۲»: وحله و هله / لعامت لنامت

گزینه ۳: «۳»: حوزه / آجل / عاجل

گزینه ۴: «۴»: شبه / مطبوع / متبوع

- ۲۹) واژه «مطبوعی» نادرست، و درست آن «متبوعی» (فرمان روایی) است. ۱ ۲ ۳ ۴

- ۳۰) معنای درست واژه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴

اجنبی: بیگانه / نهیب: فریاد، هیبت، هراس / درایت: آگاهی، تدبیر

- ۳۱) معنای کامل کلمات گزینه ۲: ۱ ۲ ۳ ۴

کوشک: قصر - هر بنای رفیع

اذن: اجازه - فرمان

حمیت: غیرت - تعصب - رشک بردن

خطه: معادل شهرستان امروزی - ولایت - مجموعه شهرهایی که تحت نظر یک والی اداره می‌شوند.

- ۳۲) در این گزینه واژه «یا» به کار رفته است که در بیت مورد سؤال با واژه «گر» هم‌معناست. ۱ ۲ ۳ ۴

- ۳۳) فوج: گروه، دسته ۱ ۲ ۳ ۴

مزیح: مُمال کلمه مزاح، شوخی

بارگی: اسب (مشخص است که از ابزارآلات جنگی نیست).

گرد: دلیر، پهلوان

- ۳۴) زه آب: چشمه ۱ ۲ ۳ ۴

ورطه: گرداب

مناصحت: خیرخواهی

- ۳۵) املاي درست واژه‌ها: «گذارند: رها کردن، ترک کردن، (گزاردن: به جا آوردن، ادا کردن) / «نقض: شکستن، باطل کردن» (نغز: خوب، خوش، نیکو) ۱ ۲ ۳ ۴

- ۳۶) شکل درست واژه املایی: برانت(بیزاری) / تفت: اعتماد ۱ ۲ ۳ ۴

- ۳۷) در میان واژگان این سوال ۴ واژه به غلط معنا شده است که صورت صحیح آنها عبارت‌اند از: ۱ استخلاص (رهایی جستن) ۲ خایب (نامید - بی بهره) ۳ - ۱ ۲ ۳ ۴

الحاح (اصرار - درخواست کردن) ۴ - ریاحین (گل‌های خوشبو)

- ۳۸) سه واژه اشتباه معنا شده‌اند: ۱ ۲ ۳ ۴

مسامحه: سهل‌انگاری / رفعت: بلندی / مسحور: جادوشده و شیفته

- ۳۹) تنها در این گزینه معنای همه واژه‌ها درست آمده است. ۱ ۲ ۳ ۴

- ۴۰) بررسی گزینه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴

گزینه ۱) راج: شراب / راه: مسیر

گزینه ۳) حور: سیه‌چشمان بهشتی / هور: خورشید

گزینه ۴) آزار: اولین ماه سال رومی / آزار: اذیت، شکنجه

- ۴۱) فعل «شد» در عبارت «از آن افزون نخواهد شد» اسنادی است. و واژه «افزون» نقش مسندی دارد. اما در سایر گزینه‌ها فعل «شد» به معنی «رفت» است و ۱ ۲ ۳ ۴

غیراسنادی است.

- ۴۲) واژه «روزی» در این بیت به معنای «رزق» و روزی است که از طرف باری تعالی به انسان می‌رسد. ۱ ۲ ۳ ۴

- ۴۳) واژه «چنگ» در گزینه ۱) به معنی «چنگال» و «دست» است در خم زلف پریشان چنگ زدیم. ۱ ۲ ۳ ۴

اما در سایر گزینه‌ها از ادوات موسیقی است. در هر یک از گزینه‌های ۲، ۳، ۴) از طریق زنجیره سخن در بیت متوجه می‌شویم که «چنگ» به معنای «ساز» است.

در گزینه ۲) از طریق گوش و قول

در گزینه ۳) از طریق نی و بنوازم

در گزینه ۴) از طریق ناله، استماع (شنیدن)، سماع (رقص) *واژه «رخصه» به معنی «اجازه» است.

- ۴۴) «بخشایش» از مصدر «بخشودن» به معنای «عفو، گذشت، رحم و رقت» است این واژه را با «بخشش» که از مصدر «بخشیدن» و به معنای «کرم، لطف» است، اشتباه ۱ ۲ ۳ ۴

نگیرید.

- ۴۵) معنای درست واژه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴

۱ - زنخدان: چانه

۲ - حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی

۳ - شغال: جانور پستانداری از تیره سگان که جزء رسته گوشت‌خواران است

۴۵



۴ - چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و چند تار دارد.

۵ - دون همت: کوتاه همت، دارای طبع پست، کوتاه اندیشه

تیره‌رای: بداندیشی، گمراهی (تیره‌رای: گمراه) / ادبار: سیه‌روزی، بدبختی ۱ ۲ ۳ ۴ ۴۶

راغ = صحرا، بیابان، دامنه کوه ۱ ۲ ۳ ۴ ۴۷

شاهد = محبوب

روضه = باغ، بوستان، گلستان

مقارب = همگرا

خامی = بی تجربگی

در سایر گزینه‌ها واژه‌های «عار»، «قرض» و «خویش» نادرست نوشته شده‌اند. ۱ ۲ ۳ ۴ ۴۸

توقیع، مصدر باب تفعیل به معنای امضا کردن است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۴۹

گزینه‌های و؟ صفت مفعولی است و متناسب نیستند.

معنای گزینه کاملاً دور است.

در گزینه ۳، تنها یک غلط املائی وجود دارد ۱ ۲ ۳ ۴ ۵۰

مسرت یعنی شادی و با واژه «سور» هم خانواده است.

غازی یعنی جنگجو و با واژه «غزو» هم خانواده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) سعب / صعب / مغرون مقرون

گزینه ۲) فراق / فراغ / گذاردن گزاردن (ادا کردن)

گزینه ۴) هشم / حشم / مخنقه مخنقه

مبشّر و کراهیت و موکّد با هم تناسب ندارند. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵۱

۱ ۲ ۳ ۴ ۵۲

منظور از نماز پیشین در گذشته نماز ظهر بوده است.

ویرایش غلط‌های املائی: ۱ ۲ ۳ ۴ ۵۳

محجوب - بگزارد - خُرد

فقط در این گزینه معنای واژه «ثال» متفاوت است در این گزینه این واژه به معنای «امر و فرمان» است اما در گزینه‌های دیگر به معنای «مانند و شبیه» است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵۴

الف) مقرون: پیوسته، همراه ۱ ۲ ۳ ۴ ۵۵

ج) متفق: همسو، هم عقیده، موافق

د) تمکن: توانگری، ثروت

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴ ۵۶

مقرر: به معنی اقرارکننده نیست.

توقیع: به معنی نامه کوتاه نیست.

حرب: آلت نزاع است؛ نه نزاع.

بررسی واژه‌های نادرست: ۱ ۲ ۳ ۴ ۵۷

(زرخدان: چانه)، (توقیع کردن: مهر زدن یا امضا کردن)، (روضه: باغ، گلزار)، (وزر: بار سنگین)، (یوز: یوزپلنگ، جانور شکاری کوچک‌تر از پلنگ که با آن به شکار روند)، بقیه واژه‌ها درست هستند.

معنای درست واژه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴ ۵۸

محضر: محل حاضر شدن، محل حضور / مَلک: فرشته (مَلک، صاحب) / وَعظ: اندرز دادن، اندرز

واژه «سور» غلط معنی شده است. سور جشن ۱ ۲ ۳ ۴ ۵۹

کراهیت به معنای ناپسندی است که در این گزینه به صورت صفت معنا شده است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۶۰

«غیرت» به معنای «هیبت» نیست این واژه به معنای «تعصب، دشمنی، حمیت و حسادت» است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۶۱

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴ ۶۲

گزینه ۱) مناسک: جمع منسک یا منسیک: جاهای عبادت حاجیان

گزینه ۲) نماز پیشین: نماز ظهر

گزینه ۳) عقد: گردن‌بند

شکل درست واژه‌های املائی: بی شائبه: مطمئن، بی شک، بی تردید ۱ ۲ ۳ ۴ ۶۳

معنای درست واژه‌ها: بارقه = درخشش غم گسار = غم خوار ۱ ۲ ۳ ۴ ۶۴

معنای صحیح واژه‌ها: شاب = جوان ۱ ۲ ۳ ۴ ۶۵

حجره = اتاق

استسقا = آب خواستن

شکل درست واژه املائی: شیرخوارگی ۱ ۲ ۳ ۴ ۶۶



ایران توتنه



۶۷) ۱ ۲ ۳ ۴ حلاوت - روضه درست است.

۶۸) ۱ ۲ ۳ ۴ معنای کامل واژه‌ها:

شاب: جوان، متضاد شیخ

استسقا: آب خواستن، نام مرضی که بیمار آب بسیار خواهد

مساعت: همیاری، یآوری

آماس: ورم، تورم

لقاف: پارچه و کاغذی که بر چیزی بپیچند

۶۹) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «تمکن» به معنای امکانات مالی و ثروت است بنابراین کلمه «کمین» که به عنوان هم‌خانواده برای این واژه نوشته شده درست نیست «کمین» و «تمکن» یکی از سه حرف اصلیشان جابه‌جا شده‌اند.

۷۰) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

الف) مناسک ← جاهای عبادت حاجیان (جمع منسک)

ج) استسقا ← نام مرضی که بیمار آب بسیار خواهد.

۷۱) ۱ ۲ ۳ ۴ معنای کامل واژه‌ها:

محمل: کجاوه که به شتر بندند، مهد، هودج

سرشت: ذات، فطرت، آفرینش، طبع

رایت: پرچم، بیرق، علم، درفش، سنجق

موسم: هنگام، زمان

۷۲) ۱ ۲ ۳ ۴ (مستور - ائتلاف) درست است. (مستور = پوشیده / ائتلاف = گردهم آمدن)

۷۳) ۱ ۲ ۳ ۴ الوهیت: مقام الهی ازل: زمان بی آغاز فخار: سفال

۷۴) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: خنیده: مشهور

گزینه ۲: رایت: پرچم

گزینه ۴: خزاین: گنجینه‌ها

۷۵) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «گران» در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ به معنی «سنگین» و «عظیم» است اما در گزینه ۲ متضاد ارزان است.

* معنی گزینه ۳: گرمی خشم تو اگر به کوه‌های گران و سنگین برسد کوه‌ها را با همه سنگینی و گرانی چون کاه سبک و پژمرده می‌کند.

۷۶) ۱ ۲ ۳ ۴ این واژه درست معنا شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شایق: بلند

گزینه ۳: خوف: ترس

گزینه ۴: فروغ: نور و روشنائی

۷۷) ۱ ۲ ۳ ۴ خرگه: خرگاه، خیمه به‌ویژه خیمه بزرگ / خیرخیر: سریع، سراسری / کراهیت: ناپسندی / خطوات: گام‌ها

۷۸) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «آقدام» جمع قدم است و تناسبی با قامت ندارد.

گزینه ۱) بالا

گزینه ۲) اندام

گزینه ۴) قد

۷۹) ۱ ۲ ۳ ۴ «رشحه» به معنای قطره و تراوش است.

۸۰) ۱ ۲ ۳ ۴ ۵

۵- خودکامگی = خودخواهی

۸۱) ۱ ۲ ۳ ۴ در سایر گزینه‌ها سبک به معنای کم وزن می‌باشد اما در بیت گزینه ۴ و ابیات مطرح شده در سؤال، سبک به معنای فوراً است.

۸۲) ۱ ۲ ۳ ۴ معنای درست واژه:

ژیان: خشمگین، قهرآلود

۸۳) ۱ ۲ ۳ ۴ خاستن: بلند شدن

خواستن: درخواست کردن - طلبیدن

۸۴) ۱ ۲ ۳ ۴ معنای درست واژه‌هایی که نادرست معنا شده‌اند:

ترگ: کلاه خود / دژم: خشمگین

۸۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه سه غلط املائی دیده می‌شود که درستی واژگان چنین است: محضر - هلال - فایق

در گزینه‌های دیگر:

۱) رزم

۲) مرهم

۳) مهترزادگان - قالب



ایران تونش
توشه‌ای برای موفقیت

۴-خشت= نیزه کوچک

رُد = پهلوان-گ

خاست = بلند شد (خواست = طلب کرد)



۸۶) با توجه به این که یکی از معانی هژبر که در کتاب درسی هم نیامده شیر است و غضنفر نیز به همین معناست بنابراین گزینه ۲ نمی تواند پاسخ تست باشد.

قبا: جامه بلندی که باز باشد و از دو طرف با دکمه بسته شود.

۸۷) دو غلط املائی در بیت ها دیده می شود: قرب: غرب / خوار: خار

۸۸) شکل درست غلطهای املائی عبارتاند از:

الف) مسطور ← مستور

ب) صریر ← سریر

۸۹) ژیان = خشمگین (غضنفر: شیر)

یم = دریا

ژنده فیل = فیل بزرگ

۹۰) نبرده سوار: سوار کار جنگ جو

۹۱) در گزینه ۲: شجاعت متضاد سهم (ترس)

در گزینه ۳: برهنه متضاد قبا (لباس)

در گزینه ۴: نو متضاد ژنده (یکی از معنای ژنده کهنه است)

۹۲) پادشاه مترادف با واژه دستور نیست.

گزینه ۱: یکی از معانی دستور وزیر است.

گزینه ۲: یکی دیگر از معانی دستور، معین به معنی یاور است.

گزینه ۴: اذن به معنی رخصت و اجازه که مترادف است با دستور

۹۳) لخت لخت: تکه تکه، پاره پاره

اخلاص: پاکی

وصی: جانشین

۹۴) در این گزینه مانند بیت مورد سوال واژه «بینداخت» به معنی «زد» است؛ اما در گزینه های دیگر این واژه به معنی «از دست رها کردن» و یا «پرتاب کردن» است

۹۵) متواتر: پی در پی

حبه = دانه

مطوقه طوق دار

۹۶) معونت = یاری

عقد = بند (عقد: گردن بند)

ملالت = به ستوه آمدن، ماندگی، آزرده گی

رخصت = اجازه

۹۷) املائی صحیح واژه «ثنا» است.

۹۸) شکل درست واژه های املائی: ۱- مقصور ۲- ظفر

۹۹) در گزینه ۲، یک غلط وجود دارد: «قفا»

گزینه های دیگر هر کدام ۲ غلط املائی دارند:

گزینه «۱»: سیادت - دهر

گزینه «۳»: خار - سلاح

گزینه «۴»: تریاق - نزه

۱۰۰) در این گزینه غلط املائی دیده نمی شود.

بررسی سایر گزینه ها:

۱) فراق: دوری و جدایی

۳) بیفزود: اضافه کرد.

۴) اهمال: سستی

۱۰۱) در گزینه «۱» را نشانه مفعولی است و در گزینه های دیگر، را نشانه فک اضافه است.

۱۰۲) شرم کشد: شرم مرا بکشد (ضمیر پیوسته در اینجا نقش مفعولی دارد).

تا زنده ام بس است همین شرمساریم: تا زنده ام این شرمساری برای من کافی است (ضمیر پیوسته در اینجا نقش متمم دارد).

۱۰۳) کلمه های «نابسته»، روشنایی، واژه وندی و واژه «تیره رایی» وندی - مرکب محسوب می شوند. در ابیات ارائه شده واژه مرکب وجود ندارد.

۱۰۴) حق را می طلبد - راه را می نماید - تاسف برمی انگیزد - سخن را می شناسد.

۱۰۵) در این گزینه، دو الگوی متفاوت برای ساخت دستوری کلمات وجود دارد:

امیدوار و شاه وار: اسم + پسوند ← صفت

جشنواره و گوشواره: اسم + پسوند ← اسم

۱۰۶) مفعول در گزینه های ۱، ۳ و ۴ به ترتیب «نیک»، «نیک»، «در»، «آن چه» و «نیستم از هیچ آگاه» است.

چه چیزی را نبیند؟ نیک: مفعول / چه چیزی را رساند؟ نیک: مفعول / چه چیزی را گشاده است؟ در: مفعول / چه چیزی را داده است؟ آن چه: مفعول / چه چیزی را گوید؟ نیستم از هیچ آگاه:

مفعول



ایران تونشنه

توشه ای برای موفقیت



۱۰۷) ۱ ۲ ۳ ۴ رابطه گروه واژه‌های مطرح شده چنین است:

«محمل و مهد»، «رایت و بیرق» و «بیعت و میثاق»: مترادف

«ورزش و فوتبال» و «هنر و نقاشی»: تَضَمَن

«ادبار و اقبال»: تضاد

«دست و بدن»، «تند و ترش» و «پروانه و ملخ»: تناسب

۱۰۸) ۱ ۲ ۳ ۴ «شد» در گزینه‌های «ب»، «ج» و «د»، به معنای «رفت» فعل غیر اسنادی است و در دیگر گزینه‌ها فعل اسنادی (=ربطی) محسوب می‌شود.

۱۰۹) ۱ ۲ ۳ ۴ مقصود سؤال این است که در کدام گزینه واژه «ماه» نهاد محسوب می‌شود و از طریق هم‌نشینی نهاد با مسند می‌توان به معنی «ماه» پی بُرد.

در گزینه ۲) واژه «ماه» نهاد است و از طریق هم‌نشینی «ماه» با «طولانی» (= مسند) می‌توان دریافت که مقصود از «ماه» سی روز یا یک دوازدهم سال است.

در گزینه ۱) «روی ماه» اضافه تشبیهی است یعنی «روی» به «ماه» (= قمر) مانند شده است و نهاد و مسند این گزینه به ترتیب «شب» و «بیدار» است.

در گزینه ۳) «ماه» به معنی سی روز، نهاد است و مسند ندارد.

در گزینه ۴) «ماه» متمم است و به دلیل رابطه هم‌نشینی آن ستاره می‌توان پی برد که مقصود از آن سیاره ماه یا قمر است.

۱۱۰) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۴ رابطه معنایی تَضَمَن وجود ندارد و رابطه واژه‌های «ابر و باریدن» و «دل و دلدار» تناسب و «یار و دلدار» مترادف است.

تَضَمَن‌های موجود در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ به ترتیب «سنگ و لعل»، «گل و باغ» و «دیده و وجود» است.

۱۱۱) ۱ ۲ ۳ ۴ کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای

نهاد حرف ربط (= پیوند)

نقش اولین کلمه در دو مصراع دیگر گزینه‌ها:

۱) زنخدان: مفعول / که: حرف ربط (= پیوند) [زنخدان به جیب فرو بردن: کنایه]

۲) شغال: مفعول / بماند: فعل

۴) چنان: ضمیر اشاره در نقش قیدی / چه: ضمیر پرسشی در نقش قیدی

۱۱۲) ۱ ۲ ۳ ۴ «دیده آمد» در مصراع دوم فعل مجهول است در مصراع اول «درون دیده» یک ترکیب اضافی است و فقط «آمد» فعل است.

در بررسی گزینه‌های دیگر:

تمام کلماتی که قبل از «شود» و «گشت» آمده است «مسند» است بنابراین این گزینه‌ها فعل مجهول ندارند.

۱۱۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه فقط یک نقش تبعی یعنی تکرار به کار رفته است: «تو»

در بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «معطوف ← شمشیر / بدل ← هر دو»

گزینه ۳: در این گزینه هم بدل به کار رفته است. بدل ← «خود» / معطوف ← «دل»

گزینه ۴: «معطوف ← بدعهدی» / تکرار ← «غلط»

۱۱۴) ۱ ۲ ۳ ۴ «شکسته شد» فعل مجهول است؛ چون در ساختمان آن صفت مفعولی به کار رفته است.

در گزینه‌های دیگر به جای صفت مفعولی، مسند دیده می‌شود:

۱) خسته: مسند / تیره: مسند

۲) سرگشته: مسند / به: مسند

۴) میسر: مسند / منور: مسند (در این بیت «شده باشد» فعل مجهول نیست).

۱۱۵) ۱ ۲ ۳ ۴ اگر عناوین و القاب کسره بگیرند یا خود هسته گروه اسمی قرار بگیرند دیگر شاخص نیستند.

۱۱۶) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی موارد در سایر گزینه‌ها

گزینه ۱: «این» صفت اشاره / «دو» هسته

گزینه ۲: «حاجی قوام» شاخص

گزینه ۳: «هر» صفت مبهم / «دو» صفت شمارشی / «جهان» هسته

۱۱۷) ۱ ۲ ۳ ۴ نقش دستوری کلمه «دست به دست» در این بیت قید است که حالتی را مطرح می‌کند: گفته سخت را دست به دست می‌برند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «صلای سرخوشی» نکته: سرخوشی در اینجا اسم است؛ نه صفت.

مضاف‌الیه

گزینه ۲: «سرانجام کمال» نیستی است.

مضاف‌الیه

گزینه ۴: «تو به یک جرعه دیگر من را از دست می‌دهی»

مفعول

۱۱۸) ۱ ۲ ۳ ۴ اولین ← صفت / همایش ← اسم / پرافتخار ← صفت / مردان ← اسم / قهرمان ← صفت / کشورها ← اسم / مختلف ← صفت / جهان ← اسم

۱۱۹) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه‌های «ند» - ۱ - پرنده (پر + نده)، «آدمی (آدمی + ی)»، «۳- خاموشی

واژه مرکب: چاربا

۱۲۰) ۱ ۲ ۳ ۴ حرف «راء» در گزینه ۱ «راء» مفعولی است ولی در سایر گزینه‌ها فک اضافه است و باعث جابجایی مضاف و مضاف‌الیه می‌شود.

۲- سبب غفلت ها/ ۳- سفر جان غافل/ ۴- دل طفل طبعان

۱۲۱) ۱ ۲ ۳ ۴ فعل «بگشتیم» در گزینه ۱ «ا» به معنی «چرخیدیم»، جست‌وجو کردیم، است

معنی بیت ۱: دور تا دور همه اطراف این باغ را جست‌وجو کردیم و گشتیم. در هیچ درختی در باغ، این میوه وجود ندارد.



فعل «گشت» در سایر گزینه‌ها فعل اسنادی به معنی «شد» است و نیاز به مسند دارد.

- گزینه ۲) مصوّر گشت
مسند فعل اسنادی
- گزینه ۳) سیر نگشتم
مسند فعل اسنادی
- گزینه ۴) بیدار نگشتم
مسند فعل اسنادی

۱۲۲) ۱ ۲ ۳ ۴ فعل «شد» در گزینه ۲، اسنادی است و به مسند نیاز دارد.

چو شب، روز شد
نهاد مسند

اما در سایر گزینه‌ها فعل «شد» به معنی «رفت» است و غیراسنادی است.

گزینه ۱) کاری نکردیم و شد روزگار: کاری نکردیم و عمر گذشت و سپری شد.

گزینه ۳) چو بانو چنان دید، شد سوی کوه: وقتی بانو آن گونه دید به طرف کوه رفت.

گزینه ۴) به بارگاه او ملک ز خلد شد: فرشته به امید درگاه او از بهشت رفت.

۱۲۳) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه‌های «هر، همه، هیچ، فلان، دیگر، دگر، چند، هرگاه با اسم و هسته بیابند، صفت مبهم شمرده می‌شوند مانند «دگر» در گزینه ۴ دگر پرسش اگر صفت مبهم اسم/هسته

واژه‌های یادشده بدون اسم و هسته بیابند، ضمیر مبهم محسوب می‌شوند مانند «دگر» در گزینه‌های ۱، ۲، ۳.

در گزینه ۱ و ۲ و ۳ واژه «دگر» ضمیر مبهم است یعنی بدون اسم و هسته آمده است. به عبارت دیگر به هنگام قرائت بیت، پس از واژه «دگر» مکث می‌کنیم مانند: وان دگر، پرسش کند...

۱۲۴) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه واژه‌های «چند» و «دیگر» صفت مبهم هستند که اولی وابسته پیشینی است که در اینجا به صورت پسین آمده است و دومی پسین است. در گزینه‌های دیگر:

۱) «هیچ» وابسته پیشین / «چند» وابسته پسین

۲) «هر» وابسته پیشین / «دیگر» وابسته پسین

۴) «هر» وابسته پیشین / «دگر» در هر دو مورد وابسته پسین است.

۱۲۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه رابطه معنایی به کار نرفته است در حالی که در گزینه‌های دیگر:

۱) تضمین: درخت و سرو / ۲) تضاد: دشمن و دوست / ۴) تناسب: درخت و بلبل و غنچه

۱۲۶) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه‌های دیگر فعل «شد» در معنای اصلی و اسنادی به کار رفته است اما در این گزینه به معنای «رفت» است که اسنادی نیست.

۱۲۷) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه واژه «دیده» به معنای «چشم» است و «شد» فعل اصلی و اسنادی است اما در گزینه‌های دیگر:

۲) گفته آید / ۳) گفته آید / ۴) گفته شد: همگی فعل‌های مجهول هستند.

۱۲۸) ۱ ۲ ۳ ۴ «دیدگان» مفعول جمله دوم و واژه «ندی» است. (دید + ه + ان)

بررسی مفعول در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) سینه: ساده

گزینه ۲) قلب: ساده

گزینه ۳) سکوت: ساده

۱۲۹) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «گلوگیر» هسته گروه اسمی: واژه مرکب

۱۳۰) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۴، واژه «تلخی» مفعول است: کعبه نتوانست تلخی (را) از زمزم جدا کند.

نکته: به مفعولی که نشانه «را» ندارد «مفعول مجرّد» می‌گویند؛ و در این جا «تلخی» مفعول است و «کعبه» نهاد است.

۱۳۱) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) بی‌تاب صفت است؛ نه اسم. / جوشش اسم است؛ نه صفت.

گزینه ۲) شکسته صفت است؛ نه اسم.

گزینه ۳) پرگشوده وندی مرکب است؛ نه وندی.

۱۳۲) ۱ ۲ ۳ ۴ ترکیب‌های وصفی: دو اشکال/اشکال اضافی / همه ی نزدیکان (۳ ترکیب)

ترکیب‌های اضافی: نظر رستم/مرگش/خود او/نزدیکانش/ویرانی کشور/کشورش/مرگ او / مساوی میدان خالی کردن / میدان خالی کردن کسانی/تجسم آرمان/آرمان‌های خود (۱۱ ترکیب)

۱۳۳) ۱ ۲ ۳ ۴ شکل درست واژه‌های املایی: ۱- زلت (خطا و لغزش سهو) ۲- منسوب (نسبت داده شده است)

۱۳۴) ۱ ۲ ۳ ۴ در عبارت «عاشقان را مران»، «را» نشانه مفعول و عاشقان مفعول است.

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

در گزینه ۲: شمع نهاد است.

در گزینه ۳: عقل با عشق زور پنجه ندارد.

در گزینه ۴: بندگان از حکمت گریزد و گریزی ندارد. نقش نهادی دارد.

۱۳۵) ۱ ۲ ۳ ۴ معادل‌های اجزای ساختمان واژه:

دهش = نگارش + بن مضارع + ش / زیرنویس = دورنما صفت + بن مضارع / نامنظم = ناتمام نا + صفت / آبرفت = دست فرسود اسم + بن ماضی

نکته: در گزینه ۴ دست‌بوس از اسم + بن مضارع تشکیل شده است.



۱۳۶ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه صفت بیانی به کار نرفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) مست و میگون

۲) روان و سوزان

۳) عالم‌بین و مسکین

۱۳۷ ۱ ۲ ۳ ۴ گزینه (۱) ← بساز: بخوان / گزینه (۲) ← سازی: قبول کنی / گزینه (۳): پس از آن قصد و آهنگ سهراب کنید و یک شب در خواب او را بکشید.

۱۳۸ ۱ ۲ ۳ ۴ واژه‌های «گوناگون و دانش پژوهان، دو واژه وندی - مرکب هستند.

در گزینه ۱، واژه وندی - مرکب وجود ندارد. / در گزینه ۲، «گزارش نویسی، / در گزینه ۴، «جست و جو» وندی - مرکب هستند.

۱۳۹ ۱ ۲ ۳ ۴ واژه های وندی - زمینه - توصیف ها - استادانه - توانا - نقاشی - شاعری - واژه های مرکب: خیال انگیز، شاهنامه، سخن سرای، زبردست، تشبیه

آفرین.

۱۴۰ ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی سایر جملات بیت:

مقیم بزم او گشتم

مسند

عزم او را لطف دیدم (پنداشتم)

مفعول مسند

حقیر راه او گشتم

مضاف‌الیه

ساق شیطان را بشکنم.

مفعول

۱۴۱ ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۱ فعل «نسازد» به حرف اضافه اختصاصی نیاز دارد. «با من» متمم فعل است و بر فعل مقدم شده است.

۱۴۲ ۱ ۲ ۳ ۴ جابه‌جایی ارکان جمله و تقدم یکی بر دیگری سبب پدید آوردن شیوه بلاغی می‌شود.

غمی بود رستم بیازید چنگ

مسند نهاد

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): شیوه عادی

گزینه (۳): مقدم شدن فعل و متمم بر نهاد

گزینه (۴): مقدم شدن متمم و فعل بر نهاد (مصرع اول) / تقدم فعل و مسند بر نهاد (مصرع دوم)

۱۴۳ ۱ ۲ ۳ ۴ که ← حرف ربط وابسته‌ساز است؛ بنابراین جمله بعد از آن وابسته است.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در این گزینه سه جمله هسته به کار رفته است ← بهار آمد- گلزار نورباران شد- چمن ز عشق رخ یار لاله‌باران شد

گزینه «۳»: در این گزینه هم دو جمله هسته به کار رفته است ← مصرع اول یک جمله و مصرع دوم هم دومین جمله هسته است.

گزینه «۴»: در این گزینه نیز دو جمله هسته به کار رفته که سهم هر مصرع یک جمله است.

۱۴۴ ۱ ۲ ۳ ۴ در بیت ۱ دو صفت وجود دارد: ۱- جان‌فزا ۲- خوش‌خرام

تعداد صفت‌ها در سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲) ۸ صفت: ۱- فصیح ۲- شیرین ۳- بلند ۴- چابک ۵- لطیف ۶- زیبا ۷- خوش ۸- کشیده

گزینه (۳) ۸ صفت: ۱- آن ۲- دلکش ۳- آن ۴- دل‌آشوب ۵- آن ۶- خوش ۷- آن ۸- آرمیده

گزینه (۴) ۵ صفت: ۱- آن ۲- سیه‌چشم ۳- چه ۴- این ۵- رمیده

۱۴۵ ۱ ۲ ۳ ۴ در بیت الف: کلمات «شاه» و «شیخ» و در بیت ج: کلمه «حاجی» شاخص محسوب می‌شوند.

نکته: شاخص‌ها القاب و عناوینی هستند که بدون هیچ نشانه یا نقش‌نمایی، در کنار اسم قرار می‌گیرند؛ مانند «امام، علامه، شاه، شیخ، حاجی، کدخدا، تیمسار، خاله، عمو و ...»

۱۴۶ ۱ ۲ ۳ ۴

۱- هر شب

۲- شب دیگر

۳- نور فسفری (رنگ‌ها همیشه صفت هستند).

۴- سایه روشن‌های خیال‌انگیز

وابسته پیشین، صفت مبهم

وابسته پسین، صفت مبهم

وابسته پسین، صفت بیانی

۱۴۷ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه «علاقی»، «پاکش» و «روان» همه وابسته‌های پسین هستند و صفت پیشینی در بیت به کار نرفته است.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «این وحشت سرا» ← این صفت اشاره است.

گزینه «۲»: «عجب تیغ زبانی» ← عجب صفت تعجیبی است

گزینه «۴»: «آن که» به معنای «آن کسی که» است ← آن صفت اشاره است.

۱۴۸ ۱ ۲ ۳ ۴ موارد «ب» و «ج» دارای شاخص است که واژه «سلطان» می‌باشد.

بررسی سایر موارد:



الف) «سلطان» نقش‌نمای اضافه دارد؛ پس هسته گروه اسمی است.

د) «سلطان» نقش‌نمای اضافه دارد؛ پس هسته گروه اسمی است.

۱۴۹) ۱ ۲ ۳ ۴ فسیح - شیرین - بلند - چابک - لطیف - زیبا - خوش - کشیده

شرح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲) دلکش - دل‌آشوب - خوش - آرمیده

گزینه ۳) جان‌فزا - خوش‌خرام

گزینه ۴) صفت بیانی ندارد.

۱۵۰) ۱ ۲ ۳ ۴ در مورد (الف) فعل «گرفت» با توجه به دو فعل قبل، باید «گرفتند» می‌شد اما شناسه‌اش به قرینه لفظی حذف شده است.

در مورد (ج) فعل «رهانید» با توجه به فعل قبل باید رهانیدند، می‌شد که به قرینه لفظی شناسه‌اش حذف شده است.

البته امروزه این نوع حذف به هیچ وجه روا نیست.

۱۵۱) ۱ ۲ ۳ ۴ این مصراع را اگر مرتب کنیم چنین می‌شود: تن بی سرش را از پای در آورد؛ بنابراین «تن» هسته است و «بی سر» صفت است.

در گزینه «ا»: «هوس» هسته گروه اسمی است چون با مرتب کردن این مصراع مشخص می‌شود که «هوس» هسته است: هوس هیچ کس رزم با او نشد.

۱۵۲) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی قیده‌ها در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲): نخست

گزینه ۳): بی‌خلاف

گزینه ۴): امروز

۱۵۳) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی گزینه‌ها:

الف) یک «واو» عطف وجود دارد: نامهربان و مهربان

ب) یار بِس است.

مسند

ج) نقش‌های تبعی: ۱- نامهربان و مهربان (بدل از «دوستان»)- ۲- مهربان: معطوف ۳- خود: بدل از ما

د) هر: صفت مبهم

۱۵۴) ۱ ۲ ۳ ۴ فعل «شد» در سایر گزینه‌ها به معنی «رفت» است و فعل غیراسنادی است اما در گزینه ۲ اسنادی است و نیاز به مسند دارد: زمین آهین شد نهاد مسند فعل اسنادی

۱۵۵) ۱ ۲ ۳ ۴ گزینه ۱) ← سراسر جهان را سوی داد خواند

گزینه ۲) ← به دل، دشمن جهان آفرین است.

گزینه ۴) ← ورا نام (نام وی)

*در گزینه ۳)، «را» نشانه مفعول است.

*«رای فک اضافه بین مضاف و مضاف الیه جا به جا شده می‌آید. مثال: فلک را سقف بشکافیم ← سَقَف فَلک را بشکافیم مضاف مضاف‌الیه

۱۵۶) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «دست» در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ در معنای ناهاده خود یعنی «قدرت» به کار رفته است و مجاز محسوب می‌شود. اما در گزینه ۱) در معنای اصلی و نهاده خود آمده است از این رو مجاز ندارد.

۱۵۷) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «امروز» در گزینه ۱) نقش دستوری «نهاد» و در بقیه گزینه‌ها نقش «قید» دارد.

۱۵۸) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۳) نقش «ش» متمم است: «دل را به او دادم».

۱۵۹) ۱ ۲ ۳ ۴ ساختمان فعل مجهول از صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + انواع فعل «شد» تشکیل می‌شود. در گزینه ۲ «صاحب دیده» صفت است و ریشه فعلی ندارد. بنابراین فعل «شد» اسنادی است و «صاحب دیده» مسند آن است.

بررسی گزینه‌های دیگر:

۱) بساط برچیده شد ← بساط را برچید

۳) عَلم خوابیده شد ← او عَلم را خواباند.

۴) مهره چون برچیده شد ← او مهره را برچید.

۱۶۰) ۱ ۲ ۳ ۴ «نیشته آمد»: نوشته شد، فعل ماضی مجهول است. (صفت مفعولی فعل موردنظر + فعل کمکی «شد»)

* دقت کنید فعل «شد» در سایر گزینه‌ها فعل اسنادی است و به مسند نیاز دارد.

گزینه ۱: نِر و نِیاه شده‌بود مسند معطوف فعل اسنادی

گزینه ۳: شاد شد. مسند فعل اسنادی

گزینه ۴: تیره شد. مسند فعل اسنادی

۱۶۱) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه تنها واژه وندی به کار رفته «خامی» است در حالی که در سایر گزینه‌ها: ۱) زاغی - فراغی - راغی / ۳) نادره - کبکی / ۴) قدمی - رقمی

۱۶۲) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه «حرکاتش» نهاد است اما در گزینه‌های دیگر:

۲) یکی عرصه: مفعول / ۳) روبه‌ی: مفعول / ۴) خلق: متمم



۱۶۳ (۱ ۲ ۳ ۴) نیاسوده گشت: فعل مجهول نیست؛ زیرا «آسودن» فعل لازم است.

فعل‌های مجهول در گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: گفته‌آید (گفته شود)

گزینه ۲: شد ساخته (ساخته شد)

گزینه ۴: کشته شد

۱۶۴ (۱ ۲ ۳ ۴) بیت الف) وندی: شهری، بی‌خبر، باخبر، مستان / مرکب: صاحب نظر / وندی - مرکب: زیر وزیر

بیت ب) وندی: روزی، ماهی و زنگی / مرکب: نوبرده / وندی - مرکب: رومی رخی

بیت ج) وندی: نامور، مشکبار / مرکب و وندی - مرکب ندارد.

بیت د) وندی: مهربانی و زیوری / مرکب: ماهروی / وندی - مرکب: خوبروی

۱۶۵ (۱ ۲ ۳ ۴) با توجه به این که در این بیت، جای مضاف و مضاف‌الیه عوض شده است، شکل بازگردانی بیت چنین است: ارات همه کس، به روزگار (در طول ایام) کهن می‌شود، مگر برای من که همان عشق اول است و زیاد (بیش‌تر) نیز شده است.

کهن: مسند / همه کس، مضاف‌الیه (گروه مضاف‌الیه) / «ارادت» نهاد / «همان» صفت

۱۶۶ (۱ ۲ ۳ ۴) بیت ۱ از چهار جمله تشکیل شده است و در هر جمله اجزای جمله در جای مناسب خود به کار رفته اند.

شکل مرتب شده

گزینه ۲) مباد این جمع را یارب غم از باد پریشانی یارب این جمع را از باد پریشانی غم مباد.

شکل مرتب شده

گزینه ۳) زان پیشتر که عالم فانی شود خراب زان پیشتر که عالم فانی خراب شود.

شکل مرتب شده

گزینه ۴) فلک را سقف بشکافیم سقف فلک را بشکافیم

۱۶۷ (۱ ۲ ۳ ۴) پرورده عشق شد سرشتم سرشتم پرورده عشق شد .

نهاد مسند فعل

۱۶۸ (۱ ۲ ۳ ۴) سعدی و فخرالدین عراقی / دو شاعر و عارف هم‌روزگار مولانا بدل معطوف

شرح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) شاعر و عارف معروف قرن ششم بدل از عطار / شاعر و عارف معطوف

گزینه ۲) آن شهر پرغوغا بدل

گزینه ۳) عالی‌ترین اثر عرفانی ایران بدل

۱۶۹ (۱ ۲ ۳ ۴) «ساختند» در گزینه ۱، به معنای ایجاد کردن، درست کردن و بنا کردن است؛ اما در گزینه‌های ۲، ۳، و ۴، به معنای گردانیدن، کردن و نمودن به کار رفته است.

۱۷۰ (۱ ۲ ۳ ۴) فقط دو نقش تبعی در گزینه‌ها دیده می‌شود: «آسمان» معطوف است و «خود» بدل. توجه داشته باشیم که «جهان» در گزینه ب نهاد است چون قبل از آن «واو

ربط» به کار رفته است.

۱۷۱ (۱ ۲ ۳ ۴) در این گزینه حرف ربط هم پایه‌ساز «اما» به کار رفته است و همان‌طور که می‌دانیم حروف ربط هم پایه‌ساز جمله‌های مرکب نمی‌سازند اما در گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: حرف ربط وابسته ساز «که» وجود دارد که مصراع دوم با آن شروع شده است.

گزینه ۳: مانند گزینه ۱ مصراع دوم با «که» شروع شده است.

گزینه ۴: در این گزینه حرف ربط وابسته‌ساز «از این رو» به قرینه معنوی حذف شده است که باید در آغاز مصراع دوم می‌آمد.

۱۷۲ (۱ ۲ ۳ ۴) زرخسار ش / بر آب

متمم مضاف‌الیه متمم

نقش دستوری تمام واژه‌های بیت:

زرخسار ش / فرومی‌ریخت اشکی / بنای زندگی بر آب می‌دید

متمم مضاف‌الیه فعل پیوندی نهاد مفعول مضاف‌الیه متمم فعل

۱۷۳ (۱ ۲ ۳ ۴) جمله «منه از دست» جمله هسته در این گزینه است که مفعول آن حذف شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «رختم از این جا ببر» جمله هسته است که «رختم» در آن مفعول است.

گزینه ۳: «آه از آن روز» جمله هسته است که نیازی به مفعول ندارد که بخواهد حذف شده باشد.

گزینه ۴: «سامری کیست» جمله هسته است که نیازی به مفعول ندارد.

۱۷۴ (۱ ۲ ۳ ۴) در این گزینه سه ترکیب وصفی به کار رفته است هر قطعه - این خاک - چه افسرها

بررسی:

گزینه ۱: فقط یک ترکیب وصفی دارد اخترهای انبوه

گزینه‌های دیگر ترکیب وصفی ندارند.

۱۷۵ (۱ ۲ ۳ ۴) در گزینه ۳ واژه «عمه» به اسم اضافه نشده است و شاخص نیست بلکه هسته گروه اسمی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شاخص حاج آقا / گزینه ۲: شاخص سید / گزینه ۴: شاخص امامزاده

۱۷۶ (۱ ۲ ۳ ۴) تنها در این گزینه عنوانی که آن را شاخص می‌نامیم با اسمش همراه است سرهنگ بابک.

در گزینه‌های دیگر عنوان مورد نظر هسته گروه اسمی است چون با نقش‌نمای اضافه همراه است و یا به تنهایی آمده است که هر دو مورد چنین واژه‌های شاخص نیست:



گزینه ۱: سلطان خرد / سرهنگ

گزینه ۲: سلطان / سرهنگ

گزینه ۴: دهقان / سرهنگ بنی آدم

همان گونه که می بینید در موارد بالا یا عنوان بدون اسم آمده یا با نقش نمای اضافه همراه است.

۱۷۷) ۱ ۲ ۳ ۴ دیده پاک ← ۱ مورد

شرح سایر گزینه ها:

گزینه ۱) آن سیه چرده - چشم میگون - لب خندان - دل خرم ← ۴ مورد

گزینه ۲) روی خوب - دامن پاک - دو عالم ← ۳ مورد

گزینه ۳) خال مشکین - آن عارض - عارض گندمگون - آن دانه ← ۴ مورد

۱۷۸) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه های وندی: کارانه، پذیرا، نامردمی، ناشنوبی، بی برنامهگی / مرکب: خویشتن دار، گلاب: تأسف انگیز

واژه های وندی - مرکب: پروار بندی - خداشناس - یک طرفه - مالمال - آشتی کنان - حقوق بگیر

۱۷۹) ۱ ۲ ۳ ۴ صفت + اسم = صفت: سفید پوست، خوش خط، زبردست، خوش بخت، بزرگ سال

صفت + اسم = اسم: سه گوش، سفید رود، نخست وزیر، سیاه چادر، چهل چراغ

صفت / قید + اسم = اسم: بالادست / اسم + صفت: ریش سفید

کلمات زیر نمونه ای برای این الگوها: رادمرد، بلند قامت، زبردست، بدبخت، خوش بخت، خوش حساب، خوشحال، سفید پوست، تنگ چشم، تنگ حوصله، خوش خط، خوش

برخورد، بدگمان، پرزور، کم دوام، کوچک سال، بزرگ سال، واژه سه گوش از صفت + اسم = اسم ساخته شده

۱۸۰) ۱ ۲ ۳ ۴ شنیدن: شنوا / خواندن: خوانا / رفتن: روا / که همگی صفت هستند.

۱۸۱) ۱ ۲ ۳ ۴ تشریح سایر گزینه ها:

گزینه ۱): بسیار دان (بسیار داننده): صفت بیانی فاعلی

گزینه ۲): خشک: صفت بیانی ساده

گزینه ۴): آسمانی: صفت بیانی نسبی

۱۸۲) ۱ ۲ ۳ ۴ «بینا» در ترکیب «دیده بینا» صفت بیانی فاعلی است.

۱۸۳) ۱ ۲ ۳ ۴ «خواب نوشین» ترکیب وصفی است و «نوشین» صفت بیانی نسبی است.

۱۸۴) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی گزینه ها:

گزینه ۱): «دستور» ← معنای قدیم: مشنار، راهنما، وزیر

گزینه ۲): «تماشا» ← معنای قدیم: راه رفتن، تفریح

گزینه ۴): «شوخ» ← معنای قدیم: چرک بدن

۱۸۵) ۱ ۲ ۳ ۴ «هریک» جزء واژه هایی است که هم می توان آن را با فعل جمع وهم فعل مفرد آورد.

اما در گزینه های دیگر شناسه های فعل به قرینه لفظی حذف شده و مفرد آمده است و نهاد آنها جمع است. البته می دانیم که امروزه حذف شناسه به قرینه به هیچ وجه درست نیست.

۱۸۶) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه «ایستادن» به معنای «شروع به انجام کاری» به کار رفته است؛ اما در گزینه های دیگر در معنای «توقف کردن» به کار رفته است.

۱۸۷) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه واژه «زیبا» قید است؛ اما در گزینه های دیگر نقش مسند دارد.

۱۸۸) ۱ ۲ ۳ ۴ ضمیر «ت» در این گزینه متمم است و در سایر گزینه ها نقش مضاف الیهی دارد.

۱۸۹) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «شوریده رنگ» وندی مرکب است. اجزای سازنده این واژه: شورید + ه + رنگ

گزینه ۱) چاشنی بخش = چاشنی + بخش

حلاوت سنج = حلاوت + سنج

گزینه ۳) نگون بخت = نگون + بخت

گزینه ۴) خودپرست = خود + پرست / زبردست = زیر + دست

۱۹۰) ۱ ۲ ۳ ۴ «حلاوت» به معنی «شیرینی» است. این واژه با قافیه گزینه ۲) در مصراع اول «شیرینی» رابطه معنایی «ترادف» دارد.

*دقت کنید در بیت «۱» و «۲» چون اولین بیت یک غزل هستند مصراع اول و دوم با هم هم قافیه اند.

قافیه های بیت ۱: سرزمینی - قرینی

قافیه های بیت ۲: شیرینی - بینی

۱۹۱) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «گوش» در مصراع دوم واژه ی قافیه است. که خود هسته گروه اسمی است و نقش متممی دارد.

گزینه ی ۱) خلقی خدای

هسته وابسته پسین: مضاف الیه

گزینه ی ۳) ترازوی خویشت

هسته وابسته پسین: مضاف الیه

گزینه ی ۴) صنع خدای

هسته وابسته پسین: مضاف الیه

۱۹۲) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «خرد» نقش متمم دارد. بازگردانی مصراع اول ← «اگر روشنایی را به خرد نبخشد»

مفعول متمم



شکل مرتب شده روبهی بی دست و پای دید
 ← مفعول صفت فعل را دید

یکی روبهی دید بی دست و پای ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۹۳

۱۹۴ فعل 'شد' ردیف است. این فعل در گزینه '۴' به معنی 'رفت' و در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ در معنای اصلی خود؛ یعنی فعل اسنادی آمده است.

۱ ۲ ۳ ۴ ۱۹۵

حرف ربط پیوند 'اما' در گزینه '۳' هم‌پایه‌ساز است. در گزینه‌های دیگر حروف ربط 'وابسته‌ساز' به کار رفته است. حروف ربط (پیوند) وابسته‌ساز در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) 'که' در 'کت' ... که از جان آرزومندت هستم ...

گزینه ۲) 'ار'؛ اگر ...

گزینه ۴) تا

۱۹۶ ساختمان مجهول از صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + انواع فعل 'شد' تشکیل می‌گردد. در گزینه '۱' فعل‌های 'افروخته شد' و 'افراخته شد' با الگو و ساختمان فعل مجهول مطابقت دارند.

۱۹۷ فعل‌های مجهول در عبارت سؤال: ۱ - گفته شود. ۲ - شمرده (شود)

* فعل 'شود' در آخر عبارت به قرینه 'گفته شود' حذف شده است.

۱۹۸ واژه‌های وندی: دانش، زمینه، فراگیری، نقش‌ها

واژه مرکب: امکان پذیر

واژه‌های وندی - مرکب: دست‌یابی، گوناگون، بهره‌یابی

۱۹۹ واژه‌هایی که یک تک‌واژه آزاد همراه با وند دارند وند می‌هستند. مثل همنشینی - واجگاه، چهارم. و واژه‌هایی که دو تک‌واژه آزاد با وند دارند وندی - مرکب‌اند.

مثل زبان + شناس + ی

۲۰۰ در گزینه '۱': 'طلب کار' قافیه و مرکب است.

در گزینه‌های '۲'، '۳' و '۴' واژه‌های قافیه به ترتیب عبارت اند از: 'گلزار، شهوار، دیوار' که 'وندی' هستند.

۲۰۱ فعل 'نیست' در این گزینه به معنای 'وجود ندارد' به کار رفته است و 'باغ' نهاد است. (باغ: هسته / دلگشا: وابسته)

۲۰۲ ترکیب‌های وصفی:

همه تمکنی، زندگی درویشانه‌ای، خانه مشترک، خانواده دیگر، یک اتاق، خانه کهن‌سالی، همان اتاق، یک اتاق (هشت مورد)

واژه آن، در هر دو مورد 'ضمیر' است نه 'صفت اشاره'.

۲۰۳ ز من (از من) متمم اجباری و مقدم بر فعل خود آمده است.

۲۰۴ در گزینه‌های دیگر، گروه‌های مفعولی 'درد دل دوستان'، 'جان' و 'خون من' مقدم آمده‌اند. اما در گزینه ۲ 'روز رویش' نهاد جمله است و در ابتدای جمله آمده است.

۲۰۵ بازگردانی مصراع اولیبت گزینه ۱ قضا، کشور تدبیر را زیر و زبر می‌سازد

بررسی سایر گزینه

گزینه ۲) غفلت ما را سبب سبب غفلت ما

گزینه ۳) جان غافل را سفر سفر جان غافل / پای خواب آلوده را منزل منزل پای خواب آلوده

گزینه ۴) طفل طبعان را دل دل طفل طبعان

۲۰۶ آبروی من - جمالش - نار مغان - رخ گلنار - چهار مورد.

نکته: 'رخ گلنار' اضافه تشبیهی است. (رخ مانند گل انار)

سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) دلسوز من - دل بیگانه دو مورد

گزینه ۲) مطرب عشق - نقش نغمه دو مورد

گزینه ۴) شاخ گل - جگر خار دو مورد

۲۰۷ در این گزینه واژه 'سعدی' مضاف‌الیه است اما در گزینه‌های دیگر نقش واژه‌های مشخص شده 'نهاد' است

۲۰۸ در این بیت مشرک از نظر دستوری صفت است، حسی که مشرک گونه است لایق این کوی نیست.

گزینه ۱: من مشرک نیستم

گزینه ۲: تو مشرک راه هستی

گزینه ۳: من مشرک تقلید نیستم

در گزینه‌های دیگر 'مشرک' مسند است

۲۰۹ تنها در این گزینه است که حرف ربط وابسته‌ساز موجود است.

معلم پای تخته رسید. گچ را گرفت. برگشت و گفت: خرگوشی می‌کشم تا بکشید.

حرف ربط یا پیوند وابسته‌ساز

در گزینه‌های دیگر کلمات وابسته‌ساز به چشم نمی‌خورد و فقط 'و' ربط دیده می‌شود. پیوندهایی مثل 'و، اما، ولی، یا و ...' فقط جملات را به هم پیوند می‌دهند؛ وابسته نمی‌کنند.

نکته: کلمات یا پیوندهای وابسته‌ساز پرکاربرد عبارت‌اند از: 'که، تا، چون، زیرا، اگر، باین‌که، تااین‌که، گرچه و ...'

۲۱۰ در این سؤال ممکن است گزینه هم شما را به شک بیاندازد مبنی بر اینکه جواب سؤال است، اما با دقت در مرتب کردن اجزای جمله می‌بینیم که 'دل' به

عنوان نهاد جمله جابه‌جا شده و جمله با حرف اضافه و متمم شروع گشته است.

اگر گزینه ۱ را مرتب کنیم می‌شود دل به دام زلف تو مبتلای ...

صورت مرتب شده گزینه ۲: مراد خاطر ما اگر از دستت برمی‌آید...

تذکره



صورت مرتب شده گزینۀ ۴: تو به خانۀ ارباب بی مروت دهر مرو که ...

نهاد محذوف

در این بیت ترکیب اضافی به کار نرفته است. مصراع اول چنین است: «بند بر پای، تحمل چه کند گر نکند، در واقع معنی این بیت می شود: کسی که پایش را

بسته اند چاره‌های جز تحمل درد ندارد.

بررسی گزینه‌های دیگر:

۲) تشنگان بادیه - جان تشنگان (تشنگان را جان به لب: جان تشنگان / در واقع «را» فک اضافه است.)

۳) دست تو - شمشیر غم - غم تو

۴) بند غم - غم‌های جهان - دل من - بند تو

۲۱۲) هشت: این معلم / معلم شریف / معلم باسواد / این نویسنده / نویسنده بزرگ / این نامه / این نویسنده / چه حد

پنج: این معلم / این نویسنده / این نامه / این نویسنده / چه حد

۲۱۳) ترکیب‌های وصفی: این په‌نه/پهنه‌ی موحش / مردان بزرگ / آن مرز و بوم / مرز و بوم پر آشوب / مردان فروتن / مردان شب زنده دار / پیکرهای رشید / یک

مسلمان / مسلمان کامل / ده ترکیب وصفی

ترکیب‌های اضافی: استان شهادت / شعار حسین / خون خود / نقش مرز و بوم / پیکرهای ایشان / مظهر مسلمان / شش ترکیب اضافی

۲۱۴) ترکیب‌های وصفی: دو چشم / چشم مست / چشم میگون / دو خواب آلوده

۲۱۵) شاخص‌ها عبارت‌اند از: دکتر - امام

* واژه «استاد» نقش مضاف‌البهی دارد و شاخص نیست.

۲۱۶) در این گزینه چهار وابسته پیشین دیده می شود «یک»، «همه»، «این»، «و دو».

اما در بررسی گزینه‌های دیگر سه وابسته پیشین وجود دارد:

گزینه «۱»: چندین، یک، صد

گزینه «۲»: بهترین، دو، یک

گزینه «۴»: هر، این، آن

۲۱۷) سه وابسته پیشین در این دو بیت دیده می شود که عبارت‌اند از همان - همه - یکی

باید بدانیم که «این» در ابتدای مصراع، ضمیر اشاره است و به اسمی که بعد از «همان» آمده است، اشاره نمی کند.

۲۱۸) در این گزینه، «نصیحت گوی ما» نهاد است.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «آن قامت» نهاد است و «قیامت» مسند است.

گزینه «۲»: «آن لعبت» نهاد است و «غلام» مسند است.

گزینه «۴»: نهاد در این بیت، پنهان است و «حدیث حسن خویش» مفعول است.

۲۱۹) در گزینه «۲»، «دیگر» قید است؛ در حالی که در سایر گزینه‌ها نقش صفت مبهم دارد.

۲۲۰) زیرا واژه‌های سه گروه دیگر، هم اسم هستند اما در این گزینه همه واژه‌ها صفت هستند.

۲۲۱) وابسته مضاف‌البه کلمه‌ای است که بعد از مضاف‌البه به آن اضافه می شود.

در گزینه ۳:

تشخیص: هسته

واحدها: مضاف‌البه

زیر نیبری: وابسته مضاف‌البه و مشتق مرکب (وندی مرکب) است.

۲۲۲) با مرتب کردن ابیات گزینه‌ها براساس زبان معیار متوجه می شویم که نقش‌های دستوری نوشته شده فقط در گزینه (۲) صحیح است.

گزینه (۲): اگر گذرت بر وجود کُنْتُ عشق افتد، سخن بگویی که در جسم مرده جان (را) می آری.

مضاف‌البه مفعول

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه (۱): در مصراع دوم کلمه «من» نقش متمم دارد؛ نه مضاف‌البه.

گزینه (۳): «روشن» در مصراع اول «صفت» است؛ نه قید.

گزینه (۴): «سعدی» در مصراع اول «منادا» است؛ نه نهاد.

۲۲۳) بن مضارع + ه: اسم ← آویزه، پیرایه

بن مضارع + ه: اسم ← آویزه، پیرایه

اسم + گر + ی: اسم رویگری، آرایشگری

بن مضارع + ان: صفت/قید تابان، گریان

۲۲۴) صفت‌های بیانی: ۱ - درخشان (صفت فاعلی: درخش + ان) ۲ - روشن (صفت ساده) ۳ - سهیم (صفت ساده) ۴ - سترگ (صفت ساده)

۲۲۵) صفت فاعلی: بن مضارع + نده: نویسنده

صفت لیاقت: مصدر + ی: نوشتنی

صفت مفعولی: بن ماضی + ه: نوشته

بن مضارع: امر منهای «ب» آغازی: بنویس نویس



۲۲۶) ۱ ۲ ۳ ۴ رنگین: نسبی / معطر: مطلق / صمیمانه: نسبی / کودکانه: نسبی / بی‌درد: مطلق / اهورایی: نسبی / عددیین: صفت فاعلی مرکب مرخم
 ۲۲۷) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه واژه «این» صفت اشاره است؛ چون به اسمی که پس از این واژه آمده اشاره می‌کند در گزینه‌های دیگر «این» ضمیر اشاره است که می‌توان
 به مکث یا ویرگولی که در معنا پس از این واژه قرار می‌گیرد، توجه کرد.

۲۲۸) ۱ ۲ ۳ ۴ برگستوان از واژه‌هایی است که در زبان فارسی متروک و حذف شد است و به کار نمی‌رود.
 بررسی سایر گزینه‌ها:

«کرسی» در معنای «تخت»، شوخی در معنای «گستاخی» و آچار در معنای «چاشنی غذا» امروزه تحویل معنایی یافته‌اند.
 ۲۲۹) ۱ ۲ ۳ ۴ این واژه سپر در گذشته به معنای «وسیله دفاعی در جنگ» بوده که امروزه نیز با حفظ این معنا وسیله‌ای در دوچرخه است.
 گزینه‌های دیگر:

۲) شوخ: معنایش عوض شده است در قدیم به معنای «چرک» بوده، اما امروز بذله گو معنا می‌دهد.

۳) سوفار: در گذشته به معنای «دهانه تیر» بوده و امروزه حذف شده است.

۴) سوگند: در گذشته به معنای «نوعی دارو شبیه گوگرد» بوده، اما امروزه مجازاً به معنای «قسم» است.

۲۳۰) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه «ان» در دو واژه «دل‌افسر دگان» و «غافل‌نهادان» نشانه جمع است.

۱) کوهان: پسوند شباهت / مژگان: پسوند نسبت

۲) کاویان: نسبت / خسروان: پسوند جمع

۳) بامدادان: زمان / گریان: پسوند فاعلی

۲۳۱) ۱ ۲ ۳ ۴ «صد گام» در گزینه (۲) قید می‌باشد اما قسمت‌های مشخص شده در سایر گزینه‌ها مفعول می‌باشند.

۱) از هم هفتاد حرب را رد نمودند
 مفعول

۳) پس دست خبیرگشا را برافراخت
 مفعول

۴) چون شاهد آرزو رخ را نمود (رخش را نشان نداد)
 مفعول

۲۳۲) ۱ ۲ ۳ ۴ «ایستادن» در سایر گزینه‌ها در معنای اصلی خود یعنی مخالف «نشستن» به کار رفته است؛ حال آن که در گزینه (۲) در معنای «مقاومت کردن» است.

۲۳۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه ترکیب وصفی وجود دارد (چنین جای - این وقت - خمر بهشتی)، اما در مقابل آن دو ترکیب نوشته شده است.

ترکیب‌های وصفی موجود در گزینه‌های دیگر:

گزینه (۱): درختان سبز - هر ورق (دو)

گزینه (۲): همه شکل - همه جای - عشوه شیرین - عشوه شکرخای (چهار)

گزینه (۴): آن طایر - طایر قدسی - عمر بگذشته (سه)

۲۳۴) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه (۳) حرف را بین مضاف و مضاف‌الیه آمده است:

شیخ ما را چشم ← چشم شیخ ما (را علامت فک اضافه است).

بررسی «را» در سایر گزینه‌ها

گزینه (۱): شیخ را گفت ← به شیخ گفت: «را» حرف اضافه است.

گزینه (۲): آن را نوشتم ← «را» نشانه مفعول است.

گزینه (۴): درویشی را بنشانده ← مفعولی است / او را چیزی می‌نوشتم ← برای او: «را» حرف اضافه است.

۲۳۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه «را» در مصرع (۱) نشانه مفعولی و در مصرع (۲) حرف اضافه است (که از بانگش طرب در دلی خیزد) و سایر گزینه‌ها (فک اضافه)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱) چو بینم دوست را یک روز دیدار ← یک‌روز دیدار دوست را بینم

گزینه (۲) مرا تا عشق صبر از دل براندست ← صبر را از دل من براندست.

گزینه (۴) تو را در دل درخت مهربانی ← درخت مهربانی در دل تو

۲۳۶) ۱ ۲ ۳ ۴ همه کلمات گزینه (۱) دو به دو با هم متضادند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲) همه واژه‌ها مترادفند جز «فخر و عار» که رابطه معنایی «تضاد» دارند.

گزینه (۳) همه واژه‌ها مترادفند جز «اجل و حیات» که رابطه معنایی «تضاد» دارند.

گزینه (۴) همه واژه‌ها مترادفند جز «مغز و پوست» که رابطه معنایی «تضاد» دارند.

۲۳۷) ۱ ۲ ۳ ۴ در گروه اسمی «روز حاجت» «روز» هسته و «حاجت» مضاف‌الیه است و ترکیب اضافی می‌سازد.

گزینه (۱) زمانی دیگر

هسته صفت مبهم

گزینه (۲) آن فخر

صفت شمارش هسته

ایران تونشنه

توشه‌ای برای موفقیت

گزینه ۳) گوهر یکدانه
هسته صفت بیانی

* یادآوری: سال گذشته و نیز در دوره اول متوسط با ترکیب وصفی و اضافی آشنا شده‌اید. الگوهای ترکیب وصفی و اضافی:
انواع ترکیب وصفی ۱- صفت پیشین اشاره، مبهم، تعجیبی شمارش و ... + هسته مثال: این کلاس و ...

۲- هسته + صفت بیانی، صفت شمارشی مثال: سالِ نکو، سال اول

انواع ترکیب اضافی ۱- هسته + اسم مثال: کشور ایران
اسم

۲- اسم + ضمیر متصل مثال: کتابم، دوستش

۲۳۸) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه‌های «۲»، «۳»، «۴»، «شد» به معنای «رفتن» است. اما در بیت گزینه «۱»، «شد» در معنای «گردید» است.

۲۳۹) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه نقش تبعی دیده نمی‌شود در گزینه‌های دیگر:

۱) واژه «گدا» معطوف است چون پس از «واو عطف» آمده.

۲) واژه «خود» بدل است.

۴) فعل «رفتم» در هر دو مصراع تکرار شده که یکی از نقش‌های تبعی است.

۲۴۰) ۱ ۲ ۳ ۴ «را» در جمله نضست به معنی «به» و حرف اضافه است؛ یعنی «به لقمان گفتند»؛ «لقمان» متمم است.

چه چیز را آموختی؟ ادب را ادب مفعول است.

«از» حرف اضافه است و هر چه بعد از آن بیاید متمم است. «که» به معنی چه کسی و بی‌ادبان، هر دو متمم هستند.

۲۴۱) ۱ ۲ ۳ ۴ اوج مراتب انسانی واژ (انسان + ی) صفت، مضاف الیه و مشتق است

۲۴۲) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت‌های «ب» و «د» اراده و نظر الهی است. با این توضیح که اگر عقل و خرد هدایتگرند، این راهگشایی را خداوند به او عطا کرده است.

مفهوم بیت «الف»: توصیف زیبایی و دلربایی زلف معشوق است. عقل چون چراغی است که از زلف او روشنایی یافت.

مفهوم بیت «ج»: علت آفرینش خود شناختن خدا و دلیل بینایی آدمی عبرت و ترسیدن از اوست.

۲۴۳) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم این گزینه، وابستگی به جهان مادی است.

۲۴۴) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۳ دو بیت، مفهومی کاملاً متفاوت دارند:

بیت اول: ناتوانی انسان در ستایش وصف خداوند

بیت دوم: شاعر معتقد است همه موجودات حمد و ثنای خدا می‌کنند.

۲۴۵) ۱ ۲ ۳ ۴ معنی عبارت: هر چیز به ریشه خود باز می‌گردد. / پیام سه گزینه دیگر هم، مانند عبارت، «بازگشت به اصل» است که باتوجه به مضمون عرفانی عبارت و گزینه

ها می‌توان آن را «بازگشت به سوی خدا» تعبیر کرد. هرچند گزینه ۲ هم به ارتباط اصل و فرع اشاره می‌کند، تقریباً مفهومی عکس مفهوم صورت سؤال دارد؛ گزینه (۲) اصل را پیرو فرع می‌داند،

چنان‌که مادر (اصل) جویای فرزند (فرع) معرفی شده است.

۲۴۶) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه نیز مانند گزینه مورد سؤال بر خموشی و رازداری تأکید شده است؛ اما گزینه‌های دیگر با بیت مورد سؤال تقابل دارد؛ چون خموشی را غیرممکن دانسته است.

۲۴۷) ۱ ۲ ۳ ۴ در متن صورت سؤال فقط به مدارا و مهربانی سفارش شده است اما در گزینه ۳ سعدی می‌گوید درشتی و نرمی با هم خوب است.

۲۴۸) ۱ ۲ ۳ ۴ مصراع صورت سؤال و بیت گزینه «۱»، بیانگر این مفهوم اند که عزت و ذلت به اختیار خداوند است: «تعز من تشاء و تُذل من تشاء»

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۲»: شاعر آرزو یا دعا می‌کند که کسی را که بخت تو بلندش کرده، پست نشود و کسی که بخشش تو عزیز گردانده است، خوار نگردد.

گزینه «۳»: شاعر انسان را مانند گیاهی می‌داند که رشد می‌کند، پس تنزل می‌یابد. (می‌پژمرد)

گزینه «۴»: در این بیت شاعر از این که بنده خداوند است، خود را صاحب عزت و سعادت‌مند می‌داند.

۲۴۹) ۱ ۲ ۳ ۴ رندان پارسا «تناقض» دارد. رند یعنی لالایی و زیرک، در ترکیب «رند پارسا»، دو مفهوم متناقض طوری کنار هم قرار گرفته‌اند که قابل جمع کردن نیستند.

۲۵۰) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه‌های ۱، ۳ و ۴: تا زمانی که تلاش و کسب روزی به خواست و اراده خداوند نباشد، آن تلاش بی‌نتیجه خواهد بود.

مفهوم گزینه ۲: کسب رزق و نعمت با سعی و کوشش خود

۲۵۱) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم این گزینه «جاه‌طلبی» است که لازمه ذات انسان دانسته شده است؛ در حالی که در گزینه‌های دیگر، توصیف شاعر بر «رهایی از هوای نفس و جاه‌طلبی» است.

۲۵۲) ۱ ۲ ۳ ۴ شاعر از مخاطب (خداوند) می‌خواهد که جسم خاکی‌اش را در آتش خشم و عذاب نسوزاند.

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های ۱، ۲ و ۴، لزوم ترک هوای نفسانی و تعلقات مادی برای رسیدن به کمال است.

۲۵۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه نیز مانند صورت سؤال بر مفهوم دست یافتن به حقیقت با وجود همه مشکلات و نقص‌ها تأکید شده است.

بررسی گزینه‌های دیگر:

۱) تأثیر دعا و اشک در سرنوشت انسان‌های گرفتار

۲) دل بی‌نوی عاشق همراه با سودای عشق معشوق است.

۳) شوق عاشق برای رسیدن به معشوق

۲۵۴) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه ۴: عدم تلاش برای کسب روزی؛ زیرا که رزق و روزی مقدر است. مفهوم مشترک بین صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۲ و ۳: سعی و تلاش برای

کسب رزق و روزی.



۲۵۵ ۱ ۲ ۳ ۴

در سایر ابیات، این نکته آمده است که افراد سطحی و خام، سوز دل عارفان و اندیشمندان را در نمی‌یابند.

۲۵۶ ۱ ۲ ۳ ۴

شاعر در این بیت می‌گوید باید در جنگ ادوات و سلاح‌های بیشتری تهیه کرد و با نیروهای آماده به میدان رفت چرا که باعث ترس دشمنان می‌شود، اما ابیات دیگر از شجاعت و دلاوری صحبت می‌کنند و اینکه مرگ نباید باعث هراس و فرار از میدان جنگ و جنگجویان گردد.

۲۵۷ ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و گزینه ۴، ترک تعلق از دنیا برای رسیدن به شادی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: ضرورت تلاش و همت برای ترک تعلق

گزینه ۲: بی‌بهره بودن از جهان علیرغم شایستگی

گزینه ۳: تأکید بر مفید بودن

۲۵۸ ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم صورت سؤال این است که باید به خوی و خصال خویشتن متکی بود و نه به آبا و اجداد خود که در گزینه ۳ به مضمون دیگری اشاره دارد که خردمند باید در پی نام نیک آرزوی زیستن داشته باشد و گزینه‌های دیگر با صورت سؤال مفهومی یکسان دارند.

۲۵۹ ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه داروی درد عشق را صبر بیان می‌کند در حالی که در گزینه‌های دیگر می‌گوید درد عاشقی درمانی ندارد.

۲۶۰ ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه ۴: هر کسی، محرم راز عشق نیست.

بررسی مفهوم دیگر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شکوه از بی‌وفایی معشوق

گزینه ۲: ادعای عاشقی بسیار آسان است و دلیل بر عشق حقیقی نیست.

گزینه ۳: بلاکشی عاشق؛ رنج عشق برای عاشق لذت بخش است.

۲۶۱ ۱ ۲ ۳ ۴

صورت سؤال به ناپایداری جهان هستی اشاره دارد که این مضمون در گزینه ۲ نیز دیده می‌شود.

۲۶۲ ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه مانند صورت سؤال گدایی عامل رسوایی عنوان شده است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: رسوایی مورد پسند است چون به درد گدا می‌خورد تا کاسه در دست بگیرد

گزینه ۲: خواری عامل عزت و سربلندی ماست.

گزینه ۳: در گدایی به مقام شاهی رسیدن.

در واقع همه گزینه‌ها به جز گزینه ۴ با بیت سؤال تقابل معنایی دارد.

۲۶۳ ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه شاعر می‌گوید که شرط رسیدن به حقیقت رها شدن از مادیات و وابستگی‌هاست اما در سه گزینه دیگر مانند گزینه مورد سؤال بر این نکته تأکید شده است که کسانی که خود را به تاریکی و جهل عادت داده‌اند از نور گریزان هستند.

۲۶۴ ۱ ۲ ۳ ۴

هوشنگ ابتهاج در بیت «الف، معتقد است که من همچون درختی هستم که نه سایه‌ای دارد و نه میوه‌ای اگر این درخت افکنده شود سزاست ولی تقابل این معنی در بیت «ب» دیده می‌شود که شاعر معتقد است تبر با درختی که بر او میوه و برگی دارد پیوند دارد.

۲۶۵ ۱ ۲ ۳ ۴

یعنی ای کسانی که از ترس خداوند جهان دل بریده‌اید و نمی‌ترسید.

۲۶۶ ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم «ناتوانی انسان در توصیف معشوق (خداوند)» مشترکاً در ابیات گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ مطرح شده است، اما شاعر در بیت گزینه ۳، می‌گوید: من نمی‌توانم معشوق را تماشا نکنم (نمی‌توانم تماشای معشوق را ترک کنم).

۲۶۷ ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه حیرانی و ناآگاهی از گزینه ۲) بیشتر است بنابراین مفهومش به صورت سوال نزدیک‌تر است.

۲۶۸ ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه حُسن سیرت و صورت همراه با هم مطرح شده است حال آن‌که در گزینه‌های دیگر فقط حُسن سیرت آمده است.

۲۶۹ ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه می‌گوید عابد واقعی کسی است که در میان خلق باشد و عبادت کند و این مفهوم در صورت سؤال نیز مطرح شده است.

در بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: نیکی به مردم

گزینه ۲: شجاعت و حریف طلبیدن

گزینه ۳: شیفتگی و سر به کوه و بیابان زدن از غم فراق

۲۷۰ ۱ ۲ ۳ ۴

با مفهوم عبارت صورت سؤال که در مورد «نکوهش، گوشه‌گیری و رُهد خشک و دور از مردم بودن» است کاملاً هم سو و یکسان است.

گزینه ۱ و ۲ کاملاً برعکس مفهوم عبارت صورت سؤال است، زیرا گوشه‌نشینی و دوری از خلق را توصیه می‌کند و می‌ستاید.

گزینه ۳ هم به نحوی گوشه‌گیری را و دور بودن از مردم را توصیه می‌کند.

۲۷۱ ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم بیت سؤال: ناپایداری دنیا و سفارش به دل‌ن بستن به دنیا است و نظیر این مفهوم در ابیات ۱، ۲، ۳ یافت می‌شود.

مفهوم بیت ۴: دل انسان خانه حق تعالی است و نباید در دل حبّ و دوستی دنیا جای بگیرد.

۲۷۲ ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم بیت گزینه ۴: اشک ریختن عاشق برای آگاهی یافتن از معشوق

مفهوم بیت صورت سؤال و ابیات سایر گزینه‌ها: زودگذری و ناپایداری دنیا

۲۷۳ ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه عنوان شده است که خداوند در همه پدیده‌ها به روشنی دیده می‌شود اما در صورت سؤال بر پنهان بودن خداوند در عین آن‌که آفرینش آشکاری دارد مورد تأکید قرار گرفته است.

۲۷۴ ۱ ۲ ۳ ۴

«بی‌اهمیت بودن ملامت و زخم منکران برای عاشق» پیام مشترک بیت صورت سؤال و گزینه ۳، است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «دل عاشق زهد را انکار می‌کند».

گزینه ۲: «بسیاری زخم همنشینان بر پهلوی من، بند قبا را چون تیر برایم دردناک کرده است».

گزینه ۴: «محتشم زخم یار را به جان می‌خرد و مدعی از حسادت هلاک می‌شود».

توشه‌ای برای موفقیت



کسی را که خدا عزیز گرداند همه مردم جهان نمی توانند او را خوار کنند. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۷۵

عاشق به دیدار معشوق قانع است. اگر هم محروم شود راهی برای دیدار می یابد. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۷۶

مفهوم گزینه های ۲، ۳ و ۴ مشترکاً بر «قناعت پیشگی» تأکید دارد.

مفهوم گزینه ۴: عاشق با شنیدن نام دوست، مست و مدهوش می شود. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۷۷

مفهوم مشترک سایر گزینه ها: تلاش و کوشش و وابسته نبودن به دیگران (= خودکفایی)

شاعر می گوید زیادی مال دنیا سبب دردسر است (قناعت). (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۷۸

در بررسی گزینه های دیگر:

گزینه ۱: دعوت به شادکامی و پرهیز از غم.

گزینه ۳: این گزینه با مفهوم «قناعت» تقابل دارد.

گزینه ۴: ستایش معشوق و این که بندگی معشوق آزادگی و ثروتمندی است.

کُل شیء یرجع الی اصله: هر چیزی سرانجام به اصل خود باز می گردد که در بیت شاعر دل را قطره ای از دریای عشق می داند که اشک از راه چشم به این (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۷۹ دریای عشق باز می گردد.

در بیت صورت سؤال، سخن از جدایی عاشق از معشوق و بیان درد هجران است و مفهوم مقابل (متضاد) آن در گزینه ۲ آمده است که عاشق با دیدار معشوق به شوق و وجد می آید و فریاد شادی سر می دهد. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۸۰

مفهوم گزینه های ۲، ۳ و ۴، ناتوانی عقل در برابر عشق است؛ اما در گزینه ۱، «بی اثر بودن افسون عشق در عقل» بیان شده است. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۸۱

مفهوم مشترک: سنگینی فراق دوستان سنگ را به ناله می آرد. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۸۲

در گزینه ۳ به تجربه سفر اشاره دارد و سایر گزینه ها به این که افراد بی خبر از عشق حال عاشق را درک نمی کنند. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۸۳

صورت سؤال و گزینه ۳ به ازلی بودن عشق الهی در وجود انسان اشاره می کند. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۸۴

یکی از مفاهیم بسیار پرکاربرد ادبیات خاصه ادبیات عرفانی این است که خداوند را هیچ موجودی نمی تواند ببیند و او با تمام بزرگی و عظمت از چشم خلائق پنهان است. این مفهوم در صورت سؤال و بیت گزینه ۲ هم دیده می شود، این که خداوند دلیل و علت تمام مخلوقات است اما هیچ مخلوقی نمی تواند او را درک کند چه برسد به اینکه او را ببیند. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۸۵

در این گزینه عزلت و گوشه نشینی مورد سرزنش واقع شده است اما گزینه های دیگر در ستایش گوشه نشینی است. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۸۶

در این گزینه خوشبختی مطرح شده است اما در گزینه های دیگر مانند بیت مورد سؤال بدقابالی مورد بحث است. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۸۷

در گزینه ۱ به بیداری و راز و نیاز شبانه اشاره شده است؛ اما در گزینه های ۲، ۳ و ۴، بر ترک تعلقات دنیوی و کنار گذاشتن وابستگی ها تأکید شده است. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۸۸

در این گزینه بر غمی که انسان در این دنیا متحمل می شود، تأکید شده است؛ حال آن که در گزینه های دیگر از بی ثباتی دنیا و دل نبستن بر آن سخن رفته است. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۸۹

در این گزینه مسیر حرکت از بالا به پایین است اما در گزینه های دیگر رفتن به بالا یعنی عالم معنا مورد بحث است. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۹۰

در این گزینه نیز مانند بیت مورد سوال بر این نکته تأکید شده است که صبر بر دوری و هجران از معشوق ممکن نیست اما در گزینه های دیگر شاعر مخاطب را به صبر دعوت می کند. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۹۱

گزینه «الف» در ستایش خرد است حال آن که بیت مورد سؤال از تأثیر گذاری پیران سخن گفته است. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۹۲

گزینه «د» از لطف و خلق و خوی شفا بخش معشوق سخن به میان آورده که از بیت مورد سؤال دور است.

مفهوم بیت صورت سؤال این است که هر کسی که غم معشوق و سختی های راه عشق را نچشیده باشد، اصلاً لایق و محرم عالم عاشقی نیست. این مفهوم در (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۹۳

گزینه ۱: هم موجود است که می گوید: کسی که سختی های راه عشق را نچشیده باشد و خودش را در این سختی ها و مشکلات محک نزده باشد، اصلاً از عشق چیزی نفهمیده است. مفهوم گزینه های دیگر:

گزینه ۲: کسی که نداند عشق همراه با رسوایی و انگشت نامی در میان خلق است، پس چیزی از عشق نمی داند.

گزینه ۳: درد عشق هیچ درمانی ندارد و ناله های عاشق چیز عجیب و غریبی نیست.

گزینه ۴: کسی که عاشقی را درک نکرده باشد، هم چون مرده ای متحرک است که از نعمات جهان هیچ بهره ای نبرده است.

مورد «د» بر «اخلاص عمل» تأکید دارد؛ چون شاعر تأکید می کند که حضرت علی شمشیر را به خاطر خداوند و با نام او مورد استفاده قرار داده است. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۹۴

مورد «الف» بر راسخ بودن اشاره دارد: بیفشرد چون کوه پا بر زمین (اصرار و پافشاری در تصمیم). مورد «ب» بر ناکامی تأکید دارد: چون نمود رخ شاهد آرزو (وقتی هر دو طرف در هدف خود ناکام ماندند)

مورد «ج» بر تأیید الهی تأکید می کند: بزد بوسه بر دست او جبرئیل.

در این گزینه نیز مانند بیت مورد سؤال شرط رسیدن به معشوق، سکوت و خاموشی دانسته شده است. (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۹۵

گزینه های دیگر:

۱) دوری از پرحرفی

۲) دعوت به سکوت از ترس نابودی

۳) دعوت به سکوت برای رسیدن به آگاهی

مفهوم گزینه ۲: ناپایداری نعمت دنیوی / مفهوم مشترک سایر گزینه ها: دشمنی روزگار با اهل دانش و هنر (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۹۶

این بیت مفهومی کاملاً مقابل نسبت به بیت مورد سؤال دارد. در بیت مورد سؤال بر مبارزه با نفس تأکید شده است؛ اما در گزینه ۲ شاعر می گوید به عجز و (۱ ۲ ۳ ۴) ۲۹۷

ناتوانی در راه مبارزه با نفس اعتراف باید کرد (در بیت مورد سؤال سخن از عدالت فریودن نیست، پس نباید ذهن داوطلب به آن طرف کشیده شود).

گزینه های دیگر:

۱) دوری از هوای نقش

۳) مفهومی نزدیک به بیت مورد سؤال و دعوت به عدل و دین داری.



۴) بی‌فایده بودن گنج فریدون (عدالت)

۲۹۸) ۱ ۲ ۳ ۴ در بیت سؤال و بیت ۳ به صفت «کرم و بخشش الهی» اشاره شده است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) بی‌کرانگی عشق - تقابل عشق و عقل

گزینه ۲) ناتوانی انسان در درک و شناخت خدا

گزینه ۴) تحمل سختی‌ها در راه عشق

۲۹۹) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت ۲: عقل، انسان را به سوی خدا راهنمایی می‌کند و انسان را به خدا می‌رساند.

اما مفهوم بیت سؤال: ناتوانی عقل و خرد در شناخت خداوند.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) سفارش به دید خردگرا داشتن در راه شناخت خدا.

گزینه ۳) ناتوانی عقل در وصف و شناخت خداوند.

گزینه ۴) همه پدیده‌ها در تسخیر خداوند هستند. (قدرت الهی)

۳۰۰) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌های ۳، ۴ «خودکفایی و وابسته نبودن به دیگران» است. مفهوم گزینه ۱) «پنهان بودن گنج زر» است.

۳۰۱) ۱ ۲ ۳ ۴ بیت صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ بر «تلاش و همت عالی و ترجیح آن بر زور بازو» تأکید دارد. گزینه ۴ می‌گوید بخشش ناتمام راه و رسم انسان‌های بلندهمت نیست.

۳۰۲) ۱ ۲ ۳ ۴ این گزینه در تقابل با صورت سؤال است؛ چون در صورت سؤال نیکی دیدن نتیجه نیکی کردن دانسته شده است؛ اما در این گزینه می‌گوید نتیجه نیکی کردن تحمل غم و غصه است.

در گزینه‌های دیگر نیکی کردن ستایش شده است.

۳۰۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه سخن از قناعت نیست بلکه شاعر می‌خواهد بگوید به دوری از معشوق راضی است اما در گزینه‌های دیگر از «قناعت» سخن به میان آمده است.

۳۰۴) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه ۱ انسان‌های نرم‌خو هرگز درشتی و تندمی‌کنند و با دیگران مدارا می‌کنند همچنان که نرمی مغز پسته با مدارا پوسته سخت پسته را می‌شکافت.

بررسی سایر گزینه‌ها

مفهوم گزینه ۱: سرزنش تندخویی و نتایج بد آن است.

مفهوم گزینه ۲: خوشایند بودن قهر و خشم معشوق برای عارف

مفهوم گزینه ۳: سرزنش دوستی با دشمنان

۳۰۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در بیت سؤال و بیت گزینه ۳، مفهوم این است که: زنگی هم خوشی دارد هم ناخوشی

در دیگر بیت‌ها سخن از این است که «رنگ رخسار خبر می‌دهد از سر درون» لیک در این گزینه می‌گوید که اگر از پرده راز ما برون افتد شگفتی ندارد.

۳۰۷) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم عبارت سؤال به «دوری از زهد منفی» و «دوری از گوشه‌نشینی» اشاره می‌کند. در مصراع دوم گزینه ۴ (نیز شاعر آرزو می‌کند که با رفیقانش به سفر برود و گوشه‌نشین نباشد).

۳۰۸) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت سؤال: عشق کار انسان‌های بی‌کار است و شخص عاقل با عشق و عاشقی تناسبی ندارد (در حقیقت در ستایش عقل و انکار عشق است). که با سایر گزینه‌ها به ظاهر در تقابل است.

مفهوم گزینه‌های ۱، ۳ و ۴: هر که عاشق نیست بی‌کار است و بهتر است عقل را رها کرد (این ابیات برخلاف بیت صورت سؤال در ستایش عشق و در انکار عقل هستند یعنی همگی در تقابل با بیت صورت سؤال هستند).

مفهوم بیت ۲: وقتی به عالم لامکان رسیدم کار بیهوده انجام نمی‌دهم (حرفی از تقابل عقل و عشق زده نشده است).

۳۰۹) ۱ ۲ ۳ ۴ دعوت به بخشش دارایی مفهوم مشترک گزینه‌ها و صورت سؤال است.

گزینه ۳) دعوت به عفو کردن و گذشتن از گناه کرده است.

۳۱۰) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و عبارت گزینه ۱ این است که همه انسان‌ها باید در همه لحظات زندگی و برهه‌های مختلف تلخ و شیرین روزگار با هم یکدل و موافق باشند و باهم همدردی کنند.

۳۱۱) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه مفهوم بیت «اقرار به ناتوانی در دانستن دانش‌ها» مطرح شده است.

۳۱۲) ۱ ۲ ۳ ۴ «فرهاد و شیرین» اثر «وحشی بافقی» است البته «خسرو و شیرین» یکی از پنج گنج نظامی گنجوی است.

۳۱۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در عبارت صورت سؤال و گزینه‌های «۱»، «۲»، «۳» بر رعایت و برقراری عدالت تأکید شده است.

در گزینه ۴: می‌گوید: اگرچه شخص عادل و راستگو تنها و بی‌کس باشد، راستی برای او همچون نگهبانی خواهد بود.

۳۱۴) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»: تا هنگامی که همه چیز را در اختیار داری از دیگران کمک نگیر.

۳۱۵) ۱ ۲ ۳ ۴ طوطی نماد تقلید است. حافظ در این بیت معتقد است که آنچه رفتار و حرکت و روش زندگی اوست تقلید به جایی است که از استاد ازل و باری تعالی انجام می‌دهند.

۳۱۶) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت ۴: «راضی و خشنود بودن به درد در زمانی که درمانی نیست» اما مفهوم سایر گزینه‌ها به «قناعت به مال کم دنیایی» اشاره دارد.

۳۱۷) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه شاعر به مخاطب توصیه می‌کند که خود را از وابستگی‌های دنیا برهاند اما در گزینه‌های دیگر مانند بیت مورد سؤال بر معاد و روز رستاخیز تأکید شده است.

۳۱۸) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم عبارت صورت سؤال و بیت گزینه ۱) ستایش قناعت است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲): امروز که زنده هستی بخش.



گزینهٔ (۳): نمی‌توان به طور شایسته از نعمت‌های خداوندی سپاس‌گزاری کرد؛ چون بی‌شمارند.

گزینهٔ (۴): سپاسگزار بودن انسان در برابر نعمت‌های الهی.

۳۱۹ ۱ ۲ ۳ ۴ پیام گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴»، «رحمت بعد از قهر» است که این مفهوم در گزینهٔ «۱» دیده نمی‌شود.

۳۲۰ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه بر ملا شدن راز عشق مورد تأکید قرار گرفته است حال آن‌که سایر گزینه‌ها از ارزشمندی عشق سخن به میان آمده است.

۳۲۱ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه معنای واژهٔ «پیر»، راهنما و هدایتگر است اما در گزینه‌های دیگر این واژه به معنای سالخورده و ناتوان است.

۳۲۲ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه نیز مانند بیت مورد سؤال شاعر آنچه را که از معشوق می‌بیند؛ می‌پسندد، چون وجود معشوق بسیار ارزشمند است.

در گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ ۱: در این گزینه بر دلپذیری سخن تأکید رفته است که از بیت مورد سؤال بسیار دور است.

گزینهٔ ۲: از ناز معشوق و زیبایی او و نیازمندی عاشقان به او سخن رفته است.

گزینهٔ ۴: چیزی ارزشمندتر از معشوق نیست.

۳۲۳ ۱ ۲ ۳ ۴ بیت «ج»: غبطه‌خوردن به حال عاشقی که شب و روز با معشوق و یار است.

بیت «ب»: بیانگر پذیرفتن سختی عشق و نیکو دانستن درد عشق است.

بیت «د»: بیانگر رها شدن عاشق از همهٔ غم‌ها به واسطهٔ عشق و پیوستن به معشوق است.

بیت «الف»: توکل داشتن و تکیه داشتن به معبود و هراس نداشتن از لغزش‌ها

۳۲۴ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم ابیات «الف» و «د»، تداعی‌کنندهٔ مفهوم «تقابل عشق و عقل» است.

۳۲۵ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینهٔ ۴، سرزنش رهبانیت و زهد منفی است. در این بیت گوشه‌نشینی و ترک دنیا مورد سرزنش قرار گرفته است.

۳۲۶ ۱ ۲ ۳ ۴ این گزینه از زبان پدر مجنون است حال آن‌که گزینه‌های دیگر از زبان «مجنون» بیان شده است.

۳۲۷ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ ۱ به ماجرای خلقت انسان اشاره می‌کنند.

۳۲۸ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک گزینه‌های «۲» و «۱»: حقیقت عشق را هر کسی درک نمی‌کند و برای درک آن، شخص هم درد و دردآشنا لازم است، اما در بیت گزینهٔ «۳»

با اشاره به تأثیر زیاد باده و شراب می‌گوید: ساقی در جام شراب چه ریخته‌ای، که حریفان هنوز در خواب‌اند؟

۳۲۹ ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه‌های «۲» و «۳» به آیهٔ شریفهٔ سورهٔ احزاب اشاره دارد که مضمون آن بار امانت الهی است که بر دوش انسان نهاده شده ولی در گزینهٔ ۱ به جهل و

سرمستی انسان اشاره دارد.

۳۳۰ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت گزینه‌های «۲» و «۳»، «عجین شدن عشق با ذات انسان» و مفهوم بیت گزینهٔ «۱»، «ارزش‌بخشی عشق» است. البته از مصراع اول مفهوم «غم‌دوستی

عاشق» نیز قابل دریافت است.

۳۳۱ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه شاعر خود را هوادار معشوق می‌داند اما در سایر گزینه‌ها فدا شدن در راه وطن مورد تأکید قرار گرفته است.

۳۳۲ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینهٔ ۳، اوج غم و اندوه شاعر است. اما مفهوم سایر گزینه‌ها و عبارت سؤال به توصیف غفلت و ناآگاهی مردم جامعه می‌پردازد.

۳۳۳ ۱ ۲ ۳ ۴

۳۳۴ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سوال و گزینهٔ ۲: سزای بی‌ثمری ناپودی است.

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: بی‌تعلقی موجب سعادت است

گزینهٔ ۳: نکوهش دل بستن به دنیا

گزینهٔ ۴: نکوهش دل بستن به دنیا

۳۳۵ ۱ ۲ ۳ ۴ ابیات این گزینه به بی‌ارزشی ارزش‌ها اشاره دارد.

۳۳۶ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه گوشه‌نشینی اهل نظر و سکوت آنان مطرح شده است؛ حال آن‌که در گزینه‌های دیگر مانند بیت مورد سؤال بر وارونه شدن اوضاع تأکید شده

است.

۳۳۷ ۱ ۲ ۳ ۴ گزینه‌های ۱ و ۲، بیت، به یزدان هر آن‌کس که شد ناسپاس / به دلش اندر آید ز هر سو هراس، اشاره دارد ولی بیت ۴ به هراس انسان از دیو سیرتان

اشاره دارد.

۳۳۸ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم کنایی مصراع اول یعنی «به مراد و آرزو نرسیدن»، که این مفهوم در مصراع اول بیت گزینهٔ «۲» دیده می‌شود.

۳۳۹ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه به درویش توصیه شده است که فرصت را غنیمت بشمارد؛ اما در گزینه‌های دیگر بر جهاد نفس و غلبه بر هواهای نفسانی تأکید شده است.

۳۴۰ ۱ ۲ ۳ ۴ بلا: گرفتاری / فراغ: آسودگی / اولی‌تر: سزاورتر / والّا: وگرنه / طاعنان: خرده‌گیران / مجال: فرصت / وقیعت: بدگویی

۳۴۱ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم صورت سؤال «ترجیح دادن دیگران بر خود» است و این معنی در گزینهٔ «۲» نیز آمده است. شاعر می‌گوید: از دست‌یابی به مراد خود دوری کن اگر می‌خواهی در میان بی‌مردان غمگین نباشی (آنان را بر خود ترجیح بده).

۳۴۲ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه تأکید بر این است که گاهی بین دوستان جدایی می‌افتد.

در گزینه‌های دیگر مفهوم مشترکی دیده می‌شود و آن آزمودن دوستان در بلا و مصیبت است.

۳۴۳ ۱ ۲ ۳ ۴ چون مفهوم کلاً ی بیت سوال این است که با وجود تهیدستی، مثل شاهان بخشندگی می‌کرد، با گزینهٔ دوم یکسان است عبارت «از دست خشک سبو آب می‌چکد»، یعنی با این که تهیدست است، بخشنده نیز هست.

۳۴۴ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه شاعر می‌گوید: «زبان آتشینم هست لیکن در نمی‌گیرم؛ یعنی قدرت بیان دارد؛ اما در کسی تأثیر نمی‌گذارد. در حالی که در متن سؤال می‌گوید:

سخنش صادقانه بود و در نهایت همه باور کردند و در آنها تأثیر داشت.

ایران تونشنه

توشه‌ای برای موفقیت



گزینهٔ () به مفهوم " دست کشیدن از کار" اشاره دارد و بر این عقیده است که موجود تنومندی چون فیل به واسطهٔ زور و قدرتش ارتزاق نمی‌کند بلکه خدا روزی رسان است و رزق هر موجودی را خداوند مقدّر کرده است. پس نباید در کسب روزی تلاش نمود. گزینه‌های ۱ و ۳ اشاره می‌کنند که بی‌رنج و تلاش، مزد و گنجی به دست نخواهی آورد.

مفهوم گزینهٔ ۴: فدا کردن جان از سوی عاشق هنگام شنیدن و رسیدن پیامی از معشوق

مفهوم سایر گزینه‌ها: مسکن حقیقی انسان، عالم بالا و نزد معشوق است و ناگزیر به سوی او برمی‌گردد.

نظیر بیت: چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانیست / روم به روضهٔ رضوان که مرغ آن چمنم،

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ ۳: دعا و آه و گریهٔ عاشق عاقبت محقق است و عاشق به مقصود خود رسید.

مفهوم گزینه‌های دیگر:

(۱) عشق را نصیب عاشق ساز.

(۲) شکرگزاری عاشق با وجود کشته شدن به دست معشوق.

(۴) عنایت معشوق به عاشق.

در این گزینه سخنی از تقلید نابخردانه نیامده؛ بل از پروردن زشت گوه‌ران و پیامد های ناگوار آن سخن رفته است.

گزینهٔ ۱

گزینهٔ ۲

«هر روز به طبعی دیگر بودن»، عدم ثبات رأی را می‌رساند. مفهوم سایر گزینه‌ها: گزینهٔ ۱) همت عالی داشتن / گزینهٔ ۲) ناسازگاری معشوق / گزینهٔ ۳) عاشق عیب معشوق را نمی‌بیند.

در ابیات «الف، ب، ج» به نفی خودباختگی و تقلید کورکورانه اشاره شده است.



ایران توتنه
توشه‌ای برای موفقیت